



# روم بیان ۷-۱

## نعمت خدا

نوشتہ: تیموتی کِلر

مطالعہ

۷

درس





# نعمت خدا

رساله رومیان ۱-۷

نوشتۀ: تیموتی کیر

مترجم: رامین بسطامی

# فهرست عناوین

- ۶ مقدمه
- ۸ چرا باید رساله رومیان ۱ - ۷ را مطالعه نمود؟
- ۱۰ ۱. معرفی عدالت  
رومیان ۱:۱ - ۱۷
- ۱۵ ۲. چرا همه نیازمند انجیل هستند؟  
رومیان ۱: ۱۸ - ۲: ۲۹
- ۲۱ ۳. چگونه رابطه مان را با خدا درست کنیم؟  
رومیان ۳
- ۲۷ ۴. آنچه که ابراهیم و داوود کشف کردند  
رومیان ۴
- ۳۳ ۵. بهره‌مندی از عادل شمردگی  
رومیان ۵
- ۳۹ ۶. چرا مسیحیان از خدا اطاعت می‌کنند؟  
رومیان ۱:۶ - ۶:۷
- ۴۵ ۷. نبرد درون  
رومیان ۷:۷ - ۲۵
- ۵۱ ۸. راهنمای رهبر گروه

The Farsi Translation of:  
***The Gift of God – The Good Book Guide to Romans 1-7***  
by Dr. Timothy Keller © 2014

Originally published in English by  
The Good Book Company  
www.thegoodbook.com  
www.thegoodbook.co.uk  
All rights reserved.

Farsi Publisher Translator:  
Fact Ministries, Inc.  
www.factministries.org  
P.O. Box 53507, San Jose, CA 95153  
Paper ISBN: 978-1-647647-18-6

سرشناسه: نعمت خدا – راهنمای مطالعه رومیان ۱-۷ برای شخص شما

نگارنده: دکتر تیموتی کیلر

مترجم: رامین بسطامی

ویراستار: آلبرت اصلان

صفحه‌پرداز: روبرت کرمی

ناشر فارسی: **راستی** – مؤسسه آموزش کتاب مقدس

شماره شابک: ۹۷۸-۱-۶۴۷۶۴۷-۱۸-۶

حق ترجمه فارسی این اثر مطابق مفاد قرارداد با شرکت انتشاراتی

The Good Book Company برای سازمان **راستی** محفوظ است.

دسامبر ۲۰۱۹

## مقدمه: راهنمایی‌های ناشر انگلیسی (The Good Book Guides)

هر گروه بررسی کتاب مقدس با گروه دیگر فرق دارد، گروه شما ممکن است در ساختمان کلیسا، در خانه و یا در یک کافه، درون قطار، در حین صرف قهوه صبحگاهی و یا به صورت فشرده در مدت ۳۰ دقیقه از وقت ناهار تشکیل شود. شاید گروه شما متشکل از نوایمانان مسیحی، مسیحیان بالغ، غیرمسیحیان، مادران شیرده، دانشجویان، صاحبان کسب و کار و یا حتی نوجوانان باشد. به همین دلیل است که ما این کتاب راهنما را به صورت انعطاف پذیر طراحی کرده‌ایم، تا در موقعیت‌های گوناگون بتوان از آن استفاده کرد.

هدف ما در هر جلسه این است که معنای یک قسمت از رساله رومیان را باز کنیم، و ببینیم آیه‌های مزبور با "تصویر بزرگ" کتاب مقدس چگونه تطبیق پیدا می‌کند. اما کار هرگز به همین جا ختم نمی‌شود. لازم است که کشفیات خود را در زندگی‌مان هم به کار ببندیم. ببینید به محتویات این کتاب نگاهی بیندازیم:

↔ **گفتگو:** در اکثر گروه‌ها باید در همان آغاز جلسه، "بخ‌ها شکسته شوند"، و ما این کار را با طرح یک پرسش انجام می‌دهیم. پرسش‌ها بدین منظور طراحی شده‌اند که اعضای گروه را به حرف زدن پیرامون موضوعی که قرار است در طی بررسی کتاب مقدس بدان پرداخته شود، وادار کنند.

⏴ **تحقیق:** متن کتاب مقدسی که برای هر جلسه در نظر گرفته شده، به چند بخش قابل کنترل تقسیم می‌شود و به همراهش پرسش‌هایی مطرح می‌گردد، با این هدف که در فهم موضوع بخش مورد نظر کمک‌تان کند. **راهنمای رهبر گروه** حاوی **رهنمودها و پرسش‌ها**، و گاه ☑ پرسش‌های اضافی برای "پیگیری" می‌باشد.

⏵ **جستجوی بیشتر:** این پرسش‌ها به شما کمک می‌کنند که آموخته‌های خود را با سایر قسمت‌های کتاب مقدس ربط دهید، تا از این رهگذر بتوانید پازل خود را تکمیل نمایید: یا هرازگاه به قسمتی از آیه‌هایی که در بررسی اصلی بدان پرداخته نشده، نگاهی بیندازید.

⏪ **کاربرد:** در طی بررسی کتاب مقدس، به بخش‌های کاربردی برو خواهید خورد. اینها پرسش‌هایی هستند که گروه را به بحث پیرامون شیوه‌های کاربرد مفاهیم آموخته شده کتاب مقدس در زندگی خودتان و کلیسایتان، تشویق می‌کنند.

⏩ **شخصی‌سازی:** فرصتی است برای اندیشیدن، طرح نقشه و دعا کردن در مورد تغییراتی که لازم است در شخص خودتان ایجاد کنید تا از آنچه یاد گرفته‌اید، نتیجه‌ای مطلوب بگیرید.

⬆️ **دعا کنید:** خواست ما تشویق شما به دعا کردنی است که ریشه در کلام خدا دارد، یعنی دعایی که در راستای علائق، اهداف و وعده‌های خدا قرار دارد. از این رو هر بخش با فرصتی برای بازبینی حقایق و چالش‌های مطرح شده در بررسی کتاب مقدس، و تبدیل کردن آنها به دعاهایی که در برگیرنده درخواست‌ها و شکرگزاری‌هاست، پایان می‌یابد.

کتاب راهنمای رهبر گروه و مقدمه آن، زمینه تاریخی و اطلاعات و توضیحات لازم پیرامون متن‌هایی که قرار است در هر جلسه مورد بررسی قرار بگیرند، را در اختیار تان می‌گذارند و برای فعالیت‌های فوق برنامه اختیاری ایده‌هایی پیشنهاد می‌کنند، و نشانتان می‌دهند که چگونه می‌شود به بهترین شکل در کشف حقایق کلام خدا به مردم کمک کرد.

راست‌بختان  
Farsi & Assyrian Christian Teaching Ministries

## چرا باید رومیان ۱ - ۷ را مطالعه کرد؟

همه دوست دارند انسانهای درستی باشند. در جای درست بایستند، یا به عبارتی "عادل و درستکار" باشند.

ما دوست داریم از نظر قوانین کشورمان، افراد درستکاری باشیم تا خودمان را از دردسر دور نگه داریم. می‌خواهیم در نگاه کسانی که مورد احتراممان هستند و آنانی که در میانشان زندگی می‌کنیم، افراد درستکاری باشیم. از این رو طوری عمل می‌کنیم، حرف می‌زنیم و لباس می‌پوشیم که انتظارش می‌رود و پذیرفته شده است. دوست داریم در نگاه کسانی که دوستان دارند، افراد درستکاری باشیم، به دنبال جفتی مناسب برای خود می‌گردیم و بعد سعی می‌کنیم او را برای خودمان نگاه داریم. می‌خواهیم در نظر کسانی که با ما کار می‌کنند، آدم‌های درستکاری باشیم، از این جهت سخت و زیاد کار می‌کنیم.

اما یک درستکاری یا عدالت دیگر و بسیار برتر هم وجود دارد، عدالتی که نامه پولس به کلیسای روم بدان می‌پردازد. همه ما نیازمند چنین عدالتی هستیم، همه درستکاری‌های دیگر بدان اشاره می‌کنند و عدالتی که همه جنبه‌های زندگی ما را دگرگون می‌سازد و ما را آزاد می‌کند.

این همان داشتن رابطهٔ درست با خداست، بهره مند شدن از شناخت او در زمان حال، و داشتن توانایی در نگاه به آینده و برخوردار شدن از شناخت او در ابدیت. و این همان عدالتی است که پولس رسول درباره‌اش به مسیحیان ساکن پایتخت امپراتوری روم می‌گوید که هیچکس نمیتواند به تنهایی آن را بدست آورد یا حفظ کند. هر تلاش و توفیقی برای رسیدن به شناخت خدا محکوم به شکست است.

پولس از آنان و از ما می‌خواهد چیزی را درک کنیم که اهمیتی جاودانی دارد و زندگی ما را دستخوش دگرگونی ساخته، آزادمان می‌کند؛ و آن اینکه خدا داشتن رابطهٔ درست با خود را به مردمان عطا می‌کند. وی می‌گوید: «نعمت خدا، حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح [است]» (رومیان ۲۳:۶).

در طی این هفت بررسی، ما پولس را در حالی می‌یابیم که دارد در مورد این نعمت، راست بودن با خدا، تعلیم می‌دهد. درخواستی یافت که چرا حتی با وجود مذهبی بودن، به طور ذاتی عادل نیستیم. و اینکه چگونه است که خدا در مسیح، انسانهای نادرست را درست و پارسا می‌سازد؛ و اصولاً عادل بودن برای آینده و حال ما به چه معناست.

و زمانی که این نعمت خدا را، آنچنان که پولس به ما تعلیم می‌دهد و ما را به چالش می‌کشد، می‌گشایید، درمی‌یابید که زندگی، هویت و دیدگاه‌هایتان چقدر متحول می‌شوند.

کارل لفرتن

ویراستار



## توالی تاریخی رویدادهای کتاب مقدس

کتاب رومیان کجای کل داستان کلام خدا

قرار می‌گیرد؟



### رومیان حدود ۵۷ میلادی

پولس سفر سوم بشارتی خود را از طریق سوریه، ترکیه و یونان امروزی آغاز می‌کند

۵۳ میلادی

پولس اول و دوم قرن‌تین را می‌نویسد

۵۵ میلادی

پولس نامه خود را به رومیان، و احتمالاً از قرتس می‌نویسد

۵۷ میلادی

پولس به روم می‌رسد تا در دادگاه حاضر شود، در حبس خانگی قرار می‌گیرد و (احتمالاً) بعداً آزاد می‌شود

۵۹ - ۶۱ میلادی

پولس می‌میرد (احتمالاً) او را در روم اعدام می‌کنند

۶۷ میلادی

# رومیان ۱:۱ - ۱۷

## معرفی عدالت

### گفتگو

۱- پیغام مسیحیت را در یک جمله چگونه خلاصه می کنید؟

### تحقیق: رومیان ۱:۱-۱۳ را بخوانید

۲- نگاه پولس به خودش و زندگی اش چگونه است (آیه های ۱ و ۵)؟

### واژه نامه

رسول (آیه ۱) : مردی که عیسای قیام کرده را دیده و توسط خود او برای تعلیم کلامش برگزیده شده است.

انجیل (آیه ۱) : اعلان (غالباً خبرخوش).

تقدس (آیه ۴) : جدا شدگی.

فیض (آیه ۵) : لطفی که سزاوارش نیستیم

مقدسین (آیه ۷) : مردمان مقدس

۳- شش آیه اول چه چیزهایی درباره "انجیل" می گویند؟

۴- ایمان حقیقی چه نتیجه ای در پی دارد (آیه ۵)؟ به نظر شما چرا چنین است؟

۵- پولس نامه‌اش را خطاب به چه کسانی می‌نویسد ( آیه ۷ )؟ او چگونه ایشان را توصیف می‌کند؟

• چگونه برایشان دعا می‌کند (آیه‌های ۸-۱۰)؟

• چرا می‌خواهد از آنان دیدن کند (آیه‌های ۱۱-۱۳)؟

## ← کاربرد

۶- به عنوان مسیحیان، امروزه چگونه ما می‌توانیم به طور متقابل یکدیگر را تشویق کنیم؟

## ← شخصی سازی

خدا اعلام کرده که عیسی پسر اوست، که به قوت از مردگان برخیزانیده شده تا با قوت فرمانروایی کند؛ و ما، تحت فرمانروایی وی از فیض او بهره‌مند می‌شویم و با او در مصالحه هستیم. زمانی که با دیگر ایمانداران وقت می‌گذرانیم، داریم با کسانی صرف وقت می‌کنیم که می‌گویند اظهارات خدا "حقیقت دارد" و "این چیز بی‌نظیری است". این دو واقعیت چگونه شما را دلگرم می‌سازند و دیدگاهتان را نسبت به خدمات کلیسایی به چالش می‌کشند؟

چگونه به عطایای سایر مسیحیان اعتماد می‌کنید، و چگونه با عطایای خودتان بدیشان خدمت می‌نمایید؟ آیا لازم است یکی از این دو کار یا هر دو را بیشتر انجام دهید؟

تحقیق: رومیان ۱: ۱۴-۱۷ را بخوانید

۷- پولس در مورد انجیل او چه حسی دارد (آیه ۱۵)؟ چه حسی ندارد (آیه ۱۶)؟

### واژه نامه

مدیون (آیه ۱۴): مقروض.  
یونانیان (آیه ۱۴): مردمانی که حکیم‌ترین فیلسوفان را پرورده بودند.  
عار (آیه ۱۶): واژه یونانی به معنای "اهانت" نیز می‌باشد.  
عدالت (آیه ۱۷): قرار گرفتن در رابطه درست با خدا.  
عدالت خدا (آیه ۱۷): به صورت تحت‌اللفظی میتواند "عدالت از [جانب] خدا" هم معنی شود.

• چرا دیدگاه مردم نسبت به انجیل، ممکن است با دیدگاه پولس مخالف باشد؟

۸- چرا پولس عار ندارد (= سرافکننده نیست) (آیه‌های ۱۴ و ۱۶)؟

۹- چکیده کلام پولس در مورد پیام مسیحی مندرج در آیه ۱۷ الف را با کلمات خودتان بیان کنید.

## ↓ جستجوی بیشتر

انجیل برای چه کسانی است (آیه‌های ۱۴ و ۱۶)؟ به نظر شما چرا پولس روی این حقیقت تأکید می‌کند؟

انجیل چه کسانی را نجات می‌بخشد (آیه‌های ۱۶-۱۷)؟

چه اتفاقی می‌افتد، اگر موارد زیر را فراموش کنیم:

- طبیعت نامحدود پیغام انجیل؟
  - مردم مادامی که به این پیغام ایمان نیاورند، نجات پیدا نخواهند کرد؟
- شما بیشتر متمایل به فراموش کردن کدام یک هستید؟

۱۰- انتهای آیه ۱۷ چه نکته‌ای را در مورد زندگی مسیحی، به ما یادآوری می‌کند؟

## ← کاربرد

۱۱- آیه‌های ۱۴-۱۷، پیرامون موارد زیر، چه چیزهایی به ما یاد می‌دهند:

- دین (= قرص) انجیل؟

• قدرت انجیل؟

• محتوای انجیل؟

• چرا از یاد بردن هر یک از اینها باعث می‌شود که ما در مورد انجیل، سکوت اختیار کنیم؟

۱۲- از چه جهاتی امکان دارد فراموش کنیم که در انجیل، "عادل به ایمان زیست خواهد نمود"؟

### ◀ شخصی سازی

انجیل همیشه باعث دلخوری می‌شود. به همین خاطر همواره با وسوسه سرافکندگی از آن مواجه هستیم. و نقطه مقابل سرافکندگی، تمایل نیست بلکه اشتیاق است (آیه ۱۵).

به برهه‌ای از زندگی خودتان فکر کنید که مشتاق در میان گذاشتن انجیل با دیگران بوده‌اید. چرا آنقدر اشتیاق داشتید؟

چه زمانی از انجیل عار دارید؟ دفعه بعد که در موقعیت مزبور قرار خواهید گرفت، آیه‌های ۱۶-۱۷ را چگونه به یاد خواهید آورد، و این یادآوری چه تفاوتی ایجاد خواهد نمود؟

### ↑ دعا کنید

#### خدا را شکر کنید:

- به خاطر کلیسای تان، و اینکه چطور کلیسا شما را به ایمان و اطاعت تشویق می‌کند.
- به خاطر این حقیقت که خدا عدالت خویش را در انجیل هم نمایان ساخته و آن را به ما هم تقدیم کرده است.
- به خاطر اینکه عدالت همیشه درباره ایمان است، و نه عملکرد.

#### از خدا بخواهید:

- به شما دلیری عطا کند تا انجیل را با دیگران در میان بگذارید، و هر وقت احساس سرافکندگی کردید، آن را به شما نشان دهد.

## ۲ رومیان ۱۸:۱ - ۲۹:۲ چرا همه نیازمند انجیل هستند

### آنچه در جلسه گذشته خواندیم

پولس خطاب به کلیسای روم، در مورد انجیل می‌نویسد: یعنی آن خبر که عدالت خدا به وسیله عیسی مکشوف شده، و تنها به وسیله او می‌توان آن را دریافت کرد.

### گفتگو

۱- پیغام مسیحیت را در یک جمله چگونه خلاصه می‌کنید؟

• اگر از مردم می‌پرسیدید: "چه چیزی می‌تواند این اشکال را برطرف سازد؟" چه جواب‌هایی می‌گرفتید؟

### تحقیق: رومیان ۱: ۱۸-۳۲ را بخوانید

۲۱-۱۸ آیه‌های ۱۸-۲۱ چه چیزهایی درباره غضب خدا به ما می‌گویند؟

### واژه نامه

غضب (آیه ۱۸): خشم سزاوار و بدون تغییر.  
باطل (آیه ۲۱): بی‌فایده.  
تقصیر (آیه ۲۷): انحراف؛ چیزی که اشتباه است.  
ناشایسته (آیه ۲۸): شریرانه، به لحاظ اخلاقی فاسد.  
خیانت (آیه ۲۹): دسیسه چینی برای آسیب زدن/ بدی کردن به دیگری.

۳- پولس از انسان‌هایی حرف می‌زند که شناختن و پرستیدن خدا را رد می‌کنند. به گفته وی، برای کسانی که چنین می‌کنند، همیشه چه اتفاقی می‌افتد (آیه‌های ۲۲-۲۵)؟

۴- عدم تمایل به شناختن خدا چه پیامدهایی را در بر دارد؟ (آیه‌های ۲۱ و ۲۶-۳۳)؟

### ← کاربرد

۵- واقعیت غضب کنونی خدا در جهان پیرامون مان را چگونه می‌بینیم؟

۶- آیا به نظر شما اجتماع کلیسایی، کمتر از فرهنگی که کلیسا را احاطه کرده، مستعد سرکوب حقیقت و بت‌پرستی است؟ چرا چنین فکر می‌کنید؟



## ◀ شخصی سازی

معضل اصلی دل ما این نیست که به انجام کارهای بد تمایل داریم، بلکه اشکال در این است که برای انجام کارهای خوب تمایل بیش از حد داریم. از چیزهای خوبی که خود مخلوق اند، بت می تراشیم و آنوقت شروع به پرستش و خدمت آنها می کنیم.

سه مخلوقی که ما وسوسه می شویم با آنها همچون خدایان رفتار کنیم، و معتقدیم می توانند ما را به کمال و خرسندی برسانند، نام ببرید؟

وقتی به این چیزها درست نگاه کنید و آنها را همان طور که هستند (یعنی مخلوق خدا) ببینید، چگونه به نظر خواهند رسید؟ اگر از آنها در راستای پرستش خدا و شکرگزاری از او بهره مند شوید، چه تغییری حاصل خواهد شد؟

## ▾ تحقیق: رومیان ۱:۱-۲۹ را بخوانید

۷-پولس در آیه های ۱-۳ به چه جور شخصی اشاره می کند؟ (برای کمک گرفتن می توانید به آیه ۱۷ مراجعه نمایید.)

### واژه نامه

توبه (آیه ۴): تغییر ذهنیت و پذیرفتن خدا به عنوان پادشاه و نجات دهنده خویش.

شریعت (آیه ۱۲): معیارهای خدا، که در کلامش آشکار شده اند.

امتها (آیه ۱۴): همه کسانی که غیر یهودی هستند.

صورت (آیه ۲۰): شکل قابل رویت؛ بهترین نمونه.

نفرت (آیه ۲۲): انزجار.

ختنه (آیه ۲۵) / مختون (آیه ۲۶): روشی که خدا برای شناساندن قوم خود در نظر گرفته بود (نگاه کنید به

پیدایش ۱۷).

• پولس در مورد آنان به چه نکته ای اشاره می کند؟

• وی به آنان چه هشداری می دهد (آیه های ۴-۵)؟

## ◀ شخصی سازی

چون از گناہانی که دیگران مرتکب می‌شوند، دوری می‌کنی، «گمان می‌بری که تو از حکم خدا خواهی رست؟» (آیه ۳)

خدا از معیارهای خودمان، همان استانداردهایی که با زبان خودمان به وجود آورده‌ایم، برای داوری کردن ما استفاده خواهد کرد. رفتار و افکار ما مطابق با همان چیزهایی که درباره نحوه زندگی کردن دیگران می‌گوییم و می‌اندیشیم، مورد داوری قرار خواهند گرفت.

در کدام زمینه‌ها دیگران را احتمالاً به خاطر آنچه که کم و بیش خودتان مرتکب شده‌اید، مورد سرزنش و داوری قرار داده‌اید؟

## ↓ جستجوی بیشتر

خدا «به هر کس برحسب اعمالش جزا خواهد داد» (آیه ۶).  
داوری بر مبنای اعمال صورت خواهد گرفت. آیا پولس نسبت به رومیان ۱: ۱۶-۱۷، آنجایی که گفته بود عدالت را خدا می‌بخشد و ما با ایمان آن را دریافت می‌کنیم، و هرگز خودمان نمی‌توانیم آن را تحصیل نماییم، نظرش را عوض کرده است؟

## مزمور ۶۲ را بخوانید

این همان مزموری است که پولس از آن نقل قول می‌کند. داوود، سراینده مزمور ۶۲، دو دسته از مردم را با هم مقایسه می‌کند.  
دسته اول چگونه افرادی هستند (آیه‌های ۳-۴)؟ در ارتباطشان با خدا، مرتکب چه کاری شده‌اند؟

دسته دوم چه کرده‌اند (آیه‌های ۱ و ۷)؟  
پس زمانی که داوود در آیه ۱۲ می‌گوید که هر یک «موافق عملش» جزا خواهد یافت، چه منظوری دارد؟

این به درک ما از منظور پولس در رومیان ۲: ۶-۱۱ چه کمکی می‌کند؟  
در مزمور ۶۲ آیه‌های ۹-۱۰ می‌بینیم که ایمان نجات‌بخش، خود را با اعمال نشان می‌دهد: «اطاعت ایمان» (رومیان ۵: ۱). با این تعبیر، کارهای نیکو در حالی که در نجات شخص چیزی به ایمان اضافه نمی‌کنند، نشان می‌دهند که وی از ایمان نجات‌بخش برخوردار است. اعمال ما نشانه ظاهری ایمان باطنیمان محسوب می‌شوند. در اینجا مسیحیان مؤمن با چه چالشی روبرو هستند؟

پولس می‌گوید کسانی که با شریعت خدا آشنایی ندارند، «بی‌شریعت نیز هلاک شوند» و کسانی که با آن آشنایی دارند، «از شریعت بر ایشان حکم خواهد شد» (آیه ۱۲).

۸- وی چگونه نشان می‌دهد که در پیشگاه خدا هیچ دست‌آویزی برای دفاع از افراد زیر وجود ندارد:

• انسان‌های بی‌دین (آیه‌های ۱۳-۱۶)؟

• انسان‌های دین‌دار (آیه‌های ۱۷-۲۷)؟

۹- تنها چیزی که واقعا اهمیت دارد، چیست (آیه‌های ۲۸-۲۹)؟

• این تحول قلبی، چه نتیجه‌ای «چه مثبت و چه منفی» به بار می‌آورد (انتهای آیه ۲۹)؟ چرا چنین فکر می‌کنید؟

## ← کاربرد

۱۰- از کجا می‌توانیم بفهمیم که آیا ما همان «تویی» هستیم که پولس در فصل ۲ رومیان مورد خطاب قرار می‌دهد؟

۱۱- اگر کسی از شما بپرسد: "شکال این دنیا در چیست؟" با توجه به این دو فصل، چه جوابی به او خواهید داد؟

۱۲- چگونه آیه‌های ۱: ۱۸-۲: ۲۹ باعث می‌شوند از انجیل تقدیر کنید؟

### دعا کنید

#### خدا را شکر کنید:

- به خاطر اینکه آنقدر مراقب دنیایش هست که ساکنان آن را مورد داوری قرار می‌دهد.
- به خاطر اینکه نه فقط از ظاهری که پیش مردم داریم، بلکه از دل‌هایمان هم خبر دارد.
- به خاطر اینکه در انجیل راهی برای درست شدن رابطه‌مان با او وجود دارد.

#### از خدا بخواهید:

- در مورد بت‌پرستی، و حق به جانب‌پنداری مذهبی‌تان، خودآگاهی حقیقی به شما عطا فرماید.
- در دست و پنجه نرم کردن با هر مطلبی در این متن، که شما را به چالش طلبیده، کمک‌تان کند.
- به شما توانایی دهد تا دیدگاه خود را به هر روشی که روح‌القدس شما را نسبت به آن بر می‌انگیزاند، تغییر دهید.

## چگونه با خدا در رابطه درست باشیم

### آنچه در جلسه گذشته خواندیم

پولس خطاب به کلیسای روم، دربارهٔ انجیل می‌نویسد: یعنی این خبر که عدالت خدا بوسیلهٔ عیسی مکشوف شده، و تنها به وسیله او می‌توان آن را دریافت کرد. غضب خدا بر همه انسان‌ها، اعم از بی‌دین و دین‌دار، آشکار شده و خواهد شد. اشخاص دین‌دار، دیگران را به خاطر کارهایی که خودشان هم مرتکب می‌شوند، داوری می‌کنند.

### گفتگو

۱- آیا تا به حال شده که به دنبال کلماتی برای بیان منظور خود بگردید؟ علتش چه بوده؟

### تحقیق: رومیان ۱: ۱۸-۳۲ را بخوانید

۲- یهودیان و امتهای «با به تعبیر ما، انسان‌های دین‌دار و بی‌دین» از چه نظر شبیه یکدیگرند (آیه ۹)؟

### واژه‌نامه

باطل ساختن (آیه ۳): خنثی کردن؛ بی‌اعتبار کردن.  
غالب آمدن (آیه ۴): اثبات قدرت بیشتر؛ برنده شدن.  
ترس (آیه ۱۸): نگرشی برخاسته از وحشت نسبت به هویت یا کرده‌های یک فرد.  
زیر قصاص آمدن (آیه ۱۹): دعوت به دفاع از کارهایی که انجام داده‌اید.  
دانستن (آیه ۲۰): آگاه بودن.

• کاملاً پیداست که عده‌ای از آدم‌ها نسبت به دیگران، گناهان کمتری مرتکب می‌شوند. پس به نظر شما انتهای آیه ۹ چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

۳- در آیه‌های ۱۰-۱۸، پولس فهرستی بلند بالا از گناہانی ارائه می‌کند که بر ما اثر گذارند. آنها را نام ببرید (دست کم هفت مورد)؟

۴- آیه‌های ۱۸-۲۰ چگونه کل مبحثی را که پولس از ۱۸:۱ آغاز کرده بود، جمع بندی می‌کنند؟

### ◀ شخصی سازی

آیه ۱۹ از وضعیت روحانی سکوت « دانستن اینکه وقتی در پیشگاه خدا می‌ایستیم، هیچ حرفی برای دفاع از خود نداریم» سخن می‌گوید. لب فرو بستن، وضعیت روحانی کسی است که می‌داند توانایی نجات خویش را ندارد. برای آمدن به حضور خدا با دستان خالی و به سادگی دریافت کردن عدالت وی، لب فرو بستن یک ضرورت است. با این تعبیر، چیزی که مانع از نجات مردم می‌شود، گناہانشان نیست، بلکه کارهای خوب آنان است.

روی این حقایق تأمل کنید. آیا می‌دانید که حرفی برای گفتن ندارید؟ آیا حقیقتاً با دستان خالی به حضور خدا می‌آیید؟

آیا عدالت را از خدا دریافت کرده‌اید؛ یا اینکه به دنبال آن هستید که عدالت خودتان را به او اثبات نمایید؟

### ◀ کاربرد

۵- چرا آیه‌های ۱۸-۲۰ هم در نظر مسیحیان و هم غیرمسیحیان، نامأنوس هستند؟

- چرا برای ایمان آوردن به انجیل، لازم است این آیه‌ها را خوب بفهمیم؟

## واژه نامه

📖 تحقیق: رومیان ۳: ۲۱-۳۱ را بخوانید

- ۶- «عدالت خدا ظاهر شده است» (آیه ۲۱).
- چگونه آن را به دست می‌آوریم؟
- شهادت (آیه ۲۱): گواهی؛ بیان حقایق پیرامون یک موضوع  
 عادل شمرده شده (آیه ۲۴): به طور کامل درست و تیرنه شده.  
 فدییه (آیه ۲۴): آزادی در ازای پرداخت بها  
 کفارِه (آیه ۲۵): از لحاظ تحت‌اللفظی دلجویی؛ خود را تسلیم کسی کردن برای فرونشاندن غضبش.  
 تحمل (آیه ۲۵): خویشتن داری صبورانه  
 فخر (آیه ۲۷): آنچه که بدان می‌بالید، چیزی است که به شما اعتماد به نفس می‌دهد، به شما ارزش می‌بخشد، و در رویارویی با زندگی به شما قدرت می‌دهد.

- چرا بدان نیاز داریم؟

- ۷- کاری را که عیسی با مرگش انجام داد، پولس چگونه توصیف می‌کند؟ این آیه‌ها درباره علت مرگ عیسی بر صلیب چه چیزهایی به ما می‌گویند؟

- آیه ۲۴

📌 جستجوی بیشتر: لاویان ۱:۱۶-۱۷ را بخوانید

هارون، کاهن اعظم اسرائیل، موظف بود با بُز چه کار کند (آیه‌های ۵ و ۱۵-۱۷)؟  
جانور مزبور به چه شکلی "تقدیم میشد"؟

قربانی کردن گاو (برای هارون) و بُز (برای قوم)، چه دستاوردی به همراه داشت؟  
در درک هرچه بهتر مفهوم آیه: «خدا او [پسرش] را از قبل معین کرد تا کفاره باشد»  
(رومیان ۳:۲۵)، جزئیات لاویان ۱۶ چه کمکی می‌کنند؟

۸- عیسی، پسر خدا، بر روی صلیب به جای ما مُرد، تا تاوان گناهان ما را پرداخت کند. این موضوع چطور نشان می‌دهد، تا او [خدا] «عادل شود» و «عادل شمارد» (آیه ۲۶) گناهکارانی را که به عیسی اعتماد کرده‌اند؟

۹- آیه ۲۶ در مورد عبارات زیر، چه کمکی به ما می‌کند؟

• "البته که خدا مرا خواهد بخشید. او خدای مهربان و اُمّرنده‌ای است که همچون پدري که فرزندش را می‌بخشد، مرا خواهد بخشید."



• "بعد از کارهایی که من انجام داده‌ام، خدا هرگز مرا نخواهد بخشید."

۱۰- به نظر شما، چرا عادل شمرده شدن به واسطه ایمان بدین معناست که دیگر جایی برای فخر کردن وجود ندارد (آیه ۲۷)؟

۱۱- در پرسش دوم دیدیم که یهودیان و امت‌ها در مواجهه با داوری، با هم یکسانند. یهود و امت‌ها از چه جهات دیگری با هم مشابه هستند (آیه‌های ۲۹-۳۰)؟

### ← کاربرد

۱۲- ایمان به انجیل («فخر کردن به مسیح»)، چگونه ما را:  
• فروتن می‌سازد؟

• برای روراست بودن در مورد خودمان، توانایی می‌بخشد؟

• از اضطراب می‌رهاند؟

• جلوی ترس ما را از شکست یا مرگ می‌گیرد؟

### ← شخصی سازی

کدام پاسخ به پرسش ۱۲ را رهایی بخش‌تر می‌دانید؟ آن پاسخ چگونه طرز نگاه این هفته شما را به زندگی تغییر می‌دهد؟

### ↑ دعا کنید

از پاسختان به پرسش ۳ استفاده کنید تا گناهان‌تان را به خدا اعتراف کنید.

از پاسختان به پرسش ۸ استفاده کنید تا به خاطر انجیل خدا را تمجید کنید.

از پاسختان به پرسش ۱۲ استفاده کنید تا برای داشتن رابطه‌ی درست با خدا و لذت بردن از آن، از او درخواست کمک کنید.

## آنچه که ابراهیم و داوود کشف کردند

### آنچه در جلسه گذشته خواندیم

پولس خطاب به کلیسای روم، در مورد انجیل می نویسد: خبر آن است که عدالت خدا به وسیله عیسی مکشوف شده، و تنها به وسیله او می توان آن را دریافت کرد. غضب خدا بر همه انسان ها، اعم از بی دین و دین دار، آشکار شده و خواهد شد. اشخاص دین دار، دیگران را به خاطر کارهایی که خودشان هم مرتکب می شوند، داوری می کنند. هیچ کس در دفاع از خود در پیشگاه خدا، هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت. با این حال اکنون می توانیم رابطه درستی با او داشته باشیم؛ به شرطی که به عیسی، که به جای ما متحمل غضب خدا گردید، ایمان داشته باشیم.

### گفتگو

۱- ایمان چیست؟ و ایمان به چه دردی می خورد؟

### واژه نامه

پدر (آیه ۱): نیا.  
خوشحالی (آیه ۶): رضایت و امنیت ناشی از زیستن در رابطه با خدا.  
خطایا (آیه ۷): گناهان عمدی.

### تحقیق: رومیان ۴: ۱-۸ را بخوانید

یکی از واژه های فوق العاده مهم در این بخش، "به حساب گذاشتن" (محسوب کردن) هم ترجمه شده، آیه ۸) می باشد. به حساب گذاشتن چیزی یعنی تفویض کردن موقعیتی که تا پیش از این موجود نبوده است. برای مثال، بعضی از خانه ها را می توان به صورت "آچاره به شرط تملیک" خریداری کرد. شما کرایه می پردازید، اما اگر بعداً تصمیم به خریداری خانه بگیرید، صاحب خانه پرداختی های پیشین شما را به حساب اقساط خرید خانه می گذارد. در چنین شرایطی، به پرداخت های مزبور موقعیتی تازه داده شده است ... آنها را به حساب اقساط خرید خانه گذاشته اند.

۲- پولس برگشته، به مورد ابراهیم، نیای بزرگ همه یهودیان نگاهی می‌اندازد. ابراهیم در مورد عادل شمرده شدن به چه "کشفی" رسیده بود (آیه‌های ۱-۵)؟

• پیدایش ۱:۱۵-۶ را بخوانید. این آیه‌ها در درک مفهوم "ایمان"، چه کمکی به ما می‌کنند؟

۳- سپس پولس نگاهی به داوود، بزرگ‌ترین پادشاه اسرائیل، می‌اندازد. داوود در مورد آمرزش چه چیزی را کشف کرده بود (آیه‌های ۶-۸)؟

↓ جستجوی بیشتر: مزمور ۳۲ را بخوانید

این کسی که محض ایمان عادل شمرده شده، چکار می‌کند (آیه‌های ۵ و ۸ و ۱۱)؟  
آیه‌های ۱-۲ و ۷ را طوری بازنویسی کنید که انگار داوود معتقد بوده با اعمالش عادل شمرده شده، نه با ایمانش.

← کاربرد

۴- از آیه ۵ برای توضیح اینکه ایمان نجات‌بخش چه نیست و چه هست، چگونه استفاده می‌کنید؟

۵- ایمان نجات‌بخش با تصویری که خیلی از کلیساها یا آدم‌های مذهبی از مفهوم ایمان دارند، چه تفاوتی دارد؟

### ◀ شخصی سازی

تصور کنید که امشب می‌میرید و خدا از شما می‌پرسد: "چرا باید بگذارم وارد بهشت شوی؟" چه جوابی خواهید داد؟

خیلی‌ها خواهند گفت: "چون همه تلاشم را کردم تا مسیحی خوبی باشم"، یا "چونکه به خدا ایمان دارم و سعی میکنم اراده‌اش را انجام دهم"، یا "چون با همه قلبم به خدا ایمان دارم".

هیچ‌یک از اینها ایمان نجات‌بخش نیستند. اولی نجات به واسطه اعمال است، دومی نجات با ایمان و اعمال است، و سومی هم نجات با ایمانی است که به منزلهٔ یک عمل محسوب می‌شود. ایمان نجات‌بخش حقیقی، واگذاری اعتماد است: یعنی فقط به خدا اعتماد کردن، نه به خودمان. با این حساب، پاسخ شما باید چنین چیزی باشد: "چون من برای نجاتم، به قول و وعده خدا ایمان دارم."

آیا شما ایمان نجات‌بخش دارید؟

### ▣ تحقیق: رومیان ۹:۴-۲۵ را بخوانید

#### واژه نامه

مُهر (آیه ۱۱): نشانی ظاهری از یک واقعیت باطنی.

شریعت (آیه ۱۳): در اینجا به

شریعتی اشاره دارد که خدا، ۶۰۰

سال پس از ابراهیم، بر کوه سینا

به موسی اعطا فرمود.

ذریه (آیه ۱۶): فرزندان، نوادگان.

ساره (آیه ۱۹): همسر ابراهیم، که

نمی‌توانست بچه‌دار شود.

در آیه‌های ۹-۱۵، پولس بحث خود را به این ترتیب مطرح می‌کند: خدا با عادل شمردگی، به ابراهیم اعتبار بخشید؛ خدا به خاندان ابراهیم فرمان داد تا ختنه شوند؛ و خدا شریعت خویش را به خاندان ابراهیم داد.

۶- چرا ترتیب تاریخی رویدادهای مزبور، برای عادل شدن ما اهمیت دارد؟

• نتیجه گیری پولس چیست (آیه‌های ۱۶-۱۷ الف)؟

۷- در آیه‌های ۱۸-۲۲، در مورد ایمان آوردن به خدا (یعنی ایمان نجات‌بخش داشتن) چه چیزی یاد می‌گیریم؟

• زندگی ابراهیم چگونه نشان داد که وی به حقیقت انتهای آیه ۱۷ واقف بوده است؟

۸- امروز، ایمان نجات‌بخش برای من و شما چه مفهومی دارد (آیه‌های ۲۳-۲۵)؟

### ← کاربرد

۹- عادل شدن محض ایمان، چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟

• آیه‌های ۲-۳

• آیه‌های ۶-۸

• آیه ۱۶

• آیه ۱۸

۱۰- از زندگی خودتان یا دوستان مسیحی‌تان، نمونه‌هایی را با گروه در میان بگذارید که در آنها، ایمان داشتن به نتایج زیر انجامیده است:

• امیدوار شدن در موقعیتی ناامید کننده.

• انجام کاری دشوار، در فرمان‌برداری از خدا.

۱۱- ایمان چیست، و به چه دردی می‌خورد؟

## ◀ شخصی سازی

اگر به این وعده خدا ایمان دارید که عیسی مُرد و برخاست تا شما عادل شمرده شوید ...

- کدامیک از پاسخ‌های داده شده به پرسش ۹، به طور اخص امروز شما را تشویق می‌کند یا تسلی می‌بخشد؟
- این هفته دوست دارید، پیرامون کدام جنبه از عادل شمردگی محض ایمان، بیشتر فکر کنید و از آن لذت ببرید؟

## ↑ دعا کنید

«آن خدایی که ... مردگان را زنده می‌کند و ناموجودات را به وجود می‌خواند» (۱۷:۴).

با استفاده از این آیه، زمانی را صرف ستایش خدا کنید، به خاطر همه کارهایی که برای شما کرده و می‌کند.

«او [ابراهیم] در ناامیدی به امید ایمان آورد ... و یقین دانست که [خدا] به وفای وعده خود نیز قادر است» (آیه‌های ۱۸ و ۲۱).

با همدیگر برای ایمان خود دعا کنید؛ دعا کنید که ایمان‌تان هرچه بیشتر به ایمان ابراهیم شبیه گردد. بُرهه‌هایی از زندگی خود را که نیاز داشتید خدا یک‌چنین ایمان امیدبخش و قابل اعتمادی را به شما عطا کند، با یکدیگر در میان بگذارید، و سپس به طور گروهی برای آن موارد دعا کنید.



# رومیان ۵

## بهره‌مندی از عادل شمر دگی

### آنچه در جلسه گذشته خواندیم

غضب خدا بر همه انسان‌ها، اعم از بی‌دین و دین‌دار، آشکار شده و خواهد شد. اشخاص دین‌دار، دیگران را به خاطر کارهایی که خودشان هم مرتکب می‌شوند، داوری می‌کنند. هیچ‌کس در دفاع از خود در پیشگاه خدا، هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت. با این حال اکنون می‌توانیم رابطه‌ی درستی با او داشته باشیم؛ به شرطی که به عیسی، که به جای ما متحمل غضب خدا گردید، ایمان داشته باشیم. نمونه ابراهیم به ما نشان می‌دهد که ایمان راستین، یعنی اعتماد کردن به وعده‌های خدا؛ و اینکه خدا آنانی را که ایمان راستین دارند افرادی محسوب می‌کند که با او در رابطه‌ی درستی هستند.

### گفتگو

۱- چرا عادل شمرده شدن محض ایمان، خوب است؟

### واژه نامه

عادل شمرده شده (آیه ۱): کسی که رابطه‌اش با خدا به طور کامل درست شده، و دیگر مجرم به شمار نمی‌رود. صبر و بردباری (آیه‌های ۳-۴): پایداری و تمرکز بر ادامه دادن راه. امتحان (آیه ۴): آزموده شدن. امید (آیه‌های ۴-۵): یقین. عادل (آیه ۷): در اینجا منظور پولس، احتمالاً کسی است که خودش را پارسا می‌انگارد؛ کسی که فکر می‌کند انسان خوبی است. صلح داده شده (آیه ۱۰): آشتی داده شده.

### تحقیق : رومیان ۵: ۱-۱۱ را بخوانید

۲- در آیه‌های ۱-۲، پولس کدام مزایای عادل شمرده شدن را فهرست‌وار بیان می‌کند؟

۳- تصور کنید که کسی بگوید: "این برای تو جالب است، اما برای من نیست، چون زندگی من آکنده از درد و رنج است." پولس در مورد اینکه عادل شمرده بودن، در مواقع درد و رنج، چه تفاوتی ایجاد می‌کند، چه می‌گوید (آیه‌های ۳-۵ و ۱۱)؟

• به نظر شما، چرا عادل شمرده شدن این فرق را ایجاد می‌کند؟

۴- از طریق کدام دو راه می‌توانیم بفهمیم که خدا ما را دوست دارد (آیه‌های ۵-۸)؟

### ← کاربرد

۵- چه فرقی داشت، اگر آیه ۳ می‌گفت:

• به خاطر مصیبت‌هایمان فخر می‌کنیم؟

• فراتر از مصیبت‌هایمان فخر می‌کنیم؟

• به رگم مصیبت‌هایمان فخر می‌کنیم؟

۶- رنج و مصیبت چگونه نشان می‌دهند که امیدهای ما و روایهای ما واقعاً بر چه شالوده‌ای استوارند؟

۷- هنگامی که متحمل رنج می‌شویم، باید چه چیزی را به خاطر داشته باشیم، و به دیگر مسیحیان که گرفتار مصیبت هستند، چه چیزی را باید یادآوری نماییم؟

### ☞ شخصی سازی

آیا آن دوره رنج و مصیبت باعث شد که حواستان را روی دعا و آنچه که در خدا دارید، بیشتر متمرکز سازید یا کمتر؟

آیا رنج سبب شد که شخصیت شما "آزموده‌تر" شود؛ آیا از تلاطمات و ترس‌هایتان کاست؟

آیا باعث شد که تجربه‌ای عمیق‌تر از حضور و محبت خدا داشته باشید؟

اگر پاسخ‌تان منفی است، آیا به این خاطر نبوده که تعمداً زمانی کافی با خدا سپری نکردید، یا بر آنچه که به شما ارزانی فرموده، تأمل نمودید؟ آیا به این خاطر نبوده که برای گریز از امتحان، به نوعی ناطاعتی پیشه کرده‌اید؟ آیا به این دلیل نبوده که احساس کرده‌اید خدا دوست‌تان ندارد، یا در حال مجازات شماست؟

دفعه بعدی که مصیبتی را تجربه می‌کنید، نسبت به دفعه قبل چه تفاوتی در رویکرد خود به وجود خواهید آورد، تا در مصیبت‌هایتان فخر کرده، متوجه شوید که این مصیبت‌ها صبر، امتحان و امید بزرگتر را در مسیح پیدا می‌کند؟

## واژه نامه

۸- گناه و مرگ چگونه وارد جهان شد، و بر چه کسانی تأثیر گذاشت (آیه‌های ۱۲-۱۴)؟  
یک آدم (آیه ۱۲): یعنی آدم.  
آدم (آیه ۱۴): نخستین انسانی که خدا آفرید تا در جهان بسیار نیکوی او زندگی کند (نگاه کنید به پیدایش ۲: ۴-۱۷).  
موسی (آیه ۱۴): مردی که خدا برگزید تا هدایت قومش را در خروج از مصر بر عهده بگیرد، و کسی که شریعتش را به وی اعطا فرمود.  
خطا (آیه ۱۵): آدم با قرار دادن خودش به جای خدا، مرتکب خطا شد (نگاه کنید به پیدایش ۳: ۱-۱۱).

• فیض چگونه وارد جهان شد (آیه ۱۵)؟

پولس در اینجا پیرامون آموزه "نماینندگی" تعلیم می‌دهد یعنی این حقیقت که ما توسط شخص دیگری که از طرف ما عمل می‌کند به خداوند معرفی می‌شویم. جوامع غربی به شدت فردگرا هستند، اما کتاب مقدس رویکردی کاملاً متفاوت به قضیه دارد- یعنی انسان را به صورت یک کل واحد در نظر می‌گیرد. این بدان معناست که شما می‌توانید طوری با یکی دیگر در ارتباط باشید که حتی در دستاوردها یا از دست دادن‌هایش هم شریک گردید. او به نوعی شما را نمایندگی می‌کند. کمی به این شباهت دارد که اگر رهبر کشورتان اعلان جنگ کند، شما وارد جنگ شده‌اید.

بنابراین، در رومیان ۵ پولس می‌گوید که هر انسان را یا آدم نمایندگی می‌کند یا مسیح.

۹- آدم و عیسی، با توجه به آنچه انجام دادند و تأثیری که اعمالشان بر جهان گذاشت، از چه نظر با هم فرق دارند (آیه‌های ۱۵-۱۷)؟

• [آن دو] از چه جهت به هم شباهت دارند (آیه ۱۸)؟

۱۰- آیه ۱۹، گفته‌های پولس در آیه‌های ۱۲-۱۸ را چگونه جمع بندی می‌کند؟

• چرا «اطاعت یک شخص»، یعنی عیسی، برای ما اهمیت دارد؟

### ← کاربرد

۱۱- چرا این خبر خوبی است که خدا در برخورد با ما به واسطهٔ یک نماینده، عمل می‌کند؟

۱۲- برای تشویق کردن یا به چالش کشیدن افراد زیر، چگونه از رومیان ۵ استفاده می‌کنید:  
• فرد مسیحی‌ای که مطمئن نیست خدا واقعا دوستش دارد و نجاتش داده است.

• فرد مسیحی‌ای که گرفتار مصیبتی عظیم شده.

• بی‌ایمانی که نگران مردن است.

• بی‌ایمانی که می‌گوید: ”من مشکلی ندارم. آدم بدی نیستم“.

### ◀️ شخصی‌سازی

اطاعت عیسی، به عنوان کسی که نمایندگی شما را بر عهده گرفته، چه ارزشی برایتان دارد؟  
اطاعت او که به نمایندگی از طرف شما انجام گرفته، در این هفته، چه تأثیری بر شما خواهد گذاشت:

- وقتی برای ارتکاب گناه وسوسه میشوید؟
- وقتی مرتکب گناهی شده‌اید؟
- وقتی در حال خواندن انجیل هستید؟
- وقتی در حال دعا کردن هستید؟

### ⬆️ دعا کنید

خدا را شکر کنید به خاطر:

گناهان خود را به خدا اعتراف کنید:

از خدا بخواهید که ...

# ۶ رومیان ۶ چرا مسیحیان از خدا اطاعت می‌کنند

## آنچه در جلسه گذشته خواندیم

هیچ‌کس در دفاع از خود در پیشگاه خدا، هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت. با این حال اکنون می‌توانیم رابطه‌ی درستی با او داشته باشیم؛ به شرطی که به عیسی، که به جای ما متحمل غضب خدا گردید، ایمان داشته باشیم.

نمونه ابراهیم به ما نشان می‌دهد که ایمان راستین، یعنی اعتماد کردن به وعده‌های خدا؛ و اینکه خدا آنانی را که ایمان راستین دارند افرادی محسوب می‌کند که با او در رابطه‌ی درستی هستند.

عادل شمرده شدن یعنی اینکه ما می‌توانیم از مصالحه با خدا بهره‌مند باشیم، به خدا دسترسی داشته باشیم و در مصیبت‌ها شادمان باشیم و همه اینها بدین خاطر است که مسیح، به نمایندگی از طرف ما، خویشتن را مطیع خدا ساخته است.

## گفتگو

۱- مسیحیان به واسطه فیض نجات پیدا می‌کنند، نه به خاطر اعمال... پس دیگر چه نیازی هست از خدا اطاعت کنند یا زندگی درستی داشته باشند؟

## تحقیق: رومیان ۱:۵-۱۱ را بخوانید

### واژه نامه

تعمید یافته (آیه ۳): در اینجا، منظور پولس "مسیحی شده" است.

خود را ... انگاشتن (آیه ۱۱): خود را ... پنداشتن.

آلات (آیه ۱۳): ابزار.

آیه ۱ پرسش را مطرح می‌کند: «پس چه گوییم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیض افزون گردد؟»

۲- پولس در آیه ۲ چه جوابی می‌دهد و چه دلیلی می‌آورد؟

• پولس منظورش از «در گناه مرده‌اید» را چگونه توضیح می‌دهد؟

• در آیه‌های ۳-۵

• در آیه‌های ۵-۷

پولس ما را به سوی آموزه "یگانگی با مسیح" سوق می‌دهد. هر اتفاقی که برای مسیح افتاده، برای ایمانداران هم به وقوع پیوسته است. هر چیزی که در مورد مسیح صدق می‌کند، در مورد ایمانداران نیز صادق است. هر چیزی که در آینده برای مسیح روی بدهد، برای ایمانداران هم رخ خواهد داد.

۳- از آنجایی که مسیحیان «با مسیح مُردند»، حالا ما چه می‌دانیم (آیه‌های ۸-۱۰)؟

↓ جستجوی بیشتر: اسیح ۱:۳-۱۴ و ۱:۲۰-۱۰ را بخوانید.

این عبارات، در مورد آنچه که ما "در مسیح" داریم، یعنی اینکه با او یکی هستیم، چه تعلیمی می‌دهند؟  
واکنش ما چه باید باشد (۱:۳ و ۶ و ۱۲ و ۱۴)؟

← کاربرد

۴- پولس در آیه‌های ۱۱-۱۴ برای کسی که با مسیح مُرده، چه کاربردی مطرح می‌کند:  
• از لحاظ منفی؟



• از لحاظ مثبت؟

۵- "اگر در دام گناه می‌افتم، بدین خاطر است که هنوز به هویت خودم در مسیح پی نبرده‌ام." چگونه این عبارت می‌تواند چکیده‌گویی از پیام پولس در این آیه‌ها به شمار آید؟

### ◀ شخصی‌سازی

زمانی که یک غیرمسیحی مرتکب گناه می‌شود، دارد مطابق با هویتش عمل می‌کند. او دلیلی برای گناه نکردن ندارد. اما یگانگی با مسیح همه چیز را تغییر می‌دهد، هویت ما را دگرگون می‌سازد. وقتی یک مسیحی مرتکب گناه می‌شود، دارد خلاف هویت و طبیعت خودش عمل می‌کند، پس چرا باید این کار را بکند؟

مُردن با مسیح، چه تفاوتی در درک شما از هویت‌تان به وجود می‌آورد؟

در کدامیک از قسمت‌های زندگی‌تان این آیه را کاری دشوار می‌بینید: "خود را برای گناه مُرده (انگارید)، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده."؟ هویت‌تان در مسیح چگونه شما را کمک می‌کند تا برای او زندگی کنید؟

### ▾ تحقیق: رومیان ۱:۵-۱۱ را بخوانید

۶- ما آزادیم چه کسی / چیزی را برای خدمت انتخاب کنیم (آیه‌های ۱۶-۱۸)؟

### واژه نامه

نجاست (آیه ۱۹): چیزهایی که ما را ناپاک و گناه‌آلود می‌سازند.

ثمر (آیه ۲۱): محصول.

۷- پولس در آیه‌های زیر این دو ارباب را چگونه با هم مقایسه کرده در مقابل هم قرار می‌دهد:

- آیه ۱۹:

---

---

- آیه‌های ۲۱-۲۲

---

---

- آیه ۲۳

---

---

### کاربرد

۸- مقایسه بالا در پاسخ دادن ما به وضعیت‌های زیر، چه کمکی می‌کند؟

• “من از این طریق نمی‌توانم جلوی گناه کردن را بگیرم.”

• “من برای گناه نکردن مقرر شده‌ام. به خود می‌گویم که: «فقط بگو نه!»»

• “من به آزادی دوستان غیرمسیحی ام غبطه می‌خورم.”

- خدا برای تغییر دادنم، در من کار می‌کند، پس من هم می‌گذارم او کارش را انجام دهد.

### تحقیق: رومیان ۱:۷-۶ را بخوانید

اکنون پولس به سراغ استعاره دیگری از زندگی روزمره مردمان قرن اول می‌رود. او قبلاً رابطه ما با خدا را با استفاده از تصویر بردگی، توضیح داده بود؛ حالا او تصویر زندگی زناشویی را مطرح می‌سازد.

۹- این تصویر، چه چیزهایی به ما یاد می‌دهد، درباره:

- رابطه ایماندار با شریعت؟

### واژه نامه

بسته (آیه ۲): به طرز جدایی  
 ناپذیری پیوسته.  
 ثمر آوردن (آیه‌های ۴-۵):  
 میوه آوردن. تولید کردن

- رابطه ایماندار با خداوند عیسی؟

۱۰- ازدواج کردن، از چه جهت به معنای محدودتر شدن آزادی است؟ اما چرا هنوز می‌شود از یک رابطه زناشویی خوب، لذت برد؟

- پس این آیه‌ها چطور می‌توانند انگیزه بزرگی برای زندگی کردن به روش عیسی، باشند؟

## ← کاربرد

۱۱- "حالا که محض فیض نجات یافته‌ایم، دیگر چرا خودمان را در دسر داده، از خدا اطاعت کنیم؟" با توجه به آیه‌های زیر، چگونه به این پرسش پاسخ می‌دهید:  
• ۱:۶- ۱:۴؟

• ۱۵:۶- ۲۳؟

• ۱:۷- ۶؟

## ← شخصی‌سازی

اگر با مسیح متحد هستید، پس برده خدا به حساب می‌آیید و با خداوند عیسی، در صمیمانه‌ترین رابطه به سر می‌برید.  
در حال حاضر از چه جهت اطاعت کردن از خدا را کاری سخت می‌بینید؟ دفعه بعد که برای ناطاعتی وسوسه شوید، چگونه از هویت‌تان در مسیح برای انگیزه دادن به خودتان استفاده خواهید کرد تا برای مسیح زندگی کنید؟

## ↑ دعا کنید

خدا را به خاطر هویت تازه‌ای که در مسیح دارید، **شکر کنید**. زمانی را در دعا سپری کرده، از این حقیقت که با پسرش یکی هستید، در اول لذت ببرید.  
از خدا **بخواهید** توان یادآوری این هویت را به شما عطا فرماید، و کمک‌تان کند تا آن را در منش و رفتارتان هم جا بیندازید. با خدا در مورد قسمت‌هایی که در آنها اطاعت کردن از وی سخت است، حرف بزنید و از او بخواهید در چنین مواقعی شما را با هویت‌تان در مسیح، ذوق زده کرده و به شور آورد.

### آنچه در جلسه گذشته خواندیم

با وجودی که ما سزاوار داوری هستیم، اما می‌توانیم در رابطهٔ درست با خدا باشیم، زیرا عیسی به جای ما متحمل غضب خدا گردید. ایمان راستین یعنی اعتماد کردن به وعده‌های خدا در مسیح.  
عادل شمرده شدن یعنی اینکه ما می‌توانیم از مصالحه با خدا بهره‌مند باشیم، به خدا دسترسی داشته باشیم و در مصیبت‌ها شادمان باشیم و همه اینها بدین خاطر است که مسیح، به نمایندگی از طرف ما، خویشتن را مطیع خدا ساخته است.  
ما از خدا اطاعت نمی‌کنیم تا نجات یابیم، بلکه به خاطر هویت‌مان از او اطاعت می‌کنیم؛ به خاطر اینکه با مسیح متحد هستیم، بردگان خداییم، و عروس عیسی می‌باشیم. چرا نباید اطاعت کنیم؟!

### گفتگو

۱- آیا تا به حال کاری کرده‌اید که از قبل تصمیم گرفته بودید، انجامش ندهید؟ چه چیزی باعث شد آن کار را نکنید؟ از انجامش چه احساسی به شما دست داد؟

### تحقیق: رومیان ۷:۷-۱۳ را بخوانید

#### واژه نامه

طمع (آیه ۷): قانع نبودن به آنچه که خدا به شما داده؛ و تلخی در مورد آنچه که دیگران دارند.

پدید آورد (آیه ۸): موجب شد.

پولس در آیه‌های بالاتر تعلیم داده که مسیحیان «از شریعت آزاد شده‌اند» (آیه ۶). پس آیا شریعت به خودی خود چیز بدی است، آیا گناه‌آلود است (آیه ۷)؟ پولس می‌گوید: «حاشا!»  
۲- کار شریعت چیست (آیه ۷)؟

۳- وقتی شریعت را می‌خوانیم، می‌بینیم که گناه [در ما] چه می‌کند (آیه‌های ۸-۱۰)؟

پولس در آیه ۹ می‌گوید: «من از قبل بدون شریعت زنده می‌بودم.» پیرامون منظور وی، بحث‌های زیادی کرده‌اند! تقریباً تردیدی نیست که ...

**زنده** = استنباط شخصی پولس از خودش این بود که که از لحاظ روحانی زنده است، خدا را خشنود ساخته، و مورد پذیرش اوست.

**جدا [قبل] از شریعت** = پولس دریافته بود که شریعت در واقع چه مطالبه می‌کند. او قوانین زیادی را می‌دید که باید رعایت کند، اما نمی‌فهمید که اقتضای شریعت، اطاعت کردن در عمل است. از آنجایی که هرگز به مقتضیات واقعی شریعت پی نبرده بود، از این رو "جدا از شریعت" بود.

۴- به نظر شما، چرا طمع (یعنی حسد) حکم یافته بود که پولس را "بکشد"؟ (اشاره: به یاد داشته باشید که پولس پیش از مسیحی شدن، روی مراعات ظواهر شریعت تمرکز کرده بود.)

• زمانی که پولس در مورد حکم "طمع مورز" به طور جدی فکر می‌کرد، چه اتفاقی افتاد (آیه ۱۱)؟

↓ جستجوی بیشتر: خروج ۱۰:۲۰-۱۷ را بخوانید

با در نظر گرفتن ترتیب فرمان‌های دوم تا نهم [ده فرمان]، چه انگیزه گناه‌آلود و درونی در پس هر یک از رفتارهای غلطی که خدا ما را از انجامشان منع فرموده، وجود دارد؟

عقاید  
اخلاقی

## ← کاربرد

- ۵- نمونه‌هایی از زندگی خودتان را [با افراد گروه] در میان بگذارید. مواقعی که:
- خواندن شریعت خدا، گناه‌تان را برملا کرده است؟

- گناهکار بودن‌تان از خواندن شریعت سواستفاده کرده، شما را به ارتکاب گناه تشویق کرده است؟

## ← شخصی‌سازی

آیا به شریعت اجازه می‌دهید گناهان دلتان را بر شما آشکار سازد؟ آیا نیاز به مطالعه و تعمق بیشتر در شریعت دارید؟ آیا اجازه می‌دهید که شریعت شما را بیشتر به چالش بکشد؟

## ↓ تحقیق: رومیان ۷: ۱۴-۲۵ را بخوانید

آیا در اینجا پولس درباره کشمکش بی‌ایمانان با گناه حرف می‌زند، یا کشمکش ایمانداران با گناه؟ بسیاری از اندیشمندان هر دو سر قضیه را مورد بررسی قرار داده‌اند. به گمان من پولس دارد از تجربه کنونی و مسیحی خودش حرف می‌زند. او از شریعت خدا خشنود است (آیه ۲۲)، می‌داند که گناهکاری گم‌شده است (آیه ۱۸)، و می‌داند که مسیح او را خواهد رهانید (آیه‌های ۲۴-۲۵).

### واژه نامه

روحانی / جسمانی (آیه ۱۴): در اینجا منظور پولس خداپسندانه / غیرخداپسندانه است.  
اعضا (آیه ۲۳): اقدام‌های بدن.

۶- پولس "واقعی" در اعماق وجودش چگونه انسانی است؟

• پس چرا نزاعی در جریان است؟

۷- پولس در مورد خودش چه نتیجه‌گیری می‌کند (آیه ۲۴)؟

• آیا به نظر شما، این یک خود ارزیابی منصفانه است؟ چرا بله؟ چرا نه؟

۸- چگونه پولس می‌تواند یک نگون‌بخت [شقی] باشد، اما امیدش را از دست ندهد (آیه‌های ۲۴-۲۵)؟

### ← کاربرد

۹- تجربه پولس به عنوان یک مسیحی، چگونه می‌تواند برای ما هم هشدار دهنده باشد و هم تسلی بخش؟



چارلز سیمون ، شبان قرن ۱۸-۱۹ می‌نویسد: ”تنها دو چیز بوده که من همیشه آرزوی دیدن‌شان را داشته‌ام؛ یکی زشتی خودم است؛ و دیگری جلال خدا در سیمای عیسی مسیح؛ و همیشه فکر کرده‌ام که هر دو را باید با هم دید.“

۱۰- نقل قول بالا از چه نظر می‌تواند چکیده مناسبی از دیدگاه پولس باشد؟

• چه عاملی نمی‌گذارد که درباره زشتی بودن خود، احساس ”شقی [بدبخت]“ بودن (آیه ۲۴) بکنیم؟

۱۱- این عبارت را در موارد زیر، چگونه مورد استفاده قرار می‌دهید:

• به چالش کشیدن فرد مسیحی‌ای که از گناه خودش راضی است؟

• تشویق کردن فرد مسیحی‌ای که زیر بار گناهش، کمر خم کرده؟

### ◀ شخصی‌سازی

در قلب هر مسیحی، دو نیرو در جریان است:

• عشق به شریعت خدا در ژرف‌ترین بخش‌های وجودمان

• گناه درون‌مان که از شریعت خدا بیزار است

نبرد میان این دو، در کدام‌یک از قسمت‌های زندگی شما شدیدتر است؟ در قسمت مورد نظر،

وضعیت اطاعت شما چگونه است؟

در قلب هر مسیحی، دو فریاد شنیده می‌شود:

• نگون‌بختی و بیچاره‌گی از دست خود

• امید به رهایی در مسیح

آیا امروز نیاز هست در مورد گناهانتان قدری روراست‌تر باشید، و در ارزیابی خودتان، وضعیت خویش را درمانده‌تر ببینید؟

آیا امروز نیاز هست از رهایی خود توسط مسیح اطمینان بیشتری حاصل نمایید، و یقین بیشتر حاصل کنید که او در دنیای عاری از گناهش، بدنی کامل به شما ارزانی خواهد فرمود؟

### دعا کنید

نزد خدا به بیچاره‌گی خود **اعتراف کنید**. اگر دوست داشته باشید، می‌توانید با اعضای گروه در میان بگذارید که چه کارهایی را می‌خواهید انجام دهید، اما نمی‌دهید.

خدا را به خاطر اینکه بر صلیب شما را رهایی بخشید، **شکر کنید**.

از خدا **بخواهید** به شما توانایی آن را ببخشد که در زمانی که باید، بیچاره‌گی خود را احساس نمایید، با این حال هیچ‌وقت امیدی را که به عنوان یک شخص عادل شمرده شده در مسیح دارید، از یاد نبرید.



# نعمت خدا

## راهنمای رهبر گروه

راستین حفظ

Farsi & Assyrian Christian Teaching Ministries

# راهنمای رهبر گروه

## مقدمه

ویژگی‌های اختیاری طراحی کرده‌ایم. اگر اعضای گروه‌تان افرادی ساکت هستند، شاید بخواهید زمان بیشتری را صرف گفتگوی آغاز جلسه نمایید. اگر وقت‌تان محدود است، می‌توانید بخش جستجوی بیشتر را حذف کنید، یا از آنها بخواهید به این پرسش‌ها در خانه پاسخ دهند. آیا نمی‌توانید از بررسی کتاب مقدس نتیجه کافی بگیرید؟ خوب، بعضی از بررسی‌ها حاوی تکلیف‌های اضافی اختیاری هستند. به عنوان رهبر گروه، می‌توانید موضوعات مورد بررسی را بر اساس نیازهای گروه‌تان انتخاب کرده، تطبیق دهید.

رهبری کردن گروه بررسی کتاب مقدس می‌تواند به کنار هم جمع کردن تعدادی گربه شبیه باشد، هر کسی ممکن است در مورد عبارت مورد بررسی ایده‌ای داشته باشد، و هر کس می‌خواهد به روش خودش تحقیق کند. اما یک رهبر خوب فراتر از کسی است که این بحث را داوری می‌کند. شما قرار است:

پس راهنمای رهبر گروه، حاوی چه مطالبی است؟

• عبارت مورد بررسی را خوب بفهمید و به آن جهت بدهید. اما در عین حال ...

اصلی‌ترین رکن دفترچه راهنمای رهبر گروه این است که در درک نکات اصلی آیه‌های مورد مطالعه، و همچنین چگونگی به کارگیری آنها، به شما کمک می‌کند. این راهنما هم مانند راهنمای پرسش‌ها، برای هر جلسه بخش‌های مهمی دارد که به قرار زیر هستند:

• اعضای گروه‌تان را تشویق کنید و تعلیم دهید که آنان نیز به نوبه خود این چنین کنند. اگر فقط اطلاعاتی را که در دفترچه راهنمای رهبر گروه آمده، به سادگی در اختیار آنان قرار دهید، شما فقط لقمه را جویده و در دهان آنان نهاده‌اید. از این دام بر حذر باشید. سپس ...

## ایده اصلی

یکی دو جمله کلیدی، سرخ اصلی جلسه را به دست شما می‌دهد. این همان چیزی است که شما باید هدف خود قرار دهید تا پیش از ترک گروه در ذهن اعضا جا بیندازید. و این نکته‌ای است که هر وقت بحث به انحراف کشیده شد، باید دوباره گروه را به آن برگردانید.

• اطمینان حاصل کنید که تا پیش از پایان یافتن جلسه بررسی کتاب مقدس، همه افراد گروه ارتباط قسمت مورد مطالعه را با خودشان درک کرده باشند. همه شما در پرتو چیزهایی که یاد می‌گیرید، چه تغییراتی باید در زندگی خویش ایجاد نمایید؟ و سرانجام ...


• گروه را تشویق کنید که در باره آموخته‌ها و بحث‌های مطرح شده دعا کنند.

## خلاصه

بازنگری کلی آیه‌ها، و از جمله شماری از اطلاعات تاریخی به عنوان پیش‌زمینه.

گروه بررسی کتاب مقدس شما، گروهی منحصر به فرد است، و احتمالاً خودتان بهتر از هر کسی با ظرفیت‌ها، پیشینه و شرایط افرادی که رهبری می‌کنید آشنایی دارید. به همین دلیل است که ما این دفترچه راهنما را با تعدادی

## تکلیف اضافی اختیاری

مسئله، پرسش‌هایی اختیاری در نظر گرفته می‌شود (نگاه کنید به  در راهنمای پرسش‌ها) تا به شما کمک کنند در رسیدن به پاسخ صحیح، اعضای گروه‌تان را یاری نمایید.

معمولاً این بخش، فعالیتی مقدماتی است که با مضمون اصلی بررسی کتاب مقدس گره خورده، و به منظور "آب کردن یخ" آغاز جلسه طراحی شده است. یا ممکن است به عنوان "تکلیف خانه" در نظر گرفته شود تا اعضای گروه در طول هفته با آن کلنجار بروند.

## ↓ جستجوی بیشتر

این پرسش‌ها عموماً اعضای گروه را به قسمت‌های دیگر کتاب مقدس که با آیه‌های مورد بررسی شما مرتبط هستند، ارجاع می‌دهند. آنها پرسش‌های ببرد بخوری هستند که در مشاهده انطباق آیه‌های مورد بررسی با "تصویر بزرگ" کل کتاب مقدس، به گروه‌تان کمک می‌کنند. این بخش‌ها **اختیاری** هستند، تنها زمانی از آنها استفاده کنید که وقت به اندازه کافی دارید. به خاطر داشته باشید که بهتر است تنها یک مورد را در متن درک کرده باشید و جلسه را سر وقت تمام کنید، تا اینکه سعی کنید همه چیز را به زور در ذهن اعضا انباشته کنید.

پس بیاید نگاهی به بخش‌های گوناگون دفترچه راهنمای گروه بیندازیم:

## ↔ گفتگو

هر جلسه با یک پرسش بحث برانگیز آغاز می‌شود که مبنای آن نقطه نظرات و یا تجربیات گروه می‌باشد. پرسش مزبور بدین منظور طراحی شده که اعضا در مورد موضوع اصلی جلسه بررسی کتاب مقدس، گفتگو و تعمق کنند.

## ↓ تحقیق

اولین چیزی که لازم است شما و اعضای گروه‌تان بدانید، این است که این بخش از کتاب مقدس درباره چه موضوعی است، یعنی پرسش‌ها چه هدفی را دنبال می‌کنند. اما مراقب باشید، اعضا ممکن است بر اساس تجربیاتی که در گذشته داشته و یا تعلیمی که گرفته‌اند، و بدون اینکه اصلاً به موضوع مورد بحث جلسه رجوع نمایند، جواب‌هایی بدهند. باعث تعجب است که اغلب می‌توان یک جلسه مطالعه کتاب مقدس را به پایان رسانید بدون آنکه کسی به کتاب مقدس مراجعه کرده باشد! اگر در پاسخ به پرسشی و امانده‌اید، بخش "راهنمایی برای پرسش‌ها" در دفترچه راهنمای رهبر گروه شما را کمک خواهد کرد. همین جواب‌ها هستند که گروه شما را هدایت می‌کنند. هدف از در میان گذاشتن این اطلاعات آن نیست که آنها را برای افراد گروه بخوانید، در شرایط ایده‌آل خواست شما باید این باشد که آنان پاسخ پرسش‌ها را خودشان از کتاب مقدس پیدا کنند. گاهی به منظور پیگیری

## ← کاربرد

می‌خواهیم تشویق‌تان کنیم که روی کاربرد کلام، وقت بیشتری بگذارید، چون در غالب اوقات این قسمت به عنوان ضمیمه انتهای جلسه تلقی می‌شود. در دفترچه راهنمای رهبر گروه، بخش‌های کاربرد با بخش‌های تحقیق درآمیخته‌اند.

امیدواریم که اعضای گروه متوجه شوند که کاربرد، بخشی اختیاری و اضافی نیست، بلکه کل هدف از بررسی کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد. ما بررسی کتاب مقدس را با این منظور انجام می‌دهیم که زندگی‌مان در سایه چیزهایی که از کلام خدا می‌شنویم، عوض شود. اگر بخش کاربرد را از قلم بیندازید، هدف بررسی کتاب مقدس عقیم مانده است.

این پرسش‌ها حاوی درس‌های عملی هستند که

می‌توانیم از آیه‌های کتاب‌مقدسی مورد بررسی، یاد بگیریم. می‌توانید مرور کنید که تا اینجای کار چه چیزهایی آموخته‌اید، و در مورد تفاوت‌های کاربردی که این آموخته‌ها باید در کلیسای تان و زندگی تان ایجاد کنند، بی‌اندیشید. اعضای گروه این فرصت را به دست می‌آورند تا درباره چیزهایی که شخصا یاد گرفته‌اند، تبادل نظر کنند.

### ◀ شخصی سازی

این کار را می‌توان در خانه انجام داد، اما ارزش را دارد که در خلال بررسی، چند دقیقه‌ای را در سکوت صرف تعمق نمایید و هر کس در دل خود فکر و دعا کند که چه چیزهایی لازم است در زندگی‌اش عوض شود. آیا بهتر نیست که در ابتدای جلسه بعد، اندک زمانی را صرف شنیدن از اعضا بکنید و بگذارید یافته‌هایشان همدیگر را تشویق کنند یا به چالش وادارند تا کاربرد را در صدر اولویت‌های خویش قرار دهند؟

### ↑ دعا کنید

در اعمال رسولان ۲۵:۴-۳۰، مسیحیان اولیه هنگامی که در واکنش به جفای رهبران مذهبی پیهود، گرد آمده دعا می‌کردند، از مزمور ۲ نقل قول نمودند. با این حال، امروزه چندان متداول نیست که مسیحیان همچون گذشته، دعاهای خود را بر شالوده حقایق کلام خدا استوار سازند. در نتیجه، دعاهای ما به جای آنکه دلیرانه، همراه با دید و رویا و خدامحورانه باشند، ضعیف و سطحی و خود محورانه هستند.

بخش دعا کنید بر مبنای چیزهایی که از آیه‌های مورد بررسی کتاب‌مقدس یاد گرفته‌اید، بنا شده است. اگر واقعا به آنچه که خدا از طریق کلامش به ما گفته واکنش نشان می‌دادیم، اوقات دعایمان چقدر متفاوت می‌شد.

## ایده اصلی

دارد؛ انجیل را از این منظر که خدا عدالتش را آشکار ساخته، به ما معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، انجیل راهی است که از طریق آن به یک شخص عطا می‌شود تا رابطه‌ی درستی با خدا داشته باشد طوری که چیزی بر علیه وی نزد خدا وجود نداشته باشد. انجیل صرفاً درباره‌ی آموزش نیست؛ بلکه درباره‌ی اعطای پیشینه‌ای کامل و بی‌نقص هم هست.

انجیل در مورد عیسی است؛ در مورد عدالت خداست که خود آن را آشکار می‌سازد، و ما می‌توانیم به واسطه‌ی عیسی آن را دریافت نماییم. انجیل ما را تشویق می‌کند که بدون آنکه از آن عار داشته باشیم، آن را با دیگران در میان بگذاریم.

## خلاصه

این آیه‌ها دربرگیرنده:

**توجه:** آیه ۱۷ را می‌توان “عدالت خدا” (یعنی در انجیل، ما شاهد کاملیت و قدوسیت خدا هستیم) یا “عدالت از جانب خدا” (یعنی در انجیل، ما راه درست شدن رابطه‌مان با خدا را کشف می‌کنیم) ترجمه کرد. هر دو درست هستند: انجیل هر دو را می‌گوید؛ هم خدا عادل است و هم عدالتش را به هر که ایمان بیاورد، ارزانی می‌دارد.

(الف) مقدمه‌ای که پولس از خود ارائه می‌دهد (آیه‌های ۱-۵)؛ (ب) دلایل وی برای تمایلش به دیدار از کلیسای روم که دارد خطاب به ایماندارانش نامه می‌نویسد (آیه‌های ۸-۱۵)؛ و (پ) ترسیم طرح کلی انجیل، می‌باشد. یعنی:

• انجیل درباره‌ی چه کسی است (آیه‌های ۲-۴)

• کار انجیل چیست (آیه ۱۶)

• و انجیل چیست (آیه ۱۷)

## تکلیف اضافی اختیاری

با یکدیگر برای واژه “انجیل” یک “نمودار ذهنی” ترسیم کنید. یک برگ کاغذ بزرگ بردارید، و در وسطش بنویسید: “انجیل” و سپس از اعضای گروه بخواهید هر کلمه و یا جمله‌ای که انجیل را در ذهنشان تداعی می‌کند، بگویند. اگر مایل هستید، می‌توانید در طی این هفت جلسه بررسی رومیان، به سراغ نمودار ذهنی مزبور رفته، چیزهایی بدان بیفزایید.

در واقع، کل این بخش در باره‌ی انجیل می‌باشد: پولس برای انجیل “جدا نموده شده” (آیه ۱)، تا آن را برای امت‌ها وعظ نماید (آیه ۵)؛ او می‌خواهد از روم دیدن کند تا مسیحیان آنجا را با انجیل تشویق نماید (آیه‌های ۱۱-۱۵)؛ بنابراین وی به جای آنکه از انجیل عار داشته باشد، مشتاق در میان گذاشتن آن با دیگران است (آیه‌های ۱۵-۱۶).

## راهنمایی برای پرسش‌ها

۱- پیام مسیحیت را در یک جمله، چگونه خلاصه می‌کنید؟ اعضای گروه را تشویق کنید که پیش از در میان گذاشتن پاسخ‌هایشان، آنها را یادداشت

آیه ۱۷ برای باقی مطالب رساله، اهمیتی حیاتی

۴- ایمان راستین چه نتیجه‌ای به همراه دارد (آیه ۵)؟

اطاعت. انجیل ما را هم به اطاعت از مسیح، و هم به اعتماد کردن به مسیح (اطاعت و ایمان) فرا می‌خواند. به نظر شما چرا چنین است؟ مابقی رساله به رومیان به تشریح این مورد می‌پردازد! ولی این بدان معنا نیست که پولس چنین تعلیم می‌دهد که برای نجات یافتن باید هم ایمان داشت و هم اطاعت. این اطاعت "از ایمان" ناشی می‌شود، از درون آن می‌تراود. در واقع اطاعت پیامد داشتن ایمان نجات‌بخش است، اما شرط دوم برای نجات یافتن نیست. دوم اینکه، ایمان راستین، اطاعت به بار می‌آورد. انجیل اعلان این حقیقت است که عیسی پادشاه موعود و پسر خداست که از مردگان برخاست، و اینکه نجات به‌دست او و تحت فرمانروایی او میسر است. بنابراین، ایمان حقیقی، یعنی ایمان به پادشاهی الهی، که همگی ما (همچون پولس) غلامانش محسوب می‌شویم (آیه ۱). ایمان همواره اطاعت شادمانه از پادشاه مهربان‌مان را به دنبال دارد.

۵- پولس خطاب به چه کسانی می‌نویسد (آیه ۷)؟ وی ایشان را چگونه توصیف می‌کند؟ مسیحیان روم؛ مردمانی که محبوب خدا هستند؛ کسانی که خوانده شده‌اند تا مقدس (یعنی متمایز، پاک، و جدا شده) باشند؛ و در نتیجه، کسانی که از فیض خدا و داشتن مصالحه با او بهره‌مندند.

• او برایشان چگونه دعا میکند (آیه‌های ۸-۱۰)؟  
- او خدا را به خاطر ایمانشان شکر می‌گوید (آیه ۸).

- به طور مرتب («پیوسته»، آیه ۱۰) برایشان دعا می‌کند.

- دعا می‌کند که بتواند به دیدارشان نایل شود (آیه ۱۰).

کند. می‌توانید بعد از پرسش ۹ به این پاسخ‌ها برگردید. به یاد داشته باشید که بیش از یک جمله یا چکیده فرمول بندی شده از پیام مسیحیت وجود دارد!

۲- نگاه پولس به خودش و زندگی‌اش چگونه بود (آیه‌های ۱ و ۵)؟ او «غلام مسیح» است (آیه ۱)، مردی است که زیر اقتدار به‌سر می‌برد. او «رسول خوانده شده» (آیه ۱)، یک فرستاده شده. این شغلی نبود که پولس برای خود انتخاب کرده باشد. او برای این کار خوانده شده بود. او «جدا نموده شده برای انجیل» است (آیه ۱). «جدا نموده شده» یعنی کنار گذاشته شده، سوا شده از هر چیز دیگر. از نظر پولس، انجیل چنان عظمتی دارد که او حاضر است خویشتن را از هر چیز دیگر جدا سازد تا به دعوتی که از وی به عمل آمده، وفادار بماند. نقش رسالتی ویژه پولس "فراخواندن همه امت‌ها به اطاعت ایمان" می‌باشد (آیه ۵؛ نگاه کنید به اعمال ۱۵:۹).

۳- شش آیه اول چه چیزهایی درباره "انجیل" به ما می‌گویند؟

• آیه ۲: خاستگاهش. انجیل چیز تازه‌ای نیست؛ عهد عتیق («کتاب مقدسه») جملگی درباره انجیل است.

• آیه‌های ۳-۴: موضوعش. انجیل روی عیسی متمرکز است، همه انجیل «درباره پسر او» است. درباره اوست، نه ما. عیسی، انسان (آیه ۳)؛ تحقق وعده‌های خدا به داوود، مبنی بر ظهور پادشاهی ابدی (آیه ۳)؛ نگاه کنید به دوم سموئیل ۷:۱۱ ب (۱۶)؛ و خداست (رومیان ۴:۱-۴) قیام او از مردگان، گواه بر این مدعا است.

• آیه‌های ۵-۶: نتیجه‌اش. انجیل موجب فرمانبرداری از خدا می‌شود (آیه ۵)؛ نگاه کنید به پرسش ۴)؛ و به ما توان آن را می‌بخشد که "از آن" عیسی شویم.





• چرا امکان دارد که مردم دیدگاهی خلاف دیدگاه پولس به انجیل، داشته باشند؟

• از این مطلب چه چیزهایی می‌توانیم برای دعا‌های خودمان یاد بگیریم؟

۱- انجیل به ما می‌گوید که از لحاظ روحانی آنچنان شکست خورده‌ایم که تنها راه برای به دست آوردن نجات، این است که آن را به صورت هدیه‌ای کامل دریافت نماییم. این تعلیم آدم‌های اخلاق‌گرا و دین‌مدار را که گمان می‌کنند شایستگی و پاکدامنی‌شان، آنها را نسبت به افراد بی‌اخلاق‌تر در موضع برتری قرار می‌دهد، آزرده خاطر می‌سازد.

• چرا پولس می‌خواهد از ایشان دیدن کند (آیه‌های ۱۱-۱۳)؟

تا با به کار بردن عطایای روحانی خودش (یعنی توانایی‌هایش در وعظ و شبانی)، آنان را در ایمان‌شان تشویق کند. وی همچنین انتظار دارد که از ایمان آنها خودش هم تشویق شود. خواست او آن است که «نعمتی روحانی» به ایشان برساند، احتمالاً منظور او از نعمت روحانی، رشد و بلوغ ایمانداران، و بشارت دادن و مسیحی کردن بی‌ایمانان است.

۲- خود انجیل هم با ادعای اینکه عیسی به خاطر ما مُرد، یعنی اینکه ما آن قدر شریر هستیم که فقط مرگ پسر خدا می‌تواند نجات‌مان بخشد، عملاً به ما توهین می‌کند. و این اهانتی است به آیین مدرن ابراز وجود و باور متداول در مورد ذات نیکوی بشری.

۶- کاربرد: ما مسیحیان، امروزه چطور می‌توانیم به طور متقابل یکدیگر را تشویق نماییم؟ با وقت صرف کردن با همدیگر، با متعهد بودن به حضور در گردهمایی‌های یکشنبه‌ها، و همچنین با دیدن کردن از یکدیگر در سایر اوقات. اما زمانی که برای تشویق همدیگر جمع می‌شویم، باید این را هم از یاد نبریم که ما با ایماندارانی وقت می‌گذرانیم که همچون خودمان، می‌دانند که عیسی پسر خداست، که با قوت از مردگان برخاسته، تا با قدرت فرمانروایی کند. ما با مشاهده ایمان دیگران، و اطاعتی که از این ایمان ناشی می‌شود، دلگرم می‌شویم. سایرین را می‌بینیم که عطایای خویش را برای دیگران به کار می‌برند، و ما هم می‌توانیم از عطایای خودمان برای رفع نیازهای ایشان استفاده کنیم. پس بدین ترتیب می‌توانیم با دیدار از هم، متقابلاً یکدیگر را تشویق کنیم و آگاهانه انتظار داشته باشیم که هم تشویق شویم و هم دیگران را تشویق کنیم.

۳- انجیل با گفتن اینکه «برای نیکو شدن و روحانی بودن، تلاش کردن کافی نیست»، بر این نکته پافشاری می‌کند که هیچ فرد «نیکویی» نجات نخواهد یافت. این توهین به باور امروزی است که هر انسان خوبی، هر جا که باشد، می‌تواند خدا را «به روش خودش» پیدا کند. ما دوست نداریم خودمختاری‌مان را از دست بدهیم.

۴- انجیل به ما می‌گوید که نجات‌مان با رنج و خدمت عیسی (و نه با فتوحات و ویرانگری) محقق گردیده، و اینکه پیروی از عیسی یعنی رنج کشیدن و خدمت کردن با او. این برای کسانی که نجات را مترادف با داشتن یک زندگی راحت می‌شمارند، توهین است.

۸- چرا پولس عار ندارد (آیه‌های ۱۴ و ۱۶)؟  
بهبتر است اول آیه ۱۶ را بررسی کنیم.

۷- پولس در مورد انجیل چه برداشتی دارد (آیه ۱۵)؟ چه برداشتی ندارد (آیه ۱۶)؟ او مشتاق بشارت است؛ از انجیل عار (یا به معنای دقیق لغوی اش، «آزردگی، اهانت») ندارد.

• انجیل قوت خداست. زمانی که انجیل اعلان می‌شود، خدا با قدرت عمل می‌کند. مردم را

پاک و کامل به ما نشان داده و این سابقه را در اختیار ما می‌گذارد، و ما می‌توانیم آن را با ایمان، و فقط با ایمان، دریافت کنیم.

### جستجوی بیشتر

انجیل برای چه کسانی است (آیه‌های ۱۴ و ۱۶)؟ به نظر شما، چرا پولس روی این حقیقت تأکید می‌کند؟ یونانیان و غیر یونانیان؛ حکما و جهلا (آیه ۱۴)؛ یهود و امت‌ها (آیه ۱۶)؛ یعنی همه، صرف نظر از اینکه به چه طبقه اجتماعی تعلق دارند و "مذهبی" هستند یا "غیر مذهبی". وی تأکید می‌کند که انجیل تنها متعلق به گروهی "نخبه" نیست.

انجیل چه کسانی را نجات می‌بخشد (آیه‌های ۱۶ و ۱۷)؟ هر کسی را که ایمان بیاورد؛ چرا که عادل شمرده شدگی «به ایمان» پذیرفته می‌شود.

چه میشود، اگر فراموش کنیم:

- سرشت نامحدود پیام انجیل را؟ تصور خواهیم کرد که عده‌ای آنقدر بد هستند که خدا نمی‌خواهد نجات‌شان بدهد، یا اینکه دیگران چنان سرسخت هستند که خدا قادر به نجات‌شان نیست. پس دست از در میان گذاشتن انجیل با گروه خاصی از مردم می‌کشیم.

- یا اینکه، اگر مردم به پیام انجیل ایمان نیاورند، نجات نخواهند یافت؟ خودبینی در ما رشد خواهد کرد و دیگر انجیل را با دیگران در میان نخواهیم گذاشت، چون تصور می‌کنیم که گروه‌های خاصی از مردم (یا همه آنها) حتی اگر به انجیل ایمان هم نداشته باشند، از سوی خدا پذیرفته خواهند شد.

کدامیک از اینها را بیشتر فراموش می‌کنید؟

بلند می‌کند؛ چیزها را دگرگون می‌سازد و تغییر می‌دهد. اگر آن را شخصا در نظر بگیریم، انجیل صرفاً یک ایده یا فلسفه نیست. ما و دیگران را متحول می‌سازد. پولس می‌داند که وقتی انجیل را با دیگران در میان می‌گذارد، چیزی برای شرمندگی بودن وجود ندارد، و هر چیزی که به آن مربوط می‌شود، هیجان‌انگیز است!

- انجیل قوت خداست «برای نجات...». کاری از آن ساخته است که از هیچ چیز دیگر ساخته نیست: انجیل ما را نجات می‌بخشد، با خدا آشتی می‌دهد، و تا ابد در ملکوت خدا برای ما جایگاهی را تضمین می‌کند. انجیل پیغامی است که همه (اعم از یهود و امت‌ها) نیازمندش هستند، و می‌توانند بدان اعتماد کنند.

- آیه ۱۴، پولس مدیون (= مقروض) یا مقید به بشارت انجیل است. او مقروض کسانی است که هنوز انجیل را نشنیده‌اند، زیرا خدا انجیل را به ما داده تا آن را سینه به سینه به دیگران منتقل کنیم.

۹- چکیده کلام پولس در مورد پیام مسیحی مندرج در آیه ۱۷ الف را با کلمات خودتان بیان کنید. البته که چکیده هر کس با دیگری فرق خواهد داشت. در اینجا "عدالت" واژه کلیدی است، که به سادگی معنایش درست بودن رابطه با کسی دیگر و بدهی نداشتن به اوست. دیگری شما را می‌پذیرد، زیرا در سابقه شما چیزی نیست که رابطه‌تان را با او خراب کند.

خاطر نشان کنید که «عدالت خدا» را می‌توان «عدالت از جانب خدا» هم ترجمه کرد، نگاه کنید به خلاصه ص ۵۶. انجیل به ما می‌گوید که خدا پیشینه‌ای پاک و بدون نقص به ما عطا می‌کند. نجات به این معنی نیست که ما عدالت خود را به خدا ارائه دهیم، بلکه در باره عدالت خداست که ما آن را دریافت می‌کنیم. بنابراین، یکی از راه‌هایی که می‌توان آیه ۱۷ الف را خلاصه کرد می‌تواند چیزی شبیه این باشد: "خدا در انجیل سابقه‌ای

۱۰- انتهای آیه ۱۷ نکته‌های را در مورد زندگی مسیحی به ما یادآور می‌شود؟ اینکه «به ایمان» است. این‌گونه نیست که ما زندگی مسیحی مان را از طریق ایمان آغاز کنیم، و بعد با اعمال مان به این زندگی ادامه بدهیم. از آنجایی که عدالت کامل تنها از طریق دریافت کردن آن میسر می‌باشد، پس ما هم باید همان‌طور که زندگی مسیحی خود را شروع کرده‌ایم، بدان ادامه بدهیم؛ با دریافت کردن عدالت و نجات خدا با ایمان.

- چون در این مورد که آیا در میان گذاشتن انجیل با دیگران می‌تواند آنها را تغییر دهد، دچار تردید خواهیم شد.

- چون از یاد خواهیم برد که انجیل چقدر بی‌نظیر و ضروری است.

۱۲- کاربرد: از چه جهاتی امکان دارد فراموش کنیم که در انجیل، "عادل به ایمان زیست خواهد نمود"؟ ریشه هر گناه و هر مشکلی، بی‌ایمانی و انکار انجیل است. کسانی که سعی می‌کنند نجات دهنده خودشان باشند، چه آنانی که اخلاق مدار هستند و چه آنانی که فاسدند، هر دو در واقع انجیل را انکار می‌کنند.

• زمانی که آدم‌های بی‌بندوبار منکر دین و خدا می‌شوند، عصیان‌شان در واقع به خاطر امتناع از ایمان آوردن به انجیل است، یعنی پیامی که ایشان را گناهکار می‌شمارد و می‌گوید تنها کسی که قادر است نجاتشان بخشد، عیسی است.

• زمانی که افراد اخلاق‌مدار به دین و اخلاق متوسل می‌شوند و به انسان‌هایی مضطرب (از این رو که می‌دانند هرگز قادر نخواهند بود مطابق با معیارها زندگی کنند) یا مغرور (از این رو که فکر می‌کنند مطابق معیارها زندگی می‌کنند) تبدیل می‌شوند، اضطراب یا غرورشان در واقع به خاطر امتناع ایشان از ایمان آوردن به انجیل است، پیامی که ایشان را گناهکار می‌شمارد و می‌گوید تنها کسی که قادر است نجاتشان بخشد، عیسی است.

• زمانی که مسیحیان گناه می‌کنند، گناه‌شان همواره با فراموش کردن این نکته همراه است که آنها نمی‌توانند خودشان را نجات دهند؛ تنها عیسی می‌تواند. وقتی تلخ می‌شویم، بدین خاطر است که یادمان رفته که محض فیض و به طور

۱۱- کاربرد: آیه‌های ۱۴-۱۷ درباره موارد زیر چه چیزی به ما تعلیم می‌دهند؟

• مدیون (مقروض) انجیل بودن؟ ما بشارت دادن انجیل را مدیون هستیم. مثالی که می‌تواند مفید باشد، فکر کردن درباره کسی است که ۱۰۰ دلار بدهی دارد. برای پرداخت قرض دو راه وجود دارد. فرضاً من ۱۰۰ دلار به شما می‌دهم و شما بدهکارم می‌شوید. یا اینکه ۱۰۰ دلار به شما می‌دهم و از شما می‌خواهم که آن را به کس دیگری بدهید. حالا شما این ۱۰۰ دلار را به دیگری مقروض هستید و تا زمانی که این مبلغ را به او نپردازید، مدیون او خواهید ماند. خدا انجیل را به ما عطا فرموده تا آن را به دیگران بدهیم، تا زمانی که این کار را انجام ندهیم، مدیون آنها هستیم. پیغام انجیل ما را مکلف به در میان گذاشتن آن با دیگران می‌سازد.

• قدرت انجیل؟ انجیل قوت خداست! مردم را عوض می‌کند؛ انجیل زمانی عمل می‌کند که مردم آن را بشنوند یا بخوانند.

• محتوای انجیل؟ محتوای انجیل درباره عیسی است؛ یعنی درباره اینکه چطور ما کمال خدا (عدالتش) در مسیح را دیده و آن را با ایمان پذیرفته‌ایم.

• چرا فراموش کردن هر یک از موارد بالا باعث می‌شود که ما درباره انجیل سکوت اختیار کنیم؟

کامل نجات پیدا کرده‌ایم، پس چطور می‌توانیم فیض را از خود دریغ نماییم؟ وقتی از سر ترس یا شکست خود را بیش از حد در کار غرق می‌کنیم، یا به خاطر ناکامی‌هایمان دچار افسردگی می‌شویم، بدین خاطر است که فراموش کرده‌ایم که نمی‌توانیم خود را عادل سازیم [قابل تحصیل نیست]، اما در نگاه خدا عادل هستیم.

راستی بخاطر

FACT  
Farsi & Assyrian Christian Teaching Ministries

## چرا همه نیازمند انجیل هستند

### ایده اصلی

۱:۲-۱۰ (و نیز تا ۳:۲۰)، پولس نشان می‌دهد که یهودیان و همه انسان‌های مذهبی که با همان معیارهای اخلاقی که دیگران را به زور وادار به مراعاتش می‌کنند، خودشان را محکوم می‌نمایند (۱:۲-۳)؛ آنان هم سزاوار غضب هستند (آیه‌های ۳-۵)؛ آنها نکته اصلی انجیل را از قلم انداخته‌اند، زیرا می‌پندارند که نیکویی‌شان آنان را عادل می‌سازد، و به همین خاطر نیازی به دریافت عدالت ندارند. همه "اعم از دین‌دار و بی‌دین" نیازمند انجیل هستند.

خشم خدا بر ضد همه مردم "خواه دین‌دار باشند و خواه بی‌دین" آشکار شده و خواهد شد. همه ما نیازمند انجیل هستیم.

### خلاصه

مترجمان NIV واژه "زیرا" را که باید در آغاز آیه ۱۸ بیاید، حذف کرده‌اند. این واژه بخش مورد بررسی را با آیه‌های ۱۶-۱۷ ربط می‌دهد؛ به عبارت دیگر، پولس در این بخش علت نیاز ما به دریافت عدالت خدا با ایمان را توضیح می‌دهد.

### تکلیف اضافی اختیاری

روی تکه‌های کاغذ نام ۱۵ تا ۲۰ شخصیت معروف را بنویسید و آنها را از افراد خیلی خوب (مثلاً: روزولت، چرچیل) و خیلی مذهبی (مثلاً: بیلی گراهام، مادر تریزا)، تا آدم‌های خیلی بد (هیتلر، بن لادن) طیف بندی کنید و در آن میان هم شخصیت‌های "عادی" (مثلاً یک ستاره ورزش یا سینما، یک نویسنده، شاید خودتان!) را بگنجانید. از اعضای گروه بخواهید آنها را بر اساس خوبی و یا مقبولیت در جامعه، رتبه بندی کنند. سپس در طی مطالعه، به ترتیب مزبور مراجعه کنید. به نظر می‌رسد که آیه‌های ۱۸:۱-۳۲ حاکی از آن است که خدا احتمالاً میان افراد دین‌دار و خوبی که به وجودش اذعان دارند، و بقیه انسان‌ها تمایز قابل می‌شود. ۱:۲-۱۰ مکشوف می‌سازد که در واقع خدا خط تمایزش را بالاتر از همگان میکشد، یعنی هیچکس در نظر او عادل نیست.

پاسخ این است که غضب خدا دارد بر انسان‌ها فرو می‌ریزد. هم اکنون دارد بر ضد بی‌دینی مردمانی که حقیقت مربوط به خدا را سرکوب می‌کنند، عمل می‌کند. این غضب خود را بدین گونه نشان می‌دهد که ما واگذار شده‌ایم تا به جای پرستیدن خدا، خویشتن را سرگرم پرستش چیزهای دیگر کنیم. بت‌پرستی هم دلیل غضب خداست، و هم پیامد آن. ما تصمیم می‌گیریم که مخلوقات را بپرستیم (آیه‌های ۲۱-۲۳)؛ پرستش آنها نه تنها اقناعمان نمی‌کند، بلکه منجر به شکستگی هم می‌شود؛ و غضب کنونی خدا اجازه می‌دهد تا آن چیزی را داشته باشیم که خودمان انتخاب کرده‌ایم.

پولس در ۱۸:۱-۲۲ به امت‌ها (یعنی: غیر یهودیان، یا شاید بتوان گفت: دنیای بی‌دین) اشاره می‌کند. وی در ۱:۲ به سراغ دین‌داران یا اخلاق‌مداران می‌رود. اینها از انتقاد پولس به دنیا و سبک زندگی بت‌پرستان، جانب‌داری می‌کردند. اما خودشان را زیر حکم نمی‌دیدند (چرا که بی‌دین نبودند). در

## راهنمایی برای پرشی‌ها

۱- اگر از ۱۰۰ نفر می‌پرسیدید: "اشکال دنیا در چیست؟" چه جواب‌هایی می‌گرفتید؟

برخی پاسخهای احتمالی از این قرارند: طمع؛ خودخواهی؛ تغییر آب و هوا؛ چیز مهمی نیست؛ ناتوانی ما در محبت کردن یکدیگر به شیوه درست.

- اگر از مردم می‌پرسیدید: "چه چیزی می‌تواند این اشکال را برطرف سازد؟" چه جواب‌هایی می‌گرفتید؟

جواب دادن به این سؤال سخت‌تر است. نگذارید این بحث به درازا بکشد. اما بیشتر جواب‌ها احتمالا پیرامون این استدلال دور خواهد زد که راه علاجی وجود ندارد؛ یا اینکه راه حل در خود ما نهفته است، بشریت می‌تواند مشکلات بشریت را حل و فصل نماید.

۲- آیه‌های ۱۸-۲۱ چه چیزهایی درباره غضب خدا به ما می‌گویند؟

• غضب خدا وجود دارد. خدای مهربان، خدای غضبناک هم هست. غضب او خشمی عادلانه و منصفانه است. این غضب در واقع نتیجه محبت خدا نسبت به جهانی است که خود او [نیکو] آفرید، اما پر از تباهی شده است.

• غضب خدا حضور دارد. همین‌جا، و هم اکنون در حال انجام است (به زمان حال به کار رفته در آیه ۱۸ دقت کنید: «مکشوف میشود»). مابقی فصل ۱ نشان میدهد که این غضب چگونه مکشوف می‌شود.

• غضب خدا بر ضد چیست؟ این غضب بر ضد «بی‌دینی» (آیه ۱۸، واژه‌ای که بر نادیده گرفتن حقوق خدا، دلالت می‌کند) و «ناراستی» (به معنای نادیده گرفتن حقوق انسان‌ها برای محبت،

عدالت، حقیقت و غیره) برانگیخته شده است.

• سزاوار است. خدا نسبت به کسانی که خویششان را بهتر می‌دانند، و «راستی را بازمی‌دارند [سرکوب می‌کنند]» یعنی آنانی که شناخت بهتری داشتند، غضبناک است. همه انسان‌ها، ته دلشان می‌دانند که خدایی هست و آنها وفاداری و فرمانبرداری را مديونش هستند. خدا «آن را بر ایشان ظاهر کرده است ... از حین آفرینش عالم» (آیه‌های ۱۹-۲۰). آفرینش به ما نشان می‌دهد که خدایی هست، اما هرچند این را می‌دانیم، برایش زندگی نمی‌کنیم و از او سپاسگزار نیستیم (آیه ۲۱). ما برای زندگی کردن به شیوه‌ای که انگار خدایی نیست، «عدری» نداریم (آیه ۲۰).

۳- پولس درباره انسان‌هایی حرف می‌زند که معرفت و پرستش خدا را رد می‌کنند. به گفته او، همیشه برای کسانی که چنین می‌کنند، چه اتفاقی می‌افتد (آیه‌های ۲۲-۲۵)؟

- خداسازی جعلی. پولس در آیه ۲۵، دو کلمه را به کار می‌برد: ما مخلوقات را «عبادت» و «خدمت» می‌کنیم. ما آفریده شده‌ایم تا آفریننده‌مان را بپرستیم، پس اگر انکارش کنیم، ناگزیر چیز دیگری را خواهیم پرستید. هر چیزی را که بپرستیم، یا خدمتش می‌کنیم و یا بالاجبار مطیعش خواهیم بود. باید چیزی برایمان بالاترین اولویت را داشته باشد که بتواند به ما معنی و مفهوم ببخشد. آن چیز، هر چه باشد، خدمتگزارش هستیم.

- اسارت و اعتیاد. پولس می‌گوید: «للهذا خدا نیز ایشان را در شهوات دل خودشان به ناپاکی تسلیم فرمود» (آیه ۲۴). چیزهایی که خدمت‌شان می‌کنیم، ما را آزاد نمی‌سازند. برعکس، کنترل ما را در دست می‌گیرند. ما سپرده شده‌ایم تا به آنها «تسلیم» شویم. برای شاد بودن، دوست داشتن خود، و برای اینکه زندگی‌مان معنا داشته باشد، مجبوریم آنها را داشته باشیم. و از آنجایی که آنها

نمی‌توانند اقصاعمان کنند (چون دل‌های ما برای این ساخته شده‌اند که روی خدا متمرکز باشند، نه روی مخلوقات)، پس همیشه نیازمند چیزهای بیشتر و بیشتری هستیم.

۴- برخی از پیامدهای عدم تمایل به شناختن خدا را نام ببرید (آیه‌های ۲۶ و ۳۲)؟

در اینجا پولس به ما نشان میدهد که پرستش دروغین به ازمه پاشیدگی کامل زندگی بشر منتهی می‌شود. اعضای گروه‌تان را تشویق کنید به جای روحانی ساده فهرست، در این باره ببینید که هر یک از این پیامدها در زندگیشان به چه می‌ماند.

- اسارت‌ها و اعتیادها (آیه‌های ۲۶ و ۲۸، «ایشان را به هوس‌های خبثت تسلیم نمود») به این دلیل که خدایی دروغین فرمانروایی ستم‌کار می‌شود که هرگز نمی‌توان راضی‌اش نمود.

- روابط خلاف قاعده (آیه‌های ۲۶-۲۷، نگاه کنید به یادداشت زیر). احتمالاً منظور از «عقوبت سزاوار» (آیه ۲۷)، آن است که خدا به تصمیم انسان مبنی بر زندگی نکردن مطابق فرمان‌های الهی، بدین نحو واکنش نشان می‌دهد که اجازه می‌دهد آن تصمیم عملی گردد. این غضب خداست، عقوبت زندگی نکردن با او به عنوان خدا، تجربه کردن پیامدهای این روش زندگی است.

- تباهی زندگی شخصی و اجتماعی (آیه‌های ۲۹-۳۱). چون رفتار بشر موارد زیر را بدتر می‌کند:

الف- بی‌نظمی اقتصادی («طمع»)

ب- بی‌نظمی اجتماعی («قتل، جدال، مکر، بدخوبی»)

پ- فروپاشی خانوادگی («نامطیعان والدین»)

ت- فروپاشی روابط («غیبت کنندگان، اهانت کنندگان، متکبران، لاف‌زنان و مبدعان شر»)

ث- فروپاشی شخصیتی («بی‌فهم، بی‌وفا، بی‌الفت، بی‌رحم»)

در آیه ۲۱ دو پیامد دیگر هم به چشم می‌خورند:

- سردرگمی و نومیدی عقلی («خیالات باطل») چون انکار حاکمیت خدای حقیقی مستلزم توسل جستن به بسیاری از باورهای ضد و نقیض است.

- سردرگمی و نومیدی احساسی («دل‌های تاریک شده») زیرا قلب و امیال انسان در اصل برای خدا ساخته شده‌اند و هیچ چیز دیگری که بر دل انسان سلطنت کند، نمی‌تواند آن را راضی نماید.

توجه: آیه‌های ۲۶-۲۷، همجنس‌گرایی را یک‌جور اسارت جنسی تلقی می‌کنند که از بت‌پرستی ناشی می‌شود، باید بدانید که:

• این دو آیه بلندترین عبارت در کتاب مقدس است که به موضوع همجنس‌گرایی پرداخته.

• این آیه‌ها هم‌جنس‌گرایی را «خلاف طبیعت» (para phusin) می‌خواند. این یعنی تخطی از طبیعت و سرشتی که خدا به ما عطا کرده.

• این عبارت می‌گوید که همجنس‌گرایی از پرستش مخلوق، به جای خالق، نشأت می‌گیرد. قبلاً دیدیم که هر مشکلی برخاسته از گونه‌ای بت‌پرستی است. پس این‌طور نیست که همجنس‌گرایی تنها نوع بت‌پرستی است. عمل همجنس‌گرایی یک گناه است؛ اما نه یگانه گناه است و نه از گناهان دیگر بدتر است. همه گناهان به منزله سرکوب کردن حقیقت خدا و پرستش چیزی به جای او محسوب می‌شوند؛ و همین امر غضب خدا را برمی‌انگیزد.

۵- واقعیت غضب کنونی خدا در جهان پیرامون مان را چگونه می بینیم؟ غضب مکشوف شده خدا سبب همه نابسامانی‌هایی است که پیرامون خود می بینیم. از آنجایی که مجازات خدا صرفاً این است که "ما را تسلیم، چیزهای که می پرستیم و می خواهیم، می کند" (آیه‌های ۲۴ الف و ۲۶ الف و ۲۸ الف)، پس واقعیت غضب خدا در چیزهایی جلوه گر می شود که ما عبادت‌شان می کنیم و در آنها به دنبال معنا و هدف زندگی خویش می گردیم. بنابراین غضب خدا در کسانی مشهود است که حقیقت را انکار کرده، نمی توانند پی به هویت عیسی ببرند؛ [مانند] کسی که تصمیم گرفته در زندگی خود نومید و سرخورده بماند، و یا پدری که به خاطر گرفتن ترفیع شغلی، خانواده خودش را نادیده می گیرد. هنگامی که مرتکب گناه می شویم، گناه در تاروپود زندگی ما تنیده می شود و این به فروپاشی روحانی، روانشناختی، اجتماعی و جسمانی ما می انجامد.

۶- کاربرد: آیا به نظر شما اجتماع کلیسایی، کمتر از فرهنگ پیرامون خود، مستعد سرکوب حقیقت و بت پرستی است؟ چرا چنین فکر می کنید؟ برای مسیحیان خیلی ساده است که دست کم تا اندازه‌ای خودشان را از ارزیابی پولس در اینجا، مستثنی کنند. البته، این احتمال هم وجود دارد که ما گناهان خودمان را هم در این فهرست جای بدهیم. بنابراین اعضای گروه‌تان می توانند به یکی از این دو روش، به پرسش بالا پاسخ بدهند: "بله، حقیقت مربوط به خدا را می دانیم و از این رو [آنقدرها هم] طرف بت پرستی نمی رویم"، یا "بله، ما هم به اندازه کسانی که اطرافمان هستند، گناهکاریم." همچنان که خواهیم دید، پولس دیدگاه اول را در فصل ۲ رومیان به چالش می کشد.

۷- به نظر شما پولس در آیه‌های ۱-۳ به چه جور شخصی اشاره می کند؟ (برای کمک گرفتن می توانید به آیه ۱۷ مراجعه نمایید.) کسانی که «بر دیگری حکم میکنند» (آیه ۱)؛ کسانی که

«مسمی به یهود هستند و بر شریعت تکیه می کنند» (آیه ۱۷). اینها آدم‌های مذهبی‌ای هستند که برای مقبول ساختن خود نزد خدا، اعتمادشان را بر روی مراعات استانداردهای وی می نهند. اینها کسانی هستند که فصل ۱ رومیان را می خوانند و می گویند: "بله، البته که غضب خدا بر مردمان بی دین، که پا به کلیسا نمی گذارند، نازل خواهد شد. ولی ما کلام خدا را داریم و مطابق آن زندگی می کنیم. ما محکوم نیستیم."

• پولس چه نکته‌ای را برای آنان روشن می کند؟ «فتوا بر خود می دهی، زیرا تو که حکم می کنی، همان کارها را به عمل می آوری» (آیه ۱). حرف پولس این است که معیارها و استانداردهایی که ما برای محکوم کردن دیگران به کار می بریم، دست و پا گیر خودمان هم خواهند شد و با همان‌ها ما داوری خواهیم شد. حکم کردن بر دیگران یعنی باور داشتن به اینکه سایرین سزاوار داوری هستند، اما شما نیستید؛ ولی پولس می گوید که هیچ یک از ما معیارهایی را که در مورد دیگران به کار می گیریم، خودمان رعایت نمی کنیم.

این همان چیزی است که فرانسیس شیفر، الاهی‌دان قرن بیستم نامش را "ضبط صوت نامرئی" می گذارد. گویی دور گردن هر یک از ما ضبط صوتی وجود دارد (در دهه‌ای که ما در آن بسر می بریم، می تواند mp3 recorder باشد!) و چیزهایی را که به دیگران و درباره دیگران، و اینکه چطور باید زندگی کنند می گوئیم، ضبط می کند. بعد، در روز آخر، خدای داور ضبط صوت را از گردن ما باز کرده، می گوید: من نهایت انصاف را رعایت خواهم کرد، فقط همین نوار را برایت پخش می کنم و بر اساس چیزهایی که خودت معیارهای درست برای رفتار انسان برشمرده‌ای، تو را مورد داوری قرار می دهم. پولس می پرسد: «آیا گمان می بری که تو از حکم خدا خواهی رست» (آیه ۳)؛ در طول تاریخ بشریت هیچ کس وجود ندارد که صادقانه بگوید: «بله، من از حکم خدا خواهم رست.»



• پولس در مورد چه چیزهایی به ایشان هشدار می‌دهد (آیه‌های ۴-۵)؟ خدا از سر مهربانی خود به انسان‌های حق به جانب (= خود عادل پندار) زمان بیشتری می‌دهد، تا بلکه «توبه» کنند (آیه ۴)، یعنی متوجه شوند که گناهکارند، و از این رو بازگشت کرده، به انجیل اعتماد نمایند. اما تا زمانی که توبه نکنند: «غضب را ذخیره [می‌کنند] برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادل خدا» (آیه ۵). هرچه بیشتر "بدون اینکه توبه کرده باشیم" از برکات خدا بهره‌مند شویم، مجازات نهایی‌مان سنگین‌تر خواهد بود. اگر توبه نکرده باشیم، به همان اندازه که مدت زمان بهره‌مند شدن از برکات خدا طولانی‌تر باشد، مجازات نهایی نیز سنگین‌تر خواهد بود.

### جستجوی بیشتر

گروه اول به چه شباهت دارد (مزمور ۳:۶۲-۴)؟ آنان در چارچوب رابطه‌شان با خدا، مرتکب چه کاری شده‌اند؟ ایشان برضد پادشاه برگزیده خدا (یعنی داوود، سراینده مزمور)، دسیسه می‌کنند؛ دروغ می‌گویند، لب‌هایشان یک چیز می‌گوید، درحالی که دل‌هایشان خلاف آن را انجام می‌دهد. آنان مثل مردمان توصیف شده در رومیان ۱:۲-۳ می‌باشند.

گروه دوم چه کرده‌اند (آیه‌های ۱ و ۷)؟ برای نجات‌شان به خدا چشم دوخته‌اند (آیه ۱)؛ همه چیز خود را به خدا سپرده و برای خلاصی و آبروی‌شان، به او توکل کرده‌اند (آیه ۷).

پس منظور داوود در آیه ۱۲، آنجایی که می‌گوید هر گروه را «موافق عملش جزا خواهی داد» چیست؟ خدا به گروه اول، با داوری کردن‌شان به خاطر نگرش انکارآمیزی که نسبت به خدا دارند، "جزا" خواهد داد؛ و پاداش گروه دوم هم برکات و نجات آنانی است که به او توکل کرده‌اند.

این مطلب به درک منظور پولس در رومیان

۲:۶-۱۱، چه کمکی می‌کند؟ پولس از انسان‌های دین‌دار و بی‌دین می‌خواهد که آنچه را انجام داده و یا انجام ندادند در نظر آورند. کسی که توبه نکرده، نمی‌تواند از غضب خدا به رحمتش پناه ببرد، چرا که سزاوار این رحمت نیست. هر دو در خودشان به دنبال صداقت می‌گردند. هیچ‌یک توبه نکرده‌اند (آیه ۵)، یعنی برای رهایی از غضب خدا هیچ‌یک [نه دین‌دار و نه بی‌دین] به رحمت خدا [رحمتی که سزاوارش نیستند] توسل نجسته است. هر دو در پی افتخار و منزلت در خویشتن بودند.

در اینجا چه چالشی برای مسیحیان وجود دارد؟ آیا زندگی ما بازتاب ایمانی است که ادعایش را می‌کنیم؟ اگر اعمال دستان ما تغییر نمی‌کنند و ایمانی که مدعی‌اش هستیم تأثیری در رفتار ما ندارد، پس باید از خودمان صادقانه بپرسیم که آیا ایمانمان واقعی است؟

۸- پولس چگونه نشان می‌دهد که در پیشگاه خدا برای افراد زیر هیچ دست‌آویزی برای دفاع وجود ندارد:

• انسان‌های بی‌دین (آیه‌های ۱۳-۱۶)؟ آیه‌های ۱۴-۱۵ کلید جواب ما هستند. وقتی کسانی که شریعت را نشنیده‌اند (یعنی امت‌ها) «کارهای شریعت را به طبیعت بجا آرند، ... از ایشان ظاهر می‌شود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است». شریعت خدا از بدو تولد در دل انسان نهاده شده است، همه انسان‌ها بر مبنای واقعیتی عینی، یعنی معیاری که با آن مورد داوری قرار خواهیم گرفت، از اصول اولیه درست و غلط آگاه‌اند. این واقعیت که افرادی که هرگز با شریعت خدا آشنایی نداشته‌اند، گاه می‌دانند چه چیزی درست است و انجامش می‌دهند، نشان می‌دهد که وقتی کار درست را انجام نمی‌دهند، دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای ندارند، افکار خودشان، گاهی آنها را محکوم و گاهی از ایشان دفاع می‌کند (آیه ۱۵).  
**توجه:** این بخش قدری پیچیده است؛ نگذارید

تلاش برای فهم همه پیچیدگی‌هایش، شما را از موضوع اصلی دور کند.

• انسان‌های دین‌دار (آیه ۱۷-۲۷)؟ آیه‌های ۱۷-۲۴ در مورد رفتار اخلاقی بحث می‌کنند و آیه‌های ۲۵-۲۷ درباره مراعات قوانین مذهبی است. باز تکرار می‌کنیم، نکته اصلی در اینجا آن است که انسان‌های دین‌دار چیزهایی را که خودشان وعظ می‌کنند، به جا نمی‌آورند (آیه ۲۱). مثالی که پولس می‌زند، زناکاری است (آیه ۲۱). آدم‌های مذهبی با کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، شدیداً برخورد می‌کنند. اما عیسی فرمود که زنا، افکار ما را هم شامل می‌شود (متی ۲۸:۵). زندگی خداپسندانه به همان اندازه (یا بیشتر) که در مورد اعمال بدنی ماست، نیات و انگیزه‌های قلبی‌مان را هم شامل می‌گردد. دانستن و تعلیم دادن شریعت، به خودی خود نمی‌تواند جلوی نافرمانی از شریعت و متعاقب آن، داوری به‌حق را بگیرد. در آیه‌های ۲۵-۲۷، پولس به ختنه اشاره می‌کند. ختنه برای یهودی بودن یکی از نشان‌های فرهنگی مهم به شمار میرفت، و از این طریق می‌شد اعضای قوم خدا را شناسایی کرد. ولی به یکی از دلایل غرور یهودیان تبدیل شده بود، به طوری که با خودبینی چنین تصور می‌کردند که با ختنه کردن، به طور خودکار رابطه‌شان با خدا درست می‌شود. ولی پولس می‌گوید تنها چیزی که اهمیت دارد، مراعات شریعت یا نقض شریعت است. اگر کسی ناقض شریعت باشد (که همه هستند، آیه‌های ۱-۳)، در آن صورت ختنه برای نجات دانشان، هیچ ارزشی ندارد (آیه ۲۵).

۹- تنها چیزی که واقعا اهمیت دارد، چیست (آیه‌های ۲۸-۲۹)؟ اینکه آیا قلب شما «ختنه» شده است یا نه، یعنی آیا به واسطه کار روح‌القدس (در توان بخشیدن به ما برای اعتماد کردن به پیام انجیل)، وارد قوم حقیقی خدا شده‌ایم یا نه.

• این تحول قلبی، چه مثبت و چه منفی، چه نتیجه‌ای به بار می‌آورد (انتهای آیه ۲۹)؟ چرا

چنین فکر می‌کنید؟ نه تمجید از سوی انسان‌ها، بلکه تحسین از سوی خدا. وقتی خدا به کسی که روح‌القدس در وجودش کار کرده و او را قادر به دریافت عدالت پسرش ساخته، نگاه می‌کند، آنان را یکی از اعضای خانواده خودش می‌بیند؛ یعنی کسی که به طور کامل پذیرفته شده، شایسته تحسین است و دیگر زیر حکم نیست. فرد مسیحی شاید از سوی انسانها مورد تحسین و تمجید قرار نگیرد (به خاطر اینکه مردم یا خدا را رد می‌کنند، و یا به پاک‌های مذهبی باور دارند)، اما وقتی ما می‌دانیم که تأیید و تحسین خدا را با خود داریم، دیگر نظر انسان‌ها برایمان چندان اهمیتی نخواهد داشت.

۱۰- کاربرد: از کجا می‌توانیم بفهمیم که آیا ما همان «توبی» هستیم که پولس در فصل ۲ رومیان مورد خطاب قرار می‌دهد؟ پولس چهار چیز را به ما خاطر نشان می‌سازد:

• داشتن موضعی صرفاً نظری نسبت به کلام خدا (آیه ۲۱: «ای کسی که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا خود را نمی‌آموزی؟») چنین شخصی مفاهیم انجیل را درک می‌کند، اما اینها هرگز او را تغییر نمی‌دهند. ایشان به ندرت نسبت به گناهی که مرتکب شده‌اند، عمیقاً ملزم می‌شوند. یک مسیحی واقعی کتاب‌مقدس را «زنده و مقتدر» می‌یابد (عبرانیان ۴:۱۲)؛ برای او، کلام خدا ملزم کننده، تسلی دهنده، مهیج، چالش برانگیز و دگرگون کننده است. مسیحی واقعی کتاب‌مقدس را می‌خواند تا به خودش تعلیم دهد.

• برتری اخلاقی آشکار یا نهان (آیه ۱۷): «تو که ... فخر می‌نمایی». آیه ۱۹: «هادی کوران و نور ظلمتینان ... هستی!». اگر به دستاوردهای روحانی خویش (اخلاق و یا رعایت قواعد دینی) اتکا کنید، به کسانی که در این زمینه‌ها شکست خورده‌اند، با دیده تحقیر خواهید نگرست. کسانی که به نیکویی خویش متکی هستند، در بهترین حالت افرادی «سرد» و در بدترین حالت نسبت به

در ما نیکویی وجود دارد و یا هر چیز دیگری، به خودمان و به دیگران آسیب می‌زنیم.

۱۲- کاربرد: ۱۸:۱-۲۹:۲ از چه نظر باعث می‌شوند به انجیل ارج بگذاریم؟ انجیل ضروری است زیرا نه تنها ما را خوشبخت می‌سازد، بلکه چون در این میان چیز دیگری هم وجود دارد به نام غضب خدا. همه اعتماد، خوشحالی و اشتیاقی که پولس برای انجیل دارد (۱:۱-۱۷)، ناشی از این فرض است که همه انسان‌ها جدا از انجیل، زیر غضب خدا قرار دارند. اگر غضب خدا را نمی‌فهمید و یا به آن اعتقاد ندارید، و اینکه سزاوار مواجهه با آن هستید، پس دیگر انجیل نه می‌تواند شما را به شوق آورد، و نه شما را قوت بخشد و به جنبش وادارد.

دیگران داوری کننده و ایرادگیر هستند. این افراد عادت به غیبت کردن دارند (پایین کشیدن دیگران به آنها این امکان را می‌دهد که خودشان را بهتر تصور کنند) و زیادی از خود دفاع می‌کنند (چون نمی‌توانند به عیوب و اشتباهات خود اقرار کنند).

• از همه مهم‌تر، نبود کامل یک «حیات باطنی» (آیه ۲۹: «ختنه قلبی، در روح»). قلب ختنه شده، قلبی است که به لحاظ روحانی ذوب شده و نرم باشد. صاحب چنین قلبی، زندگی دعای پویایی دارد و حضور و نزدیکی خدا را حس می‌کند. این چیزی است که اخلاق‌مداران، پیوسته از آن بی‌بهره‌اند. شاید گاهی در حین مراسم عبادتی و یا از هیجان مراسم کلیسایی، «جوگیر» شوند، اما به شدت از اینکه خدا دوست‌شان دارد، نامطمئن هستند، و به همین دلیل برای مدتهای طولانی مرگ باطنی را تجربه می‌کنند (توجه: منظورمان این نیست که مسیحی واقعی همیشه زمان‌های رازگهان بسیار عالی، یا همیشه حس و حال دعا کردن دارد!)

• ممکن است ریاکاری آشکار و زندگی دوگانه در میان باشد (آیه ۲۲). امکان دارد که «یکی از ارکان کلیسا» درگیر رابطه‌ای نامشروع یا عدم صداقت در کسب و کار باشد.

۱۱- کاربرد: اگر کسی از شما بپرسد: «اشکال این دنیا در چیست؟» با توجه به این دو فصل، چه جوابی به او خواهید داد؟ کوتاه‌ترین جواب این است: گناه. پاسخ مفصل‌تری که می‌توان از این دو فصل درآورد، این است که همه ما حقیقت را در مورد خدا سرکوب می‌کنیم و چیز دیگری را می‌پرستیم، چه بی‌دین باشیم و چه اهل دین و مذهب (کسی که نیکویی یا دین‌داری خود را ستایش می‌کند). این بدان معناست که برای رسیدن به هدفی که برای خودمان در نظر گرفته‌ایم مثلاً تجربه خاصی از رابطه جنسی کسب کنیم، یا به مرحله‌ای برسیم که احساس کنیم بخودی خود عادل هستیم و به اندازه کافی

## چگونه با خدا در رابطه درست باشیم

### ایده اصلی

تهیه کنند و در آن سه مورد از برترین‌های دسته بندی‌های زیر را بگنجانند: افتخارآمیزترین دستاوردها؛ ارزشمندترین روابط؛ بهترین خصوصیات؛ بزرگترین پشیمانی‌ها یا اشتباهات (قرار نیست کس دیگری آنها را ببیند). سپس، بعد از پرسش ۱۰ یا ۱۱، خاطرنشان سازید که هیچ‌یک از مواردی که در لیست‌شان برشمرده‌اند، آنها را عادل نخواهد ساخت؛ و در ضمن، هیچ چیز نمی‌تواند مانع آنها برای دریافت عدالت خدا شود. تنها چیزی که برای عادل شمردگی اهمیت دارد و باید در رزومه ما وجود داشته باشد، این است: **من به خون مسیح ایمان دارم.**

ما بر مبنای عملکردمان، در حضور خدا، نه می‌توانیم از خود دفاع کنیم و نه به بهانه‌ای متوسل شویم؛ اما خدا با داوری کردن عیسی به جای ما، یعنی آنجا که عدالت و رحمت خود را آشکار کرد، اصلاح رابطه ما با خودش را به ما عرضه می‌کند.

### خلاصه

در بیست آیه اول فصل ۳، پولس از استدلال خود به این نتیجه می‌رسد که همه نیازمند انجیل هستند، زیرا «کسی عادل نیست، یکی هم نی» (۱۰:۳). بنابراین، به هنگام پاسخگویی در حضور خدا، هیچ‌کس نمی‌تواند در دفاع از خود کلامی بر زبان آورد (۱۹:۳).

### راهنمایی برای پرسش‌ها

۱- آیا تا به حال شده که به دنبال کلماتی برای بیان منظور خود بگردید؟ علتش چه بوده؟

بنابراین، دو کلمه اول آیه ۲۱ بی‌نظیر هستند: «لکن الحال ...» در صلیب، خدا عدالت خویش (یعنی کمال خود) را در دسترس آنانی قرار داده که به مرگ عیسی اعتماد می‌کنند. صلیب جایی است که خدا عادلانه گناه را در پسرش جزا داد، و از این رو صلیب جایی است که خدا می‌تواند در آن، گناهکاران را عادل نماید.

پرسش ۴ و بخش شخصی سازی که متعاقب آن می‌آید، از وضعیتی روحانی به نام سکوت حرف می‌زنند، چه روش جالبی برای توصیف این حالت! می‌توانید بعد از پرسش ۴، یا بعد از بخش شخصی سازی، به سراغ پرسش ۱ بیایید.

**توجه:** در این بخش، به ویژه در آیه‌های ۲۱-۳۱، چند اصطلاح فنی وجود دارد. در واژه‌نامه راهنمای مطالعه، تعاریفی کوتاه ارائه شده، و توضیحات مفصل‌تر هم در زیر آمده است.

۲- یهودیان و امت‌ها، یا به تعبیر ما، انسان‌های دین‌دار و بی‌دین، از چه نظر شبیه یکدیگرند (آیه ۹)؟ همه ما «گرفتار گناه» هستیم، یعنی: عادل نیستیم (نگاه کنید به آیه ۱۰). هیچ‌کس در ارتباط با خدا و دیگران، بی‌تقصیر نیست؛ ما هم نسبت به خدا و هم دیگران، مرتکب اشتباه شده‌ایم، و از این رو مدیون آنهایم. همه آدم‌ها، چه «خوب» و چه «بد» بدون هیچ تفاوتی گرفتار گناه هستند.

### تکلیف اضافی اختیاری

از همه اعضا بخواهید «رزومه‌ای» از خودشان

• ۵۳:۶ اشاره دارد، «جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود». ما انسان‌هایی خودرأی هستیم؛ ما طالب خودمختاری هستیم یعنی انتخاب مسیرمان را حق خود می‌دانیم.

• زبان‌های ما (آیه‌های ۱۳-۱۴). سخنانی که بر زبان می‌آوریم، حاکی از تباهی درونمان هستند (تباهی درون‌مان منشأ سخنان ماست. زبان فریب می‌دهد و صدمه می‌زند) («لعنت»).

• روابط ما (آیه‌های ۱۵-۱۷). ما به جای اینکه با دیگران در صلح و آرامش بسر ببریم، «برای خون ریختن شتابان» هستیم. ما خود محوریم، دنبال این هستیم که از دیگران چیزی بگیریم، و با هر کس که سر راهمان قرار بگیرد، بجنگیم.

• نگرش‌مان نسبت به خدا (آیه ۱۸). «خداترسی» ترسی حقارت آمیز نیست؛ بلکه یک جور نگرش درونی همراه با خوف، احترام و شادمانی مهیج، نسبت به کبریایی خداست. گناه در نقطه مقابل خداترسی قرار دارد؛ اینکه با خواست خود، کنترل زندگی‌مان را دست بگیریم، جویای عظمت خودمان باشیم و از آن تجلیل کنیم، و در صد نجات خویش برآییم.

۴- آیه‌های ۱۸-۲۰ چگونه کل مبحثی را که پولس از ۱۸:۱ آغاز کرده بود، جمع بندی می‌کند؟  
- آیه ۱۸: (همان‌طور که در پرسش ۳ دیدیم) هیچ‌کس نگرش درستی در مورد خدا ندارد. در ارتباط با کاری که او برای نجات ما انجام داده هیچ‌کس حرمت او را نگاه نمی‌دارد.

- آیه ۱۹ الف: همه پاسخگو هستند. شریعت به طور یکسان به همه اطلاق می‌شود؛ چه در پی اطاعت از آن باشید و چه نه.

- آیه ۱۹ ب- ۲۰: هیچ‌کس حرفی برای دفاع

• کاملاً پیداست که عده‌ای از آدم‌ها نسبت به دیگران، گناهان کمتری مرتکب می‌شوند. پس به نظر شما انتهای آیه ۹ چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ همه ما به اندازه همدیگر گناهکار نیستیم، اما همه ما گناهکاریم، و از این رو گمراه و شکست‌خورده محسوب می‌شویم. یک مثال سودمند: سه نفر سعی می‌کنند فاصله هاوایی تا ژاپن (۴۱۰۸ مایل) را با شنا طی کنند. یکی هنوز ۱۰ یارد شنا نکرده، غرق می‌شود. دیگری یک مایل شنا می‌کند و غرق می‌شود. سومی که شناگر قابل است، پس از ۱۰ مایل شنا کردن، غرق می‌شود. عدم توانایی آنها در رسیدن به مقصد یکسان نبود؛ اما در نهایت همه غرق شدند. به همین ترتیب، همه انسان‌ها هرچند به یک اندازه گناهکار نیستند، اما به طور مساوی «گرفتار گناه» می‌باشند و همان حکم در مورد همه صادر شده است.

۳- در آیه‌های ۱۰-۱۸، پولس فهرستی بلند بالا از تأثیراتی که گناه بر ما می‌گذارد، ارایه می‌دهد. دست کم هفت مورد را نام ببرید؟

• موقعیت قضایی ما (آیه ۱۰). هیچ‌کس رابطه درستی با خدا ندارد، همه مقصر هستند (نگاه کنید به پرسش ۲).

• ذهن ما (آیه ۱۱). هیچ‌کس نیست که بفهمد، چونکه گناه افکار ما را نسبت به موضوعات روحانی، تیره و تار کرده است (نگاه کنید به ۲۱:۱-۲۳؛ افسسیان ۴:۱۸).

• انگیزه‌های ما (آیه ۱۱). هیچ‌یک از ما حقیقتاً نمی‌خواهیم خدا را پیدا کنیم، شاید به دنبال چیزهایی باشیم که فکر می‌کنیم خدا قرار است به ما بدهد، اما به دنبال خودش نیستیم. **توجه:** این بدان معناست که هیچ‌یک از ما تا زمانی که خدا، از طریق روحش ما را تجوید، او را نخواهیم طلبید.

• اراده ما (آیه ۱۲). احتمالاً کلمه «گمراه» به اشعیا

از خود ندارد. شریعت به ما اعطا نشده که به وسیله آن بتوانیم خودمان را عادل سازیم؛ شریعت طریقی است که به واسطه آن گناهکار بودن خود را درمی یابیم. شریعت یک فهرست بازبینی نیست که اقلامش را تیک بزنی؛ شریعت معیار والایی است که در اجرای آن قاصریم. واکنش درست به شناخت شریعت آن است که دربابیم در مشکل بسیار بدی گرفتار شده ایم، و "دهانمان بسته شود" (آیه ۱۹). هر که می خواهیم باشیم، در پیشگاه خدا هیچ حرفی برای دفاع از خودمان نداریم، ما با محکومیت روبرو هستیم.

۶- «عدالت خدا ظاهر شده است» (آیه ۲۱). چگونه آن را به دست می آوریم؟ «به وسیله ایمان به عیسی مسیح» (آیه ۲۲)؛ «به واسطه ایمان به وسیله خون او» (آیه ۲۵). پس ما:

- عدالت خدا را با ایمان، نه با تلاش های خودمان («بدون شریعت» آیه ۲۱؛ «زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند» آیه ۲۳) دریافت می کنیم.

- عدالت خدا را با ایمان به مسیح، نه با ایمان داشتن به مفهوم کلی اش دریافت می کنیم. هیچ کس با ایمان داشتن به مفهوم کلی کلمه، یا حتی با ایمان داشتن به خدای کتاب مقدس، نجات پیدا نخواهد کرد؛ تنها ایمان به عیسی مسیح است که باعث نجات می شود.

- عدالت خدا را با ایمان داشتن به کار مسیح بر صلیب دریافت می کنیم، نه با تحسین کلی او. بعضی ها می گویند: «من به عیسی ایمان دارم»، درحالی که منظورشان این است که به او به عنوان یک نمونه، یا یک یاری دهنده ایمان دارند. چنین ایمانی نجات بخش نیست.

- عدالت خدا را با ایمان دریافت می کنیم. این ایمان عملی نیست که ما برای نجات یافتن انجام می دهیم بلکه تنها روشی است برای دریافت آن. ما «مجانا عادل شمرده شده ایم». ایمان چیزی نیست که با انجامش، عدالت را به دست بیاوریم. «ایمان، اعتماد به کس دیگری است... یعنی به عیسی که آن کار را انجام داده است.»

۵- کاربرد: چرا آیه های ۱۸- ۲۰ هم برای مسیحیان و هم برای غیرمسیحیان، نامانوس هستند؟ برای اینکه هیچ کس دوست ندارد که به او بگویند «همه انسان ها در برابر خدا پاسخ گو هستند، و نمی توانند به تنهایی از عهدش برآیند.» این آیه ها باعث رنجش می شوند برای:

- لیبرال ها، افرادی که ایده مطلق بودن درست و غلط و داوری را رد می کنند.

- کلیسا بروها، افرادی که ایده عدم قابلیت اعمال نیک برای پذیرفته شدن و لایق شمرده شدن در پیشگاه خدا را رد می کنند.

- پیروان دیگر ادیان.

- دل های خودمان: ما شاید این حقیقت را با عقل مان بپذیریم، اما آن را در مورد کسانی که دوستشان داریم و نسبت به ما همیشه خوبی کرده اند بکار نمی بریم.

- چرا برای ایمان آوردن به انجیل، لازم است این آیه ها را خوب بفهمیم؟ اگر ندانیم که نیازمند رهایی هستیم، هرگز نجاتی را که به ما ارزانی داشته شده ارایه می شود، نخواهیم پذیرفت. انجیل را درک نخواهیم کرد؛ انجیل هیچ جنب و جوشی در ما به وجود نخواهد آورد. انجیل تنها زمانی قابل



ما را پرداخته، پس حالا می‌توانیم از داشتن رابطه‌ی درست با خدا برخوردار شویم.

چگونگی دریافت عدالت خدا جنبه‌های خاصی دارد. برای درک بهتر آنها:

### جستجوی بیشتر

هارون، کاهن اعظم اسرائیل موظف بود با بز چه کار کند (آیه‌های ۵ و ۱۵-۱۷)؟ البته او دو بز انتخاب می‌کرد (آیه ۵، یکی از آنها برای منظور دیگری بود، نگاه کنید به آیه‌های ۲۰-۲۲)؛ سپس یکی از آنها را می‌کشت و خونس را بر "کرسی رحمت" می‌پاشید (کرسی رحمت، درپوش صندوق عهد بود، جایی که خدا در میان قومش ساکن می‌شد، در مرکز خیمه)، و قدری از خون را هم روی خیمه اجتماع می‌پاشید (جایی که خدا با قومش دیدار می‌کرد و با آنها سخن می‌گفت، خروج ۲۹:۴۲-۴۳).

• پولس چه جزئیاتی را به کلمه "ایمان" می‌افزاید؟ این جزئیات اضافه، چه تعاریفی از "ایمان" را رد می‌کنند؟

• چرا بدان نیاز داریم؟ آیه ۲۳: همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.

۷- کاری را که عیسی با مرگش انجام داد، پولس چگونه توصیف می‌کند؟ این آیه‌ها درباره علت مرگ عیسی بر صلیب چه چیزهایی به ما می‌گویند؟

• آیه ۲۴: او ما را فدیة کرده، یعنی با پرداخت بهایی، ما را آزاد ساخته است. شاید بخواهید تشریح کنید که این رهایی ما را به اسرائیل عهد عتیق باز می‌گرداند. در آن جامعه کشاورزی، چندان طول نمی‌کشید که مردم مقروض می‌شدند و خود را به عنوان برده به طلبکار می‌فروختند. اما آنچه بسیار طول می‌کشید (شاید تا آخر عمر) پرداخت قرض‌شان بود. پس شریعت خدا برای این وضعیت تدبیری اندیشید که یک خویشاوند، رهاکننده، یعنی یک *go'el*، بتواند قرض برده را بپردازد و او را از بندگی برهاند، تا شاید او بتواند دوباره آزاد زندگی کند (لاویان ۲۵:۲۵). حالا پولس می‌گوید که ما هم می‌توانیم به واسطه عیسی، از همه قرض‌هایمان آزاد شویم، و دیگر اسیر مرگ و داوری نباشیم.

قربانی کردن گاو (برای هارون) و بز (برای قوم)، نماد چه چیزی بود؟ کفار، یعنی احیای رابطه میان خدا و قوم گناهکار (آیه ۱۶). بز را ذبح می‌کردند تا قومی که سزاوار مرگ بود، نمیرد، و (همان گونه که کتاب عبرانیان مفصلاً توضیح می‌دهد) این مرگ به مرگ کفارهای مسیح دلالت داشت که قرار بود در آینده انجام گیرد.

• آیه ۲۵: او «کفار» بود. واژه یونانی آن *hilastrion*، یعنی دلجویی، فرونشاندن خشم است. با تدارکی که خود خدا، یعنی عیسی، دید ... او خود را جایی ما قرار داد تا خشم خدا از ما که سزاوارش بودیم برگردد. خدا انسان‌های گناهکار را با مجازات پسر خودش، یعنی عیسی، آن یگانه انسان بی‌گناه، تنبیه می‌کند. مسیح تاوان مجازات

همه اینها در شناخت کاری که خدا «از قبل معین کرد تا کفار باشد» (رومیان ۳:۲۵)، چه کمکی به ما می‌کنند؟ عیسی قربانی‌ای بود که خدا تقدیمش کرد، نه انسان. این نقشه را خدا کشید و خودش آن را پیاده کرد. در نهایت، عیسی یگانه قربانی کفار کننده بود. همانطور که بز را به جای قوم اسرائیل قربانی می‌کردند تا (به جای مجازات شدن) رابطه‌شان با خدا ترمیم شود، عیسی هم به جای قومش مُرد تا غضب خدای پدر را فروبشاند.

۸- عیسی، پسر خدا، بر روی صلیب به جای ما مُرد، تا تاوان گناهان ما را پرداخت کند. این موضوع چطور نشان می‌دهد که خدا «عادل شود [است] و عادل شمارد [می‌شمارد]» گناهکارانی را

که به عیسی اعتماد می‌کنند (آیه ۲۶)؟ خدا عادل است، او وعده داده که پای معیارهایی که مقرر کرده، بایستد و گناه را مجازات کند، و او این کار را در صلیب انجام داد. صلیب نشان دهنده عدالت خداست، و ثابت می‌کند که او بشریت گناهکار را به جزایشان می‌رساند.

با این حال، خدا در صلیب گناهکاران را عادل هم می‌سازد، زیرا او گناهانشان را در عیسی مجازات می‌کند. از آنجایی که گناه ایشان از قبل مورد داوری قرار گرفته و کیفرش هم داده شده، پس اکنون به لحاظ حقوقی بی‌گناه محسوب می‌شوند و دیگر متحمل هیچ کیفری نخواهند بود.

صلیب جایی است که غضب و محبت خدا، هر دو ظاهر و برآورده [ارضا] شده‌اند.

۹- آیه ۲۶ در مورد عبارات زیر، چه کمکی به ما می‌کند؟

• "البته که خدا مرا خواهد بخشید. او خدای مهربان و آمرزنده‌ای است که همچون پدری که فرزندش را می‌بخشد، مرا خواهد بخشید." چنین تصویری که از رابطه ما با خدا ارایه شده، بسیار ساده لوحانه است. خدا فقط پدر قومش نیست؛ او پادشاه و داور جهان هستی نیز می‌باشد و ما هم ته دلمان می‌خواهیم که خدا بر گناه داوری نماید. خدایی که بدون داوری کردن، فقط به سادگی ببخشاید، خدایی است که نسبت به رنج بی‌تفاوت می‌باشد و به کلامش نمی‌توان اعتماد کرد. البته که ما دوست داریم از سوی خدا بخشوده شویم؛ اما همه ما خواهان خدایی هستیم که داوری هم می‌کند. برای بخشنده بودن، خدا دست از عادل بودن خود نخواهد کشید؛ و در ضمن، بخشایش او بصورت خودکار جاری نمی‌شود. آموزش الاهی با مرگ مسیح به جای ما، تحقق پیدا می‌کند. ما آموزش را به واسطه ایمان به عیسیایی که شخصا برای ما مُرد، به دست می‌آوریم.

• "بعد از این کارهایی که من انجام داده‌ام، خدا هرگز مرا نخواهد بخشید." حق دارید فکر کنید که آنچه انجام داده‌اید، شما را با داوری مواجه خواهد ساخت، و درست است که باید پیامدی در کار باشد. و خدا نمی‌تواند به سادگی شما را ببخشد و این کار را هم نمی‌کند. اما وی راهی مهیا ساخته که پیامدهای گناهان ما را در شخص پسرش بر خود گیرد. بر صلیب، خدا داوری خویش را بر خود گرفت تا من و شما دیگر با آن روبرو نشویم. دستاورد خدا بر صلیب را دست کم نگیرید! انسانی وجود ندارد که نیازمند آموزش گناهان از طریق اعتماد به آنچه که عیسی برای تاوان گناهانش کرده، نباشد؛ هیچ‌کس نیست که گناهش را خدا نتواند و یا نخواهد ببخشد، به شرطی که از عیسی بخواهد تاوان گناهانش را به حساب خود منظور نماید.

۱۰- به نظر شما، چرا عادل شمردگی به واسطه ایمان بدین معناست که دیگر جایی برای فخر کردن وجود ندارد (آیه ۲۷)؟ اول از اینکه اعضای گروه معنای "فخر کردن" را فهمیده‌اند، اطمینان حاصل نمایند. "فخر کردن" چیزی است که در مواجهه با مسائل روزمره، به شما اعتماد به نفس می‌دهد؛ یعنی همان ویژگی‌های شخصیتی، توانایی، رابطه و غیره، که ریشه در هویت شما دارند. اما اگر به ایمان عادل شمرده شده‌ایم، پس درک می‌کنیم که هیچ چیزی وجود ندارد [نه آنچه هستیم، نه آنچه داریم، و نه آنچه می‌توانیم انجام دهیم] تا رابطه‌مان را با خدا درست کند. حتی بهترین دستاوردهایمان هم نمی‌توانند ما را عادل سازند. در ما چیزی برای فخر کردن وجود ندارد. تنها چیزی که به ما عدالت خدا را می‌بخشد، کاری است که شخصی دیگر، یعنی عیسی، بر روی صلیب انجام داده. حرف پولس این است که فخر کردن به خود و ایمان داشتن به انجیل، مغایر با یکدیگرند؛ نمی‌توانید هر دو را با هم داشته باشید.

۱۱- در پرسش دوم دیدیم که یهودیان و امت‌ها در مواجهه با داوری، با هم یکسانند. یهود و



امت‌ها از چه جهات دیگری با هم مشابه هستند (آیه‌های ۲۹-۳۰)؟ از جهت نجات. خدای خدای همه جهانیان، اعم از یهود و امتهای است و او همه را، چه مختون باشند و چه نامختون، «به [همان] ایمان» عادل می‌شمارد (آیه ۳۰).



• «دین‌دار و بی‌دین» یا «خوب و بد» را جایگزین «یهود و امتهای» کنید. پولس در آیه‌های ۲۹-۳۰ روی چه نکته‌ای تأکید می‌ورزد؟ اینکه ایمان، و تنها ایمان آن وسیله‌ای است که هرکس می‌تواند به واسطه‌اش، عدالت را دریافت نماید، و این هیچ ربطی به هویت شما و پیشینه‌تان ندارد.

۱۲- کاربرد: ایمان به انجیل («فخر کردن به مسیح»)، چگونه ما را:

• فروتن می‌سازد؟ بهترین چیزی که هستیم یا بهترین کاری که می‌کنیم، اصلاً چیزی نیست که بتوان بدان فخر نمود و یا بر آن اتکا کرد، چونکه نمی‌تواند ما را عادل سازد. با وجود چکیده همه تلاش‌ها و بزرگترین دستاوردهایمان، هنوز گناهکاریم و داوری خدا پیش روی ماست.

• برای روراست بودن در مورد خودمان، به ما توانایی می‌بخشد؟ لازم نیست گناهان ما را از خودمان، دیگران و خدا مخفی کنیم؛ در صلیب به طور کامل به حسابش رسیدگی شده است. لازم نیست وانمود کنیم که آدمهای خوبی هستیم، چراکه می‌دانیم چنین نیست، و اینکه لازم هم نیست خوب باشیم. در واقع، اگر کاری را که مسیح برایمان کرده بفهمیم، مایل خواهیم بود که دیگران هم بفهمند ما گناهکاریم، اشتیاق خواهیم داشت آن را به خودمان اعتراف کنیم، و بدین طریق توجه را از خودمان برگرفته، رو به عیسی کرده و بگوییم: من گناهکارم، اما باز عیسی نجاتم داد!

• از اضطراب می‌رهاند؟ لازم نیست از آینده بترسید، زیرا خدا مراقب شماست. می‌توانید بدترین ترسهایتان را به دستان او بسپارید، چون می‌دانید که اگر او شما را در حالی که عاصی بودید، عادل شمرده، پس همچون فرزندش از شما مراقبت خواهد کرد. در رویارویی با مشکلات خواهید گفت: اگر خدا قرار بود آنچه را حقیقتاً بدان نیاز دارم به من ندهد، او هرگز برای عادل شمردن من آن همه ناملایمات را بر صلیب بر خود نمی‌گرفت.

• جلوی ترس ما را از شکست یا مرگ می‌گیرد؟ فاحش‌ترین شکست‌های ما هیچ تأثیری در وضعیت‌مان در پیشگاه خدا ندارند؛ وضعیت ما به طور کامل منوط به زندگی مطیعانه مسیح و مرگ اوست؛ مرگی که گناه را بر خود گرفت. اگر شکست در زندگی ما باعث می‌شود که دیگران از ما روی گردان شوند، در مورد خدا اینطور نیست؛ ما هنوز محبوب آن یگانه شخصی هستیم که در کل جهان هستی و تا به ابد، تنها نظر او درباره ما اهمیت دارد و بس. و لازم نیست از مرگ هراسی به دل راه دهیم، چونکه می‌دانیم در ورای مرگ، همان خدایی که اکنون رابطه‌مان با وی درست شده، به پیشوايمان خواهد آمد. دیگر لازم نیست از داوری بترسیم، زیرا عدالت مسیح از آن ما شده است.

## آنچه که ابراهیم و داوود کشف کردند

### ایده اصلی

• شریعت بعد از ابراهیم داده شد. بنابراین، اطاعت از شریعت موسی نیز نمی‌تواند شرط عادل شمرده شدن باشد (آیه‌های ۱۳-۱۷)

نمونه ابراهیم به ما نشان می‌دهد که ایمان راستین، یعنی اعتماد کردن به وعده‌های خدا؛ و اینکه خدا آنانی را که ایمان راستین دارند عادل می‌شمارد [یعنی در رابطه‌ی درستی با خدا هستند].

• زندگی ابراهیم به ما نشان می‌دهد ایمانی که متضمن عادل شمرده‌گی می‌باشد، ایمانی است که به رغم ظواهر امر یا ضعف‌ها، به وعده‌های خدا باور دارد (آیه‌های ۱۸-۲۲).

### خلاصه

• امروز ایمان نجات‌بخش به معنای باور داشتن به این وعده خداست که مرگ و رستاخیز مسیح ما را عادل می‌گرداند (آیه‌های ۲۳-۲۵).

پولس بعد از بیان موضوع انجیل، یعنی اینکه خدا به واسطه صلیب عادل است و عادل می‌شمارد همه‌ی آنانی را که به خون مسیح ایمان دارند، به سراغ دو «شاهد» از عهد عتیق می‌رود؛ ابراهیم و داوود.

### تکلیف اضافی اختیاری

از همه اعضا بخواهید در مورد نسب‌نامه خود (درخت خانوادگی‌شان) فکر کنند. به هر یک از نیاکانشان که نکته جالب و برجسته‌ای داشته، بپندیشند، به ویژه به آنهایی که مایه افتخار خانواده بوده‌اند. همچنین به افرادی از اعضای کنونی خانواده‌شان که به گمان آنها خصوصیات مشترکی با آنها دارند، یا دوست دارند مثل آنها باشند، فکر کنند. بعد با توضیح اینکه خانواده و قوم و به ویژه شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابراهیم و داوود تا چه اندازه برای ملت یهود اهمیت داشت، قضیه را به موضوع جلسه ربط بدهید. این دو مرد از احترام بسیاری برخوردار بودند و یهودیان به شدت به آنان می‌بالیدند؛ گفتار، کردار و باورهای این دو [برای قوم یهود] اهمیت بسیار داشت.

این یکی از شاهکارهای پولس است. ابراهیم پدر ملت یهود است، و یهودیان آن زمان وی را نمونه عالی فرمانبرداری «و از این رو فردی عادل» می‌دانستند. اما پولس می‌گوید که در واقع، ابراهیم «دریافت» که ایمانش به وعده‌های خدا بود که برای وی عدالت محسوب گردید و این را کلام خدا ثابت می‌کند؛ پیدایش ۱۵:۶، یعنی همان جایی که پولس در رومیان ۳:۴ نقل قول می‌کند. ابراهیم نمونه‌ای بی‌نظیر از ایمان نجات‌بخش است.

داوود، بزرگترین پادشاه اسرائیل هم چنین است. پولس از یکی از مزامیر داوود نقل قول می‌کند تا نشان دهد که برکت، از اعتراف به گناه و آمرزیده شدن سرچشمه می‌گیرد. سپس پولس به موضوع زندگی ابراهیم بازگشته، خاطر نشان می‌سازد که:

• ابراهیم زمانی عادل به شمار آمد که هنوز ختنه نشده بود، پس ختنه را نمی‌توان شرط عادل شمرده‌گی دانست (آیه‌های ۹-۱۲).

### راهنمایی برای پرسش‌ها

۱- ایمان چیست؟ و ایمان به چه دردی می‌خورد؟

پرشش اول درباره تعریف ایمان است؛ و دومی درباره پیامدهای داشتن ایمان نجات‌بخش؛ این بررسی با همین پرشش (پرشش ۱۱) پایان می‌پذیرد، برای گروه فرصتی است تا آموخته‌ها یا چیزهایی که برایشان یادآوری شده را مورد ملاحظه مجدد قرار دهند.

۲- پولس برگشته، به مورد ابراهیم، نیای بزرگ همه یهودیان نگاهی می‌اندازد. ابراهیم در مورد عادل شمردگی به چه “کشفی” رسیده بود (آیه‌های ۱-۵)؟

• آیه ۳: عادل شمردگی (عادل شدن - دو واژه‌ای که از واژه اصلی یونانی ترجمه شده‌اند) چیزی است که خدا به کسانی که بدو ایمان دارند، می‌دهد.

• آیه ۴: عادل شمردگی ثمره اعمال نیست. دستمزد و یا پاداش نیست، چون به حساب گذارده می‌شود؛ یعنی یک هدیه است.

• آیه ۵: فرد نجات یافته کاری انجام نمی‌دهد [به اعمال توکل نمی‌کند]. وی دیگر به اطاعت، به عنوان راهی برای نجات پیدا کردن، متوسل نمی‌شود. در عوض، توکل او به خدایی است که شیرین را عادل می‌شمارد، و باور او بر این است که خدا برای نجات بخشیدن راهی دارد که به تلاش‌های ما هیچ ارتباطی پیدا نمی‌کند.

**توجه:** استدلال پولس در آیه‌های ۲-۳ این است: اگر ایمان ابراهیم تنها به اطاعت (یعنی اعمالش) متکی بود، او حتما چیزی داشت که بدان مغرور باشد، و به آن ببالد. اما وقتی از خود می‌پرسیم که چه‌ها می‌توانیم به خدا تقدیم نماییم، می‌بینیم که چیزی نداریم که در حضور خدا بدان فخر کنیم (انتهای آیه ۲). نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که ایده ایمان = اطاعت [برابر بودن ایمان و اطاعت] باید غلط باشد. و کلام خدا هم استدلال پولس را اثبات می‌کند (آیه ۳): تنها کاری

که ابراهیم کرد این بود که “به خدا ایمان آورد”.

• پیدایش ۱:۱۵-۶ را بخوانید. این آیه‌ها در درک مفهوم ایمان، چه کمکی به ما می‌کنند؟ ابرام فرزندی ندارد (آیه‌های ۲-۳). از این گذشته، زنش سارای هم نازاست (۲۹:۱۱-۳۰). اما خدا وعده می‌دهد که وی صاحب یک پسر (۴:۱۵)؛ و ذریتی بی‌شمار (آیه ۵) خواهد شد. این وعده‌ای است که تحققش به لحاظ انسانی ناممکن است، اما ابراهیم به آن “ایمان آورد”. ایمان یعنی اعتماد کردن به وعده‌های خدا، حتی زمانی که ناممکن به نظر می‌رسند؛ ایمان یعنی امید بستن به خدا برای انجام کارهایی که می‌دانیم بدون او، هیچ امیدی به انجامشان نیست (پرشش‌های ۷ و ۱۰ به همین موضوع برمی‌گردند).

۳- سپس پولس نگاهی به داوود، بزرگترین پادشاه اسرائیل، می‌اندازد. داوود در مورد آموزش چه چیزی را کشف کرده بود (آیه‌های ۶-۸)؟ همان چیزی را که ابراهیم کشف کرده بود (آیه ۶). خوشبختانه کسانی که خطایابی‌شان (گناهانی که آگاهانه مرتکب شده‌اند) آمرزیده شده و گناهان‌شان “مستور” گردیده (آیه ۷). این برای کسی مقدور است که خدا گنااهش را به حسایش منظور نرفته باشد [به ضد او نشمارد] (آیه ۸). پس ایمان نجات‌بخش یعنی اعتماد کردن به خدایی که دو کار می‌کند: هم گناه را به حساب ما منظور نمی‌کند، و هم عدالت خودش را به حساب ما می‌گذارد.



• با توجه به شناختی که از زندگی داوود دارید، چرا دانستن اینکه آموزش از طریق ایمان “و نه اعمال” صورت می‌پذیرد، تا این حد برای وی ارزشمند بود؟ دوم سموئیل ۱۱: داوود (در عین حال که پادشاه بزرگ و خداترس اسرائیل بود)، زناکاری بود که برای قتل مردی شریف دسیسه چینی کرد. تنها عدالتی که وی می‌توانست داشته باشد، عدالتی بود که “بدون اعمال” باشد (رومیان ۴:۶).

## جستجوی بیشتر

چنین فردی که با ایمان عادل محسوب شده [در مزمور ۳۲]، چه می‌کند (آیه‌های ۵ و ۸ و ۱۱)؟

به تلاش‌های خودمان (یا هر چیز دیگر) دست می‌کشیم و تنها به خدا به عنوان نجات‌دهنده‌مان، امید می‌بندیم و می‌دانیم که وی عدالت خودش را به آنانی می‌دهد که از این طریق به وی اعتماد می‌کنند.

۵- کاربرد: ایمان نجات‌بخش با تصویری که خیلی از کلیساوارها یا آدم‌های مذهبی از مفهوم ایمان دارند، چه تفاوتی دارد؟

• آیه ۵: به جای پوشاندن (مخفی کردن، توجیه کردن، جبران کردن) گناهش، بدان اعتراف می‌کند. دانستن اینکه با ایمان عادل شمرده می‌شویم، این توانایی را به ما می‌بخشد که در مورد گناهانمان روراست و صادق باشیم.

• آیه ۸: تعلیمی است درباره خدا، درباره آموزش، و درباره زندگی کردن در قبال آموزش الهی.

• ایمان، اعتقاد داشتن به خدا نیست. شما می‌توانید به وجود خدا، به مهربان بودنش، و به قدوسیتش اعتقاد بسیار راسخ داشته باشید. می‌توانید باور داشته باشید که کتاب مقدس کلام مقدس خداست. می‌توانید برای خدا حرمت زیادی قابل شوید. و با این همه، می‌توانید کسی باشید که با اعتماد کردن به اعمال و فرایض مذهبی، و رعایت موازین اخلاقی در شخصیت، در حرفه و در تربیت فرزندان و غیره، تلاش بر این دارد تا نجات‌دهنده و عادل کننده خودش باشد.

• آیه ۱۱: در خداوند شادی می‌کند. آیه‌های ۱-۲ و ۷ را طوری بازنویسی کنید که انگار داوود معتقد بوده که با اعمال می‌تواند عادل شمرده شود، نه با ایمان. به عنوان مثال: "خوشایحال کسی که اعمال نیکش از خطایایش سنگین‌تر است، و گناهان خویش را جبران کرده است. خوشایحال کسی که خویش را مقبول خدا ساخته و در روح او حيله‌ای نمی‌باشد. من ملجای خودم هستم؛ من خودم را از تنگی حفظ خواهم کرد و خودم را نجات خواهم داد. و به‌جا است که بگویم، همه اینها را با اطاعت به دست آورده‌ام."

• ایمان، درک عقلانی این موضوع که "خدا نجات‌دهنده می‌باشد"، نیست. بحث اعتماد در میان است. من شاید بدانم که پلی تحمل وزن مرا خواهد داشت، اما تا زمانی که به پل اعتماد نکرده، پا رویش نگذارم، نمی‌توانم از آن عبور کنم.

۴- کاربرد: از آیه ۵ برای توضیح اینکه ایمان نجات‌بخش چه نیست و چه هست، چگونه استفاده می‌کنید؟ ایمان نجات‌بخش، به خودی خود، اطاعت کردن نیست. شما نمی‌توانید هم اعتماد کنید و هم عمل. ایمان نجات‌بخش، به تنهایی عدالت محسوب نمی‌شود. ایمان، عملی نیست که عدالت را تحصیل نماید؛ ایمان یک نگرش است که هدیه عادل شمردگی را دریافت می‌کند. ایمان نجات‌بخش، فروتن است؛ بر این اذعان دارد که ما در پیشگاه خدا، انسان‌هایی "شریر" هستیم و برای عادل شمرده شدن، محتاج خداییم، زیرا از عادل ساختن خود قاصریم. ایمان نجات‌بخش امیدوار است؛ یک‌چور انتقال اعتماد است، یعنی جایی است که ما از امید بستن

• ایمان به خودی خود نمی‌تواند ما را نجات دهد؛ این هدف ایمان (یعنی خدا) است که ما را نجات می‌بخشد. اعتمادمان به خدا، ما را لایق رفتن به آسمان نمی‌سازد؛ اعتماد، عملی نیست که برای ما عدالت کسب کند. برعکس، این خداست که با سخاوتمندی به ایمان، اعتبار عادل شمردگی را می‌بخشد. اگر برای نجات‌مان به ایمان خود تکیه کنیم، وقتی ایمان و اطمینان‌مان سست شود، دچار اضطراب می‌شویم.

**توجه:** بخش شخصی سازی پس از پرسش ۵ روی این ایده کار می‌کند که به راستی ما برای

نجات‌مان به چه چیزی اعتماد داریم.

(آیه ۱۸)؛ وی «به بدن خود که در آن وقت مُرده بود» (آیه ۱۹) نگاه کرد و دید که هیچ امیدوی نیست؛ اما به خدا چشم دوخت و ایمان آورد. ایمان نه خوش‌بینی نسبت به زندگی است و نه باور به توانایی‌های فردی؛ ایمان یعنی اعتماد کردن به خدا، به رغم همه ضعف‌ها یا برداشته‌هایمان.

• آیه ۲۰: در حالی که منتظر تحقق وعده‌های خدا هستید، او را جلال بدهید. ابراهیم با زندگی کردن توأم با اعتماد به خدا، حتی زمانی که هنوز وعده خدا مبنی بر بخشیدن فرزندی به او تحقق نیافته بود، «خدا را تمجید نمود».

• آیه ۲۱: روی حقایق مربوط به خدا تمرکز نمایید. ابراهیم یقین داشت که خدا «... قادر است». ایمان داشتن به معنای فکر نکردن نیست؛ ایمان، فکر کردن درباره واقعیت در چارچوب هویت خداست، نه واکنش صرف نشان دادن به شرایط. ابراهیم می‌دانست که خدا قادر است (او همه چیز را آفریده بود، و همین مورد قدرت الهی خدا را به ما نشان می‌دهد، رومیان ۱:۲۰). پس وی با تمرکز بر واقعیتی که در مورد خدا می‌دانست، ایمان آورد که هرچند خودش و ساره پیرتر از آنند که بچه‌دار شوند، اما قدرت خدا برای تحقق این وعده کفایت می‌کند.

• زندگی ابراهیم چطور نشان می‌دهد که وی به حقیقت انتهایی آیه ۱۷ واقف بوده است؟ خدا به مردگان زندگانی می‌بخشد «و ابراهیم اطمینان داشت که خدا دقیقاً این کار را می‌کند، و از زهدان نازای ساره نوزادی زنده به وجود خواهد آورد. او به ابراهیم گفت که هرچند هنوز پدر هیچ کس نیست، اما پدر امت‌های بسیار خواهد بود» و ابراهیم به توانایی خدا در اینکه «ناموجودات را به وجود می‌خواند» اعتماد کرد. اگر وقت دارید، پیدایش ۱۲:۱-۷ و خروج ۱:۱-۷ را بخوانید، آنجایی که شاهد تحقق یافتن این وعده‌ها هستیم.

۸- امروز، ایمان نجات‌بخش برای شما چه مفهومی دارد (آیه‌های ۲۳-۲۵)؟ ایمان ما هم باید

۶- چرا ترتیب تاریخی رویدادهای مزبور [اینکه اول ابراهیم عادل شمرده و بعد ختنه می‌شود]، برای عادل شدن ما اهمیت دارد [آیه‌های ۹-۱۵]؟ اگر خدا پیش از آنکه ایمان ابراهیم را به حساب عدالتش بگذارد، به او فرمان می‌داد که خودش را ختنه کند، یا به قومش شریعت را اعطا می‌کرد، آنوقت می‌شد چنین تعبیر کرد که ایمان = اعتماد + ختنه، یا ایمان = اطاعت از کلام خدا. اما ابراهیم پیش از ختنه، و البته پیش از اعطای رسمی شریعت به موسی، نجات یافت. او به واسطه اعتمادش به وعده‌های خدا نجات پیدا کرد. این نکته برای یهودیان (یعنی کسانی که باید به وعده‌های خدا متکی باشند) و امت‌ها حایز اهمیت است. امت‌ها، یهودی نیستند، ایشان نامختون هستند و لزوماً از شریعت تعلیم نیافته‌اند، اما به همان روش نجات می‌یابند: از طریق ایمان نجات‌بخش.

• نتیجه گیری پولس چیست (آیه‌های ۱۶-۱۷ الف)؟ روش نجات یافتن سایر آدمیان دقیقاً به مانند ابراهیم است، زیرا وعده (یعنی بهره‌مند شدن از برکتی که خدا وعده‌اش را به ما داده) «از ایمان» حاصل می‌شود. ابراهیم نه تنها «پدر» اسرائیل (= یهودیان)، بلکه پدر «امت‌های بسیار» است؛ یعنی پدر هر کس که ایمان ابراهیم را داشته باشد و این هیچ ربطی به قومیت و تبار کسی ندارد.

۷- در آیه‌های ۱۸-۲۲، در مورد ایمان آوردن به خدا (یعنی ایمان نجات‌بخش داشتن) چه چیزی یاد می‌گیریم؟ «ایمان آوردن به خدا» یعنی چشم دوختن به چیزی که خدا گفته و اجازه دادن به تحقق آن گفته در وجود ما. این آیه‌ها به ما نشان می‌دهند که چطور باید این کار را انجام دهیم:

• آیه‌های ۱۸-۱۹: در پی احساسات یا ظواهر نباشید. ابراهیم «در ناامیدی به امید ایمان آورد»

از "جنس" ایمان ابراهیم باشد (آیه‌های ۲۳-۲۴ الف)؛ ولی ما به وعده‌های خدا در عیسی، ایمان داریم. هدف ایمان ما عیسی، پسر خدا و ذریت ابراهیم است؛ ما ایمان داریم که او مرد و برخاست و از این رو عادل شمرده می‌شویم. ایمان ابراهیم گونه یعنی اعتماد کامل به عیسی، برای نجات.



• انجیل چگونه به ما نشان می‌دهد که انتهای آیه ۱۷ صحت دارد؟

رستاخیز، تکان دهنده‌ترین نمونه از این واقعیت است که "خدا به مردگان حیات می‌بخشد". غایت مصداق این حقیقت که وی «ناموجودات را به وجود می‌خواند» در این است که او الآن، ما را که همچنان در گناه غوطه‌ور هستیم، فرامی‌خواند و با ما همچون کسانی که عادل هستند رفتار می‌کند، و وعده طهارت کامل به ما می‌دهد. می‌توانید افسسیان ۱:۲-۷ را بخوانید؛ آنجایی که پولس توصیف می‌کند که چطور خدا مایانی را که مرده بودیم، زنده می‌کند.

۹- کاربرد: عادل شدن محض ایمان، چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟ برای هر کدام، به تغییراتی که امروز در زندگی ما به وجود آمده فکر کنید.

• آیه‌های ۲-۳: ما دیگر به خودمان فخر نمی‌کنیم. عدالت ما به حساب‌مان گذاشته شده، و آن را به دست نیاورده‌ایم؛ دانستن این واقعیت بدان معناست که خدا را تمجید می‌کنیم (نگاه کنید به آیه ۲) و در مورد خودمان فروتنی به خرج داده، به مسیح امید می‌بندیم.

• آیه‌های ۶-۸: نمی‌هراسیم. می‌دانیم که گناهکاریم، اما در عین حال می‌دانیم که گناهان‌مان مستور گردیده‌اند. اکنون آزادیم تا به جای تلاش برای پوشاندن گناهان‌مان، در مورد آنها روراست باشیم، زیرا می‌دانیم که خدا آنها را برایمان می‌پوشاند. پس ما هم شادمانه سپاسگزاریم.

• آیه ۱۶: از داشتن اطمینان [به نجات] برخورداریم. وعده وراثت زمین (یعنی لذت بردن از زندگی جاودانی در جهانی نوشده، شاید لازم باشد در این باره قدری توضیح بدهید)، وعده فیض است و ضامن این وعده، قدرت خدا در وفا کردن به عهدش می‌باشد، نه عملکرد ما در حفظ قوانین شریعت، پس وقتی گناه می‌کنیم، لازم نیست از آینده‌مان بترسیم.

• آیه ۱۸: وقتی هیچ امیدی نیست، امید داریم. می‌توانیم با فقدان، نومیدی و اندوه مواجه شویم، بدون اینکه احساس کنیم همه امیدهای‌مان بر باد رفته‌اند، زیرا زندگی ما منوط به وعده‌های خداست.

۱۰- کاربرد: از زندگی خودتان یا دوستان مسیحی‌تان، نمونه‌هایی را با گروه در میان بگذارید که در آنها، ایمان داشتن به نتایج زیر انجامیده است:

• امیدوار شدن در موقعیتی ناامید کننده.  
• انجام کاری دشوار، در فرمانبرداری از خدا.

به اعضای گروه دو سه دقیقه وقت بدهید تا نمونه‌هایی را که در ذهن دارند، بنویسند و بعد از آنها بخواهید آنها را با بقیه در میان بگذارند. حتماً از ایشان بخواهید که داستان‌ها را به صورت اجمالی تعریف کنند!

۱۱- کاربرد: ایمان چیست، و ایمان به چه دردی می‌خورد؟ این پرسش ما را به پرسش ۱ باز می‌گرداند. قبلاً دیدیم که ایمان راستین و نجات‌بخش، یعنی اعتماد مطلق به وعده خدا که او از طریق مرگ و رستاخیز عیسی، گناهان قوم خود را آموخته، آنان را برکت داده و عادل شمرده است. وقتی چنین ایمانی را به خدا ابراز می‌کنیم، او آن را به حساب عدالت ما می‌گذارد؛ یعنی ثمره ایمان این است که خدا به ما عطا می‌کند تا در رابطه‌ی درستی با او قرار بگیریم، هر چند که سزاوارش نیستیم.

## بهره‌مندی از عادل شمردگی

## ایده اصلی

می‌شود، یعنی زمانی که یک انسان به نفع و به نمایندگی از گروه بی‌شماری وارد عمل می‌شود. همه ما به لحاظ انسانی از آدم متولد شده‌ایم، و از آنجایی که او گناه کرد، ما هم گناه کردیم، و از آنجایی که گناه [آدم] به موت منجر می‌شود، ما هم می‌میریم (آیه‌های ۱۲-۱۴). اما بعد، پولس می‌گوید که درست همانطور که وضعیت آدم در مورد ما هم صادق می‌باشد، اگر به مسیح ایمان بیاوریم، آنچه در مسیح هم مصداق دارد در مورد ما صادق خواهد بود.

عادل شمردگی محض ایمان، ما را با خدا آشتی می‌دهد، دسترسی‌یمان را به او تأمین می‌کند، به ما اطمینان می‌بخشد که با وی خواهیم زیست، و در مصیبت‌ها هم شادمان خواهیم بود. متضمن این عادل شمردگی، عیسی است که نماینده ما می‌باشد.

## خلاصه

**توجه:** این قسمت قدری طولانی، و گهگاه پیچیده است. قرار نیست وارد عمق تک آیه‌ها شویم، و وقت کافی هم برای بیرون کشیدن همه تعلیم پولس از این آیه‌ها نداریم.

پس ما به واسطه عیسی می‌توانیم عادل شمرده شویم، در رابطهٔ درست با خدا قرار بگیریم و از حیات جاودانی برخوردار گردیم (آیه‌های ۱۸-۱۹ و ۲۱)- همه مزایایی که پولس در آیه‌های ۱-۱۱ برمی‌شمارد، چیزهایی هستند که مسیح به دست آورده و از آنها بهره‌مند است، و اگر او نماینده ما باشد، ما هم می‌توانیم از همه آن مزایا برخوردار شویم.

در آیه‌های ۱-۱۱، پولس فهرستی از برخی مزایای عادل شمردگی ارائه می‌کند. مصالحه با خدا؛ دوستی با خدا؛ و قطعیت این واقعیت که روزی در حضور خدا خواهیم بود. اما عادل شمردگی روش رنج کشیدن ما را هم عوض می‌کند: ما در مصیبت‌ها شادی می‌کنیم، چونکه رنج آغازگر زنجیره‌ای از واکنش‌هاست که به امیدی بزرگتر منتهی می‌شود، مزایای عادل شمردگی نه تنها با رنج کشیدن تقلیل نمی‌یابد، بلکه به واسطهٔ آن بیشتر هم می‌شود.

## تکلیف اضافی اختیاری

به همه اعضای گروه فهرستی از سناریوهایی که آنان را با مشکل یا چالش روبرو می‌کنند، بدهید (مثلاً: ماشین‌تان پنجر شده؛ دارید برای ۲۵ نفر غذا می‌پزید؛ باید برای امتحان ریاضی تمرین کنید؛ نمی‌توانید قسمتی از کتاب لاویان را بفهمید؛ برای گل‌کاری احتیاج به کمک دارید؛ لازم است با همسایه‌ای که نرده خانه‌اش را خراب کرده‌اید، آشتی کنید). برای هر سناریو، از اعضای گروه بخواهید بگویند که آیا ترجیح می‌دهند کس دیگری به نمایندگی از طرف‌شان مسئولیت کار را بر عهده بگیرد، و برای انجامش چه کسی را

آیه ۱۲ با «لهمذا [یا "پس"]» آغاز می‌شود. چیزی که آیه‌های ۱-۱۱ را به آیه‌های ۱۲-۲۱ پیوند می‌دهد، این پرسش است: چگونه اعمال یک انسان، هر چقدر که شریف و نیکو باشد، می‌تواند این چنین تأثیر دگرگون‌کننده‌ای بر این همه انسان‌ها داشته باشد؟ پاسخ پولس این است که خدا از طریق "نمایندگی" با بشریت طرف

• امید جلال خدا (آیه ۲). امید = انتظار قطعی (برخلاف کاربرد متداول ما از اصطلاح "امید"، مثلا: "من امیدوارم که فردا هوا آفتابی باشد") عادل شمردگی یعنی ما با اطمینان می‌دانیم که با خدا خواهیم بود و در جلال وی سهیم گشته، از حضورش بهره‌مند خواهیم شد.

۳- پولس در مورد اینکه عادل شمرده بودن، در مواقع درد و رنج، چه تفاوتی ایجاد می‌کند، چه می‌گوید (آیه‌های ۳-۴ و ۱۱)؟ «در مصیبت‌ها هم فخر می‌کنیم» (آیه ۳)؛ «در خدا هم فخر می‌کنیم به وسیله خداوند ما عیسای مسیح» (آیه ۱۱). زمانی که متحمل رنج می‌شویم، هنوز شادمانیم، زیرا «می‌دانیم» که برای کسی که محض ایمان عادل شمرده شده، رنج موارد زیر را به بار می‌آورد:

• صبر: یعنی ثبات قدم. رنج یا مصیبت به ما کمک می‌کند روی آنچه که به راستی اهمیت دارد تمرکز کنیم، و به ما یادآوری می‌کند که چه چیزی پایدار است و چه چیزی نیست، و یاری‌مان می‌دهد تا اولویت‌هایمان را از نو مرتب کنیم.

• امتحان: یعنی شخصیت آبدیده شده. این شخصیت آبدیده، کیفیت اعتماد به نفسی است که از تجربه ناشی می‌شود. اگر رنج باعث شود که روی خدا و چیزهای ابدی متمرکز شوید، پس به هنگامی که درون رنج و مصیبت‌ها هستید، آنها به اعتماد به نفس بیشتر شما منجر خواهند شد.

• رشد در امید: اطمینانی مستحکم‌تر از آشتی، دسترسی به خدا و آینده پرچال.

• به نظر شما، چرا عادل شمردگی این فرق را ایجاد می‌کند؟ زیرا اگر عادل شمرده شده‌ایم، می‌دانیم که خدا ما را دوست دارد، با او در مصالحه بسر می‌بریم، و اینکه در حضور او جلال خواهیم یافت. عادل شمردگی یعنی اینکه ما خدا را داریم، و از داشتن این رابطه شادمانیم (آیه ۱۱). این یعنی آنکه شادی مسیحی به شرایط و اوضاع

از میان گروه (یا اعضای کلیسا) انتخاب می‌کنند. این تمرین، آنها را با مقوله نمایندگی کسی که (امیدواریم) کار را بهتر از خودمان انجام دهد، آشنا می‌کند. از آنها بپرسید: اگر شخص انتخاب شده کار محول شده را به نحو احسن انجام دهد، برای ما چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر ثابت شود که وی کار را بهتر از خود ما انجام نداده (یا حتی بدتر انجام داده)، چه خواهد شد؟ می‌توانید زمانی که به پرسش ۸ یا ۱۱ رسیدید، این فعالیت را انجام دهید.

## راهنمایی برای پرسش‌ها

۱- چرا عادل شمردگی محض ایمان، خوب است؟ این برای شما فرصتی است تا مطمئن شوید که اعضای گروه‌تان مفهوم عادل شمردگی و ایمان را (بر پایه بررسی‌های دو جلسه پیش) فهمیده‌اند، و نیز مجالتی است برای بحث کردن در مورد مزایای عادل شمردگی. شاید بخواهید بپرسید: مزایای کنونی عادل شمردگی کدام‌ها هستند؟ (یعنی مزایایی که فراتر از داشتن حیات ابدی، پس از مرگ می‌باشند.)

۲- در آیه‌های ۱-۲، پولس کدام مزایای عادل شمردگی را فهرست‌وار بیان می‌کند؟

• مصالحه [آشتی] با خدا (آیه ۱). وضعیت دشمنی میان خدا و ما به پایان رسیده است. این موضوعی عینی است و به احساسات ما بستگی ندارد.

• دسترسی به فیضی که در آن پایداریم (آیه ۲). به ما وضعیتی مطلوب داده می‌شود تا به واسطه آن وضعیت رابطه شخصی‌مان را با خدا بهبود ببخشیم. می‌توانیم درخواست‌ها، مشکلات و ناکامی‌هایمان را به حضور او ببریم، و او هم می‌شنود و درکمان می‌کند.



• این مورد از چه نظر فراتر از آشتی با خداست؟ آشتی صرفا پایان یافتن دشمنی است. اما اینجا صحبت از دوستی است.



بستگی ندارد، و حتی در اوقات دشوارتر هم مداوم می‌باید. اگر در کارمان، یا روابطمان، یا اموالمان به دنبال شادمانی غایی می‌گردیم، وقتی آنها را از دست بدهیم، شادیمان هم رنگ خواهد باخت؛ یا سرخورده و یا منزوی خواهیم شد و تصور خواهیم کرد که دیگر شاد بودن برایمان محال است. ولی اگر عادل شمرده شده‌ایم، شادمانی غایی ما در شناخت خدا خلاصه خواهد شد و این حقیقتی است که هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند. ممکن نیست آن را از دست بدهیم.

۴- از طریق کدام دو راه می‌توانیم بفهمیم که خدا ما را دوست دارد (آیه‌های ۵-۸)؟

• اول، آیه ۵: زیرا محبت او را تجربه می‌کنیم. خدا از طریق روح‌القدس "محبتش را در دل‌های ما ریخته است". پس هر فرد مسیحی تجربه‌ای درونی و عینی از محبت خدا دارد. این تجربه می‌تواند تجربه‌ای قوی یا ملایم باشد (که دومی شایع‌تر است).

• دوم، آیه‌های ۶-۸: به خاطر مرگ عیسی. نکته مورد اشاره پولس در اینجا، آن است که هرچند فردی مهربان حاضر باشد جانش را فدای دیگری کند، اما هیچ انسانی نیست که بخواهد جانش را در راه فردی شورو قربانی سازد؛ ولی این کاری است که عیسی مسیح انجام داد. زمانی که ما هنوز عاصی بودیم و در برابرش مقاومت می‌کردیم، او به خاطر ما مرد. این دلیلی عینی برای اثبات محبت خدا نسبت به ماست. درحالی که گناهکار بودید، خدا پسرش را فرستاد تا جانش را برای ما فدا کند؛ از این رو، چه احساس کنید و چه نکنید، خدا دوستتان دارد.

۵- کاربرد: چه فرقی داشت، اگر آیه ۳ می‌گفت:

• به خاطر مصیبت‌هایمان فخر می‌کنیم؟ این خودآزاری (= ماروخیسم، یعنی لذت بردن از رنج و درد) است. لذت بردن از رنج و مصیبت امری

محمول می‌باشد. بعضی‌ها برای مقابله با احساس گناهشان، مجازات کشیدن را الزامی می‌بینند؛ عده‌ای دیگر هم رنج کشیدن را به این دلیل دوست دارند که فکر می‌کنند رنج آنان را نسبت به کسانی که زندگی راحت‌تری دارند، در موقعیت برتری قرار می‌دهد.

• فراتر از مصیبت‌هایمان فخر می‌کنیم؟ این رواقی‌گری (stoicism = دندان روی جگر گذاشتن و تحمل کردن، به امید فرارسیدن روزهای بهتر، و خوشحال شدن از آن) است. البته مسیحیان می‌دانند که روزی زندگی‌ای را تجربه خواهند کرد که در آن از درد و رنج خبری نیست؛ اما ایشان در حین رنج کشیدن هم می‌توانند شادمان باشند، زیرا خوشی آنان ناشی از شناخت خداست.

• به رغم مصیبت‌هایمان فخر می‌کنیم؟ ما به رغم مصیبت‌هایمان، شادمانیم؛ اما آیه ۳ به ما تعلیم می‌دهد که می‌توان پا را فراتر از این هم گذاشت. هیچ لزومی ندارد رنجمان را نادیده گرفته، بگوییم: من از رنج بیزارم، اما دست کم خدا را دارم. آیه ۳ می‌گوید که در هر رنج، هدفی نهفته است؛ رنج ثابت قدم، شخصیتی آزموده و امیدی بزرگ‌تر به بار می‌آورد. پس مسیحیان در مصیبت‌ها شادمان هستند

۶- کاربرد: رنج و مصیبت چگونه نشان می‌دهند که امیدها و رویاهای ما واقعا بر چه شالوده‌ای استوارند؟ اگر رنج، شادی را از ما بگیرد، معلوم می‌شود که شادی ما منوط به چیزی است که آن را از دست داده‌ایم. اگر مصیبت باعث شود که احساس نومیدی کنیم، پس ما به چیزی امید بسته‌ایم که اکنون از دستش داده‌ایم یا داریم برای حفظ کردنش دست و پا می‌زنیم. برای مثال، اگر سلامت‌مان، یا بینایی‌مان را از دست بدهیم، و این امر ما را بیش از اندازه غمگین یا خشمگین سازد، پس در واقع خوشی ما منوط به بینایی یا سلامت جسمانی‌مان بوده، نه شناخت خدا. یا اگر برای

مدتی طولانی بی‌کار هستیم، و احساس می‌کنیم که دیگر زندگی ارزشی ندارد، پس معلوم است که امید ما به کارمان بوده است. اما وقتی دوره سختی از راه می‌رسد، اگر با تمرکز بر شناختی که هم اکنون از خدا داریم، و با پیش رفتن به سوی آینده‌ای که با او خواهیم داشت، امید ما رشد کند و بر شادیمان افزوده شود، ثابت می‌شود که حقیقتاً کسانی هستیم که «در خدا فخر می‌کنیم، به وسیله خداوند ما عیسی مسیح» (آیه ۱۱).

۷- کاربرد: هنگامی که متحمل رنج می‌شویم، باید چه چیزی را به خاطر داشته باشیم، و به دیگر مسیحیانی که گرفتار مصیبت هستند، چه چیزی را باید یادآوری نماییم؟ اینکه اگر درکی شفاف از این حقیقت داشته باشیم که تنها محض فیض عادل شمرده شده‌ایم، رنج‌هایمان به تمرکز بیشتر روی آنچه که در مسیح داریم منجر خواهند شد، شخصیت‌مان قوی خواهد شد و خواهیم توانست امیدمان را با وضوح بیشتری بشناسیم. رنج یک فاجعه نیست و نمی‌تواند چیزی را که بیش از همه بدان نیاز داریم، از میان بردارد، و چیزی نیست که از سر لجاجت و با خشم بتوان از آن عبور کرد. رنج چیزی است که می‌توانیم در آن شادی کنیم.

**توجه:** شاید بهتر باشد بخش شخصی‌سازی پس از پرسش ۷ را در خلال جلسه بخوانید و سپس در خانه و بعد از اتمام این مطالعه، رویش تعمق نمایید.

۸- گناه و مرگ چگونه وارد جهان شد، و بر چه کسانی تأثیر گذاشت (آیه‌های ۱۲-۱۴)؟ گناه به واسطه یک مرد (آدم) وارد جهان شد؛ و بدین ترتیب مرگ به جهان راه پیدا کرد، زیرا که مرد گناه موت است. و مرگ همه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داد، «از آنجا که همه گناه کردند» (آیه ۱۲). (توجه: لزومی ندارد که در این مقطع به مفهوم «همه گناه کردند» فکر کنید. به یادداشت ص ۳۷ راهنما، در مورد اینکه نمایندگی انسان‌ها را آدم یا عیسی بر عهده دارند، نگاه کنید).

**توجه:** آیه ۱۲ با «لهنذا» شروع می‌شود؛ آیه‌های ۱۲-۲۱ به بخش قبل مرتبط‌اند. پولس در پرتو همه مزایای عادل شمردگی که در آیه‌های ۱-۱۱ برمی‌شمارد، احتمالاً انتظار این پرسش را از خوانندگانش دارد: چگونه قربانی یک فرد (هرچقدر هم که شریف بوده باشد) می‌تواند این همه مزایای باورنکردنی برای بسیاری به همراه داشته باشد؟ پس حالا پولس در صدد است تا نشان دهد که قربانی عیسی چگونه به نفع ما تمام می‌شود. همانطور که خواهیم دید، دلیلش این است که او به نمایندگی از طرف ما عمل می‌کند، درست همانطور که آدم چنین کرده بود.

• فیض چگونه وارد جهان شد (آیه ۱۵)؟ «به فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح». بنابراین، گناه و مرگ به واسطه آدم وارد جهان شد، و فیض و حیات از طریق عیسی.

۹- آدم و عیسی، با توجه به آنچه که کردند و تأثیری که اعمالشان بر جهان گذاشته، از چه نظر با هم فرق دارند (آیه‌های ۱۵-۱۷)؟

- آیه ۱۵: عمل آدم («خطا») مرگ را به همراه آورد، و عمل عیسی («نعمت») فیض را. نجاتی که به واسطه مسیح مهیا شده بزرگتر از گناهی است که آدم وارد دنیا کرد.

- آیه ۱۶: تک گناه آدم (در باغ عدن، نگاه کنید به پیدایش ۳: ۱-۸) دوری و محکومیت را به دنبال داشت؛ تک «نعمت» عیسی عادل شمردگی، یعنی آموزش «خطایای بسیار»، را برای همه گناهکاران به ارمغان آورد. مسیح قادر است که نه تنها گناه آدم را، بلکه گناهان همه کسانی را که بدو اعتماد کرده‌اند، نیز ببوشاند.

- آیه ۱۷: به واسطه آدم، موت سلطنت می‌کند؛ به واسطه مسیح، مردم در حیات سلطنت می‌کنند.

**توجه:** اینها آیه‌های پیچیده هستند. تعلیم

اساسی‌ای که باید گرفت این است که گناه آدم مرگ به همراه داشت، در حالی که نعمت عیسی حیات با خود آورد؛ و اینکه کار مسیح بسی عظیم‌تر و نیرومندتر از کار آدم بود، و می‌تواند هر گناهی را پوشش دهد.

• از چه جهت به هم شباهت دارند (آیه ۱۸)؟ از جهت نمایندگی. ناطاعتی آدم ما را مجرم ساخت؛ اطاعت مسیح باعث عادل شمرده شدن ما می‌شود (آیه ۱۸).

۱۰- آیه ۱۹، گفته‌های پولس در آیه‌های ۱۲-۱۸ را چگونه جمع بندی می‌کند؟ پیش از آنکه ما عملی [خوب یا بد] کرده باشیم، ناطاعتی آدم باعث شده بود که به لحاظ قضایی ما گناهکار و مجرم محسوب شویم. او ما را نمایندگی می‌کرد، و از این رو در وی مرتکب گناه شدیم (آیه ۱۲) و در او مجرم هستیم. اما پیش از آنکه ما عملی [خوب یا بد] کرده باشیم، اطاعت عیسی ما را به لحاظ قضایی عادل ساخت (به شرطی که به جای آدم، عیسی را نماینده خود بدانیم).

• چرا «اطاعت یک شخص»، یعنی عیسی، برای ما اهمیت دارد؟ چونکه اطاعت کامل وی، در زندگی و مرگش، بدین معناست که وی تنها کسی می‌باشد که می‌تواند نمایندگی ما را بر عهده گرفته، عدالت و حیات را به جای گناه و موت، برای زندگی ما به ارمغان آورد. عیسی به خاطر ما، و به نمایندگی از طرف ما مطیع گشت؛ و خدا هم با ما مطابق اطاعت عیسی برخورد می‌کند. پس مرگ و زندگی ما به اطاعت مسیح وابسته است، چون اگر به مسیح ایمان داشته باشیم (یعنی: اگر به جای آدم، مسیح را نماینده خود بدانیم)، اطاعت مسیح به حساب اطاعت ما گذارده خواهد شد.

۱۱- کاربرد: چرا این خبر خوبی است که خدا از طریق یک نماینده، به حساب ما رسیدگی می‌کند؟ شاید بنا به غریزه ذاتی، چنین احساس کنیم که نمی‌خواهیم کس دیگری ما را نمایندگی کند. اما

اگر هر یک از ما ناگزیر بودیم در پیشگاه تخت آسمانی خدا، نماینده خودمان باشیم، قادر به دفاع از خود نمی‌بودیم (نگاه کنید به ۱۹:۳ و فصل سوم کتاب). گناه‌مان، ما را به سوی مرگ سوق می‌داد. در عوض، آدم نمایندگی ما را به عهده دارد و از این رو هنوز به عنوان گناهکاران با ما برخورد می‌شود، چراکه او گناه کرد. ولی از آنجایی که کسی باید نمایندگی ما را عهده‌دار شود، پس اگر آن شخص فرد مطیعی باشد، می‌تواند نماینده ما محسوب شود؛ می‌تواند به نفع ما وارد عمل شود، و به واسطه او می‌توانیم حیات داشته باشیم. پس اینکه خدا از طریق یک نماینده به حساب ما رسیدگی می‌کند، خبر خوشی است زیرا ما در عیسی آن شخصی را می‌یابیم که قادر است مطیعانه نمایندگی ما را عهده‌دار شود، و در وی می‌توانیم از عادل شمردگی‌ای برخوردار شویم که نه در خود و نه در آدم، هرگز نمی‌توانستیم آن را به دست آوریم.

۱۲- کاربرد: برای تشویق کردن یا به چالش کشیدن افراد زیر، چگونه از رومیان ۵ استفاده می‌کنید:

• فرد مسیحی‌ای که مطمئن نیست خدا واقعا دوستش دارد و نجاتش داده است، یا نه؟ آیه‌های ۵-۸: آنها را کمک کنید تا محبت غایی و عینی خدا نسبت به خود را ببینند، اینکه حتی باوجودی که گناهکارند، مسیح آمد تا جانش را فدای شان کند. و سپس به کار روح‌القدس در دل‌هایشان اشاره کنید، احتمالا مواقعی بوده که محبت خدا را با قطعیت کامل تجربه کرده‌اند، و این به آنها اطمینانی دوباره می‌دهد. آنها را تشویق کنید تا به مزایای عادل شمردگی باور داشته باشند و بر اساس آن زندگی کنند: یعنی از آشتی [مصلحه] با خدا، هم‌صحبتی دوستانه با وی، و انتظار دیدار او لذت ببرند.

• فرد مسیحی‌ای که گرفتار مصیبتی عظیم شده؟ آیه‌های ۳-۴: آنها را تشویق کنید که به

رنج‌هایی که می‌کشند، به دیده دوره‌ای نگاه کنند که می‌توان در زمینه‌های استقامت، شخصیت، و امید رشد کرد. توجه آنها را به سرچشمه شادمانی حقیقی و ماندگار، یعنی همه چیزهایی که در خدا، و به واسطه خداوند عیسیای مسیح دارند، معطوف نمایید.

• بی‌ایمانی که نگران مُردن است؟ بی‌ایمانان حق دارند نگران باشند! می‌توانید این افراد را تشویق کنید زیرا که دنیا را آنگونه که واقعا هست، می‌بینند؛ بله، مرگ به سراغ همه می‌آید. دلیلش را توضیح بدهید: چونکه ما جزیی از بشریت گناهکار هستیم، در گناه زاده شده‌ایم و با مرگ مواجه‌ایم. سپس به انسانیت جدید اشاره کنید که سر و نماینده‌اش عیسی است؛ همان کسی که به نمایندگی از طرف ما اطاعت کرد و به خاطر گناهانمان مُرد، تا ما بتوانیم جزیی از قوم خدا شده، از مزایای داشتن رابطه درست با خدا و حیات در وی، برخوردار شویم. اگر بی‌ایمانان به مسیح ایمان بیاورند، خدا اطاعت وی را به پای آنها خواهد نوشت، و دیگر لازم نیست که نگران مُردن باشند.

• بی‌ایمانی که می‌گوید: ”من مشکلی ندارم. آدم بدی نیستم“؟ چالش مطرح شده در آیه‌های ۱۲-۲۱ این است که در نهایت تنها چیزی که اهمیت دارد این است که آیا ما ”در آدم“ هستیم، یا ”در مسیح“. اگر در مسیح نیستیم، پس اوضاعمان روبراه نیست [یعنی مشکلی جدی داریم]— زیرا جزیی از بشریت گناهکاری به شمار می‌رویم که آدم گناهکار نمایندگی‌اش می‌کند، و از این رو باید با مرگ و محکومیت روبرو شویم. تنها راه برای مشکل نداشتن و روبراه بودن این است که از مسیح بخواهیم نماینده‌مان باشد، تا خدا با ما هم‌چون افرادی کاملاً مطیع رفتار کند، نه مشتئی گناهکار. شاید خودمان را ”بی‌مشکل [و نه چندان بد]“ معرفی کنیم؛ اما اگر در آدم هستیم، هم‌چنان که انسان به طور ذاتی چنین است، پس گناهکاریم و با مرگ دست به گریبان.

## چرا مسیحیان از خدا اطاعت می‌کنند

### ایده اصلی

ما از خدا اطاعت می‌کنیم، چون به هویت خودمان واقفیم؛ ما با مسیح متحد شده، بندگان خدا، و عروس عیسی هستیم.

### خلاصه

از ۱:۶ تا ۲۵:۷ پولس چهار پرسش را پاسخ می‌دهد (۱:۶ و ۱:۵ و ۷:۷ و ۱۳) دوتای اول که در این مطالعه پوشش داده شده‌اند، حول این پرسش می‌چرخند که "چرا مسیحیان از خدا اطاعت می‌کنند؟"، چرا که ما تنها محض فیض است که نجات پیدا می‌کنیم، و هیچ‌یک از اعمال ما در این نجات دخیل نیستند.

انجیل اساسا هویت ما را دگرگون می‌سازد.

### تکلیف اضافی اختیاری

از تک تک اعضای گروه بخواهید در سه جمله کوتاه خودشان را توصیف کنند. سپس از آنان بپرسید که شاخصه‌های توصیفی خودشان، چه تغییری در احساسات و افکار و اعمال ایشان به وجود آورده‌اند. می‌توانید این تکلیف را به موضوع هویت (که زندگی و اعمال ما را شکل می‌دهد)، ربط داده، بعد از پرسش‌های ۴ یا ۵، و یا حتی در پایان جلسه بدان بپردازید.

### راهنمایی برای پرسش‌ها

۱- مسیحیان به واسطه فیض نجات پیدا می‌کنند، نه اعمال ... پس دیگر چه نیازی هست از خدا اطاعت کنند یا زندگی درستی داشته باشند؟ این پرسش از بعضی جهات پرسش مناسبی در مورد انجیل "عدالت دریافت شده" به شمار می‌رود. از آنجایی که تلاش‌های اخلاقی ما نمی‌توانند برایمان ذره‌ای نجات فراهم سازند، پس دیگر چه دلیلی برای نیکو بودن وجود دارد؟ علم به اینکه آمرزیده شده‌ایم و وقوف به اینکه همیشه فیض بیشتری برای ما هست، آیا مجوزی برای گناه کردن به ما نمی‌دهد؟

از یک لحاظ، پاسخ پولس یک راه میان‌بر نیست. پولس با تشریح دوباره و نیز به کارگیری آموزه عادل شمردگی محض ایمان، از طریق یگانگی با مسیح، پاسخ می‌دهد. کل انگیزه مسیحیان برای فرمان‌برداری از خدا، از هویت نونین‌شان سرچشمه می‌گیرد. و این هویت از آنجایی ناشی می‌شود که ما با مسیح مرده‌ایم (۳:۶-۴).

اما از لحاظ دیگر، پاسخ پولس مقوله‌ای جدید را معرفی می‌کند. پنج فصل اول رساله رومیان کاری را که خدا برای ما در انجیل به کمال رسانیده، توضیح می‌دهد؛ فصل‌های ۶-۷ و همین‌طور فصل ۸ (که در مجلد دوم کتاب راهنمای رومیان بدان خواهیم پرداخت)، به ما می‌گویند که خدا چه کارهایی را از طریق انجیل در ما به کمال خواهد رسانید. [این چند فصل] به ما می‌گویند که انجیل چه نیروی قدرتمند و پویایی است که در افکار و رفتار ما تغییرات عظیم به وجود می‌آورد؛ زیرا

بسیاری از مسیحیان نمی‌دانند چطور باید به این پرسش پاسخ داد؛ دیگران پاسخ‌هایی می‌دهند که با روش پاسخ‌گویی پولس در این آیه‌ها، فرق دارد. بعد از اینکه قدری درباره پاسخ‌های مورد بحث با اعضای گروه‌تان گفتگو کردید، تشویق‌شان کنید تا به پاسخ‌ها به روش پولس گوش کنند.

پس از طرح پرسش ۱۱ می‌توانید دوباره به این بحث برگردید و ببینید که چه چیزهایی به درک ایشان افزوده شده است.

۲- پولس در آیه ۲ چه پاسخی [به پرسش مطرح شده در آیه ۱] می‌دهد و چه دلیلی می‌آورد؟ مطلقاً هیچ! شما نسبت به گناه مُرده‌اید، پس چطور می‌توانید در آن زندگی کنید؟

- پولس منظورش از «در گناه مُرده‌اید» را در آیه‌های زیر چگونه توضیح می‌دهد؟

• در آیه‌های ۳-۵: مسیحیان هنگامی که تعمید می‌گیرند (که منظور پولس زمانی است که ایمان می‌آورند) با مسیح در مرگش متحد می‌شوند (آیه ۳). با مُردن او، ما هم مُردیم. از آنجایی که مسیح مُرد، و مرگش آزادی از گناه را به ارمغان آورد (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵)، و ما هم با او مُردیم، دیگر از گناه آزادیم.

• در آیه‌های ۴-۵: از آنجایی که مرگ مسیح به رستخیز و زندگی جدید انجامید، به همین ترتیب اتحاد ما با مسیح هم به رستخیز و حیات تازه منتهی خواهد شد. اگر به مسیح ایمان داریم، هویت ما تغییر پیدا کرده، و زندگی ما هم دستخوش دگرگونی خواهد شد.

• در آیه‌های ۶-۷: «انسانیت کهنه» ما کشته شده، تا «جسد گناه معدوم» گردد. «جسد گناه» همان گناه است که خودش را از طریق بدن‌های ما بروز می‌دهد. «انسانیت کهنه» ما همان وضعیت و هویتی است که پیش از ایمان آوردن به مسیح داشتیم؛ و این انسانیت کهنه مُرده و از بین رفته است. انسانیت کهنه من که در آن، گناه شخصیت و زندگی را کنترل می‌کرد، با مسیح مُرد. پس مسیحیان در عین حال که هنوز می‌توانند گناه کنند، اما آنها نسبت به گناه مُرده‌اند، به این معنا که دیگر گناه بر ایشان هیچ قدرتی ندارد.

**توجه:** حواستان به دیدگاه‌های اشتباه / ناکافی در مورد ماهیت «در گناه مُرده‌اید» باشد، تا در صورت لزوم و در موارد زیر، بتوانید جلوی کج‌فهمی اعضای گروه‌تان را بگیرید:

• ما دیگر دلمان نمی‌خواهد گناه کنیم، و گناه دیگر هیچ تأثیری بر ما ندارد. اگر چنین برداشتی درست بود، دیگر لازم نبود که پولس در آیه‌های ۱۲-۱۴ ما را به پرهیز از گناه تشویق کند.

• ما دیگر نباید گناه کنیم؛ این شایسته نیست. این مورد حقیقت دارد، اما حق مطلب را به طور کامل ادا نمی‌کند. پولس نمی‌گوید: «شما باید نسبت به گناه بمیرید»، بلکه می‌گوید: «در گناه مُرده‌اید».

• ما به آهستگی از گناه فاصله می‌گیریم، و با ضعیف شدنش، کم کم می‌میرد. اما کلمات پولس به معنای عملی است که پایان پذیرفته و گذشته است. گناه در حال مُردن نیست؛ گناه مُرده است.

• ما تصمیم گرفته‌ایم از گناه روی گردان شویم. این نیز درست است، ولی آن چیزی نیست که پولس در اینجا می‌گوید؛ گناه مُرد چونکه مسیح مُرد، نه چونکه ما کار خاصی کردیم. این «مرگ گناه» نتیجه اقدامات ما در راستای کشتنش نیست، بلکه ثمره مرگ مسیح به خاطر ماست.

۳- از آنجایی که مسیحیان «با مسیح مُردند»، حالا ما چه می‌دانیم (آیه‌های ۸-۱۰)؟ با او خواهیم زیست (آیه ۸)، چون همه چیزهایی که در مورد مسیح صادق است، در مورد ما نیز صدق می‌کند، پس می‌دانیم که:

• وی از مردگان برخاست، پس ما هم به لحاظ روحانی برخاسته‌ایم و روزی جسماً هم قیام خواهیم کرد.

• او نمی‌تواند دوباره بمیرد، چون مرگ بر وی هیچ سلطه‌ای ندارد، پس ما هم دوباره مرگ را

تجربه نخواهیم کرد (در اینجا مرگ به معنای مُردن تحت داوری و مجازات ابدی است، نه مرگ جسمانی).

داشتیم ما را زنده گردانید (آیه‌ها ۱ و ۳)  
• ۶:۲ ما را بر خیزانید و در جای‌های آسمانی نشانید

• او برای خدا زندگی می‌کند، پس ما هم باید چنین کنیم و برای او زندگی خواهیم کرد.

• ۷:۲ مهربانی خدا را که اجازه داد تجربه‌اش کنیم به ما نشان داد. این بیعانه‌ای است از آن چیزی که در آینده («عالم‌های آینده») به طور کامل از آن برخوردار خواهیم شد.

### جستجوی بیشتر

این آیه‌ها [افسیسیان ۱:۳-۱۴؛ ۱:۲-۱۰] چه چیزهایی را در مورد آنچه که "در مسیح" داریم، یعنی چون با او یکی شده‌ایم، به ما تعلیم می‌دهند؟ این آیه‌ها حقایق زیادی را درباره برکاتی که از اتحاد خود با مسیح کسب می‌کنیم، شامل می‌شوند، هربار که پولس می‌گوید "در مسیح / در او / با او"، برکتی را به ما خاطر نشان می‌سازد. مواظب باشید تا با برکاتی خاص منحرف نشوید. فقط به سادگی از گستره و مقیاس برکاتی که یگانگی با مسیح به ایمانداران ارزانی می‌دارد، تقدیر کنید:

واکنش ما باید چه باشد (۱:۳ و ۶ و ۱۲ و ۱۴)؟  
متبارک خواندن خدا. اگر فهمیده باشیم که به واسطه اتحاد با مسیح از طریق ایمان، چه چیزهایی از آن ما شده است، با ستایش خدا و زیستن برای او، واکنش نشان خواهیم داد (آیه ۱۲).

۴- کاربرد: کاربردی که پولس در آیه‌های ۱۱-۱۴ برای کسی که با مسیح مُرده، مطرح می‌کند، چیست:

• ۳:۱ هر برکت روحانی (پولس در آیه‌های بعد به جزئیات برخی از این برکات خواهد پرداخت ...)

• از لحاظ منفی؟ خودتان را نسبت به گناه مُرده انگارید (آیه ۱۱)؛ پس نگذارید گناه بر شما «حکمرانی کند» یعنی: نگذارید با اطاعت کردن از امیال شریرانه‌اش، هیچ عضوی از اعضای شما را تحت کنترل خود قرار دهد (آیه ۱۲). گناه نباید ارباب ما باشد (آیه ۱۴).

• ۴:۱ و ۱۱: برگزیدگی توسط خدا

• از لحاظ مثبت؟ خودتان را نسبت به خدا زنده انگارید، یعنی: کسی که از خدا اطاعت می‌کند و وی را خوشنود می‌سازد و از شناخت خدا لذت می‌برد (آیه ۱۱). با در دست گرفتن ابتکار عمل، همه چیز خود را به خدا تقدیم کنید (آیه ۱۳). بگذارید فیض بر شما مسلط شود و کنترل‌تان کند (آیه ۱۴).

• ۵:۱ فرزند خواندگی توسط خدا

• ۶:۱ دریافت فیض از جانب خدا

• ۱۲:۱ توانایی ستایش خدا و زیستن برای او

• ۱۳:۱ عطای روح القدس

توجه داشته باشید که آیه ۱۳ به ما می‌گوید که چطور "در مسیح" باشیم، با شنیدن انجیل و ایمان آوردن به آن.

گروهتان را تشویق کنید تا هم در مورد روش‌هایی فکر کنند که باید از سپردن افکار یا اعمال یا اعضای بدنشان به سلطه امیال گناه‌آلود جلوگیری کنند، و هم در مورد راه‌هایی که می‌توانند ابتکار

• ۵:۲ زمانی که مُرده بودیم و زیر غضب خدا قرار

• آیه ۱۹: بندگی گناه به تباهی می‌انجامد، شرارت "رو به افزایش" است. اعمالی که با هدف خاصی انجام می‌دهیم، شخصیت و اراده‌ی ما را به گونه‌ای شکل می‌دهند که تکرار آن عمل [و به همان روش]، آسانتر می‌شود. تسلیم کردن خودمان به گناه، به ناپاکی و گناهان بزرگتر منجر می‌شود. بندگی خدا هم به همین ترتیب عمل می‌کند. شخصیت و اراده‌ی ما را به گونه‌ای شکل می‌دهد تا به انجام نیکی عادت کرده، بیشتر و بیشتر در پی قدوسیت باشد.

• آیهای ۲۱-۲۲: نتیجه‌ی بندگی گناه مرگ، و در نهایت، محکومیت ابدی و جدایی از خدا می‌باشد. اما پولس در اینجا از "مرگی" سخن می‌گوید که مسیحیان پیش از ایمان آوردن به مسیح تجربه‌اش می‌کردند. او به ازهم پاشیدگی زندگی، یعنی "مرگ" ناشی از بندگی چیزی غیر از خدا، که نمی‌تواند برای ما رضایت خاطر یا امنیت در پی داشته باشد، اشاره می‌کند. حرف پولس این است که تنها مزیت بندگی گناه، ازهم پاشیدگی است. بنابراین نتایج بندگی خدا [در مقایسه با بندگی گناه] کاملاً در تضاد هستند، تقدس در زندگی کنونی و حیات جاودانی در زندگی اخروی.

• آیه ۲۳: گناه چیزی را به ما می‌دهد که سزاوارش هستیم، مزدی که موت نام دارد. خدا چیزی را به ما می‌دهد که سزاوارش نیستیم، نعمت حیات جاودانی. خدمت ما به خدا بدین معنا نیست که لیاقت دریافت حیات از وی را داریم. بلکه این خداست که نعمت حیات را به ما عطا کرده است تا ما او را خدمت نماییم.

عمل را در دست گرفته، افکار، اعمال یا اعضای بدنشان را مطیع خدا سازند. خاطرنشان کنید که وقتی برای انجام گناهی وسوسه می‌شویم، نه تنها باید از پیروی امیال گناه‌لودمان چشم‌پوشی کنیم، بلکه باید در همان لحظه برای خدا نیز زندگی کنیم.

۵- کاربرد: "اگر در دام گناه می‌افتم، بدین خاطر است که هنوز به هویت خودم در مسیح پی نبرده‌ام." این چکیده چگونه می‌تواند به خوبی گویای پیام پولس در این آیه‌ها باشد؟ توضیح بدهید. وقتی مرتکب گناه می‌شویم، داریم خلاف هویت‌مان به عنوان کسانی که همچون عیسی برای حیاتی نو برخیزانیده شده‌اند، رفتار می‌کنیم. طوری زندگی می‌کنیم که گویی با عیسی نمرده‌ایم، و انگار هنوز همان کسانی هستیم که پیش از ایمان بودیم.

۶- ما آزادیم چه کسی و یا چه چیزی را برای خدمت انتخاب کنیم (آیه‌های ۱۶-۱۸ و ۲۲)؟ گناه را یا اطاعت (آیه ۱۶) / عدالت (آیه ۱۷) / خدا (آیه ۲۲) را؟



• پولس در مورد آزادی انسان، به چه نکته‌ای اشاره می‌کند؟ هیچ‌کس آزاد نیست، هر کسی بنده چیزی یا کسی است! همه ما برای چیزی زندگی می‌کنیم، و خودمان را به آن چیز "تسلیم" می‌نماییم، خدمت می‌کنیم و برایش زندگی می‌کنیم. (همان‌طور که پولس در ۱۸-۳۲ خاطرنشان می‌سازد، ما یا آفریننده را پرستش می‌کنیم، و یا آفریده شده‌ای را). چیزی که برای خدمت کردن انتخاب می‌کنیم، ارباب ما می‌شود، و ما غلامانش محسوب می‌گردیم. و در نهایت، تنها دو ارباب وجود دارد: خدا، یا گناه.

۷- پولس این دو ارباب را چگونه با هم مقایسه کرده و در مقابل هم قرار می‌دهد:





می‌توانیم به جای گناه، برای خدا و در راستای هویت جدیدمان، زندگی کنیم. این، انگیزه ما برای گناه نکردن است.

• “من به آزادی دوستان غیرمسیحی ام غبطه می‌خورم.” آنها آزاد نیستند. آنها بنده چیزی هستند و آن را خدمت می‌کنند، و همین نابودی و محکومیت را برایشان به دنبال خواهد داشت. تنها چیزی که آنان از قیدش آزادند، عادل بودن است.

• “خدا برای ایجاد تغییر در من کار می‌کند، پس من هم می‌گذارم او کارش را انجام دهد.” کتاب مقدس هیچ‌وقت به ما نمی‌گوید که برای عمل کردن یا زندگی کردن بر مبنای چیزهایی که می‌دانیم درباره‌ی ما صحت دارند، به تلاشی فعال نیاز نداریم. ما باید آگاهانه خودمان را تسلیم زیستن مطابق گفته‌های کتاب مقدس کنیم. باید (در نحوه زندگی کردن) همان کسانی باشیم، که همین حالا (در مسیح) هستیم. برای اینکه راه او را ببیم، سخت می‌کوشیم، و می‌دانیم که او هم در ما کار می‌کند (فیلیپیان ۱۲:۲-۱۳).

۹- این تصویر [ازدواج]، چه چیزهایی به ما یاد می‌دهد، درباره:

• رابطه ایماندار با شریعت؟ ما از بند شریعت آزاد شده‌ایم. یعنی: دیگر انگیزه ما برای اطاعت از شریعت این نیست که به وسیله آن نجات بیابیم، همان‌طور که مرگ یکی از زوجین، به رابطه زن و شوهر پایان می‌دهد. شریعت تنها کسانی را مقید می‌سازد که هنوز زنده هستند، در حالی که با مرگ مسیح، ما هم مُردیم. در حالی که در مورد زناشویی، مرگ شوهر به زن این اجازه و آزادی را می‌دهد که دوباره ازدواج کند، در مورد ما، مرگ ما با مسیح، ما را از قید شریعت آزاد می‌سازد.

• رابطه ایماندار با خداوند عیسی؟ حالا با مسیح “پیوند” خورده‌ایم (آیه ۴). کل هدف انقضای “ازدواج” ما با شریعت، که به دلیل مرگ ما در او

• کسی می‌گوید: “من نمی‌خواهم مسیحی باشم، چونکه نمی‌خواهم آزادی‌ام را از دست بدهم.” آیه ۲۰ درباره “آزادی” چه می‌گوید؟ اگر به مسیح ایمان نیاورید و بدین ترتیب او را خدمت ننمایید، آزادید، اما فقط از عدالت. تنها آزادی فرد غیر مسیحی، این است که آزاد است تا رابطه درستی با خدا نداشته باشند، و از حیاتی که این رابطه درست برایشان به ارمغان می‌آورد، بی‌بهره بمانند. این آزادی‌ای نیست که ارزش داشتن یا حفظ کردن داشته باشد.

۸- این مورد در پاسخ دادن ما به وضعیت‌های زیر، چه کمکی می‌کند؟ (اگر وقت کافی ندارید، می‌توانید گروه‌تان را به چهار زیرگروه تقسیم کنید، و به هر زیرگروه یک پرسش بدهید؛ یا از میان آنها یکی دو پرسش را انتخاب و بر آنها تمرکز کنید.)

• “توانستم جلوی خودم را بگیرم تا آن‌طور گناه نکنم.” اگر یک غیرمسیحی این حرف را بزند، به تعبیری حق دارد. گناه اربابش است؛ او زیر قدرت گناه قرار داد. اما اگر یک مسیحی چنین حرفی بزند، قطعاً هویت خویش را فراموش کرده است. یک مسیحی هرگز نیازی به گناه کردن ندارد، زیرا ما از قید حکمرانی و اربابی گناه آزاد شده‌ایم. هنوز می‌توانیم گناه کنیم، اما هرگز مجبور به گناه کردن نیستیم.

• “من مصمم هستم که گناه نکنم. به خود گفته‌ام که: «فقط بگو نه!»» در اینجا این نوع انگیزه برای گناه نکردن، آن چیزی نیست که پولس با ما در میان می‌گذارد. ما قرار نیست یک عمر دندان روی جگر بگذاریم و سعی کنیم از گناه اجتناب کنیم (این کار شدنی نیست). باید به خاطر داشته باشیم که در مسیح کیستیم، اینکه انسانیت کهنه و گناه‌آلودمان مُرده، و اکنون یک “من” تازه وجود دارد. چرا باید تمایل به گناه داشته باشیم؟ اکنون

صورت گرفته، این است که «خود را به دیگری پیوندید». مسیحی شدن تحولی کامل در رابطه و وفاداری ما به شمار می‌رود، ما با مسیح ازدواج کرده‌ایم! مسیحی بودن یعنی دل بستن به عیسی و وارد رابطه‌ای شخصی و قانونی شدن با وی، با ابعادی به گستردگی یک رابطه زناشویی.

۱۰- ازدواج کردن، از چه جهت به معنای محدودتر شدن آزادی است؟ اما چرا هنوز می‌شود از یک رابطه زناشویی خوب، لذت برد؟ وقتی ازدواج می‌کنید، دیگر نمی‌توانید مطابق خواست خودتان زندگی کنید. در قبال همسران وظیفه‌ای دارید. به همین ترتیب، نمی‌توانید همانند زمانی که هنوز مجرد بودید، با کس دیگری وارد رابطه شوید. خیر، شما مقید و متعهد به همسران هستید. اما از سوی دیگر، حالا این امکان برایتان فراهم شده که عشق، صمیمیت، پذیرش و امنیتی را تجربه کنید که اگر مجرد می‌ماندید، از آنها محروم می‌شدید. به همین خاطر، چشم‌پوشی از آزادی خویش، مایه شادمانی است، نه دردسر. فرض کنید که رابطه زناشویی خوبی دارید، در این رابطه، شما با فراهم ساختن انبساط خاطر همسران، خود نیز لذت می‌برید. دلیل اینکه شما با همسران اینگونه خوب برخورد می‌کنید و کارهای زیادی برای او می‌کنید این است که دلتان می‌خواهد اینطور عمل کنید، نه آنکه مجبور باشید.

• پس این آیه‌ها چطور می‌توانند انگیزه بزرگی برای زندگی کردن به روش عیسی، باشند؟ این نقطه اوج پاسخ پولس به این پرسش است که چرا مسیحیان از خدا اطاعت می‌کنند. این کار عیسی را خوشنود می‌سازد. ما با شریعت ازدواج نکرده‌ایم تا برای نجات یافتن ناگزیر به اطاعت از آن باشیم؛ ما با مسیح پیوند زناشویی بسته‌ایم، و با عشق از شریعت اطاعت می‌کنیم تا وی را خوشنود سازیم. ما مجبور به اطاعت از مسیح نیستیم، اما دوست داریم اطاعت کنیم، زیرا عاشق اویم و فرمان‌برداری از وی برایمان یک خوشی است نه

یک بار سنگین.



• تصویر ازدواج در درک مفهوم خدمت کردن «در تازگی روح»، به جای «کهنه‌گی حرف»، چه کمکی می‌کند (آیه ۶)؟ این بدان معنا نیست که شریعت مکتوب خدا که در کتاب مقدس ثبت شده، به کناری نهاده شده است، دیگر لازم نیست آن را بشناسیم یا در اطاعت از آن زندگی کنیم. برعکس، آنچه تغییر پیدا کرده، انگیزه ماست، ما از شریعت اطاعت نمی‌کنیم تا نجات‌مان بدهد، بلکه از آنجایی که روح‌القدس این اطمینان را به ما می‌بخشد که ما اکنون از آن خدا و محبوب خداییم، پس از سر عشق به همسرمان (مسیح) از شریعت اطاعت می‌کنیم. دیگر شریعت ارباب ما نیست. ارباب ما مسیح است.

۱۱- کاربرد: «حالا که محض فیض نجات یافته‌ایم، دیگر چرا به خود زحمت داده، از خدا اطاعت کنیم؟» با توجه به آیه‌های زیر، چگونه به این پرسش پاسخ می‌دهید:

• ۱۶- ۱۴؟ چون زمانی که با عیسی مُردیم، نسبت به گناه هم مُرده‌ایم. اکنون انسان‌های جدیدی هستیم که قادریم زندگی تازه‌ای هم داشته باشیم، پس چرا باید بخواهیم به زندگی کهنه خودمان برگشته و گناه کنیم؟

• ۱۵:۶- ۲۳؟ چون یا شما بنده خدا هستید، یا غلام گناه. زندگی کردن به مثابه بنده خدا به تقدس و حیات منجر می‌شود؛ زیستن به عنوان غلام گناه، به ازهم پاشیدگی و مرگ منتهی می‌گردد. چرا باید به جای اطاعت از خدا، مطیع گناه شویم؟

• ۱:۷- ۶؟ ما با مسیح مُرده‌ایم، پس دیگر از آن اویسیم، و با او پیوند زناشویی بسته‌ایم. پس از خدا اطاعت می‌کنیم تا خوشنودش سازیم، و این از سر عشق است، نه ترس.

## ایده اصلی

شریعت گناه ما را آشکار می‌سازد، و گناه از شریعت بهره می‌گیرد تا گناه را برانگیزاند. حتی به رغم میل باطنیمان، وقتی واقعیت گناه کردن را تجربه می‌کنیم، از خودمان دلسرد می‌شویم، اما نجات مسیح ما را همچنان امیدوار نگاه می‌دارد.

## خلاصه

در این بخش، پولس بینشی بسیار صادقانه از ایمان آوردن و زندگی مسیحی‌اش، به ما ارائه می‌کند. این هم قسمت پیچیده دیگری است، هرچند وقتی کل مبحث را یک‌جا بخوانید، پیام‌های کلی‌اش روشن می‌باشند.

اول از همه، پولس به این مسئله می‌پردازد که آیا شریعت (که ما مقید بدان هستیم، و امیال گناه‌آلود از آن نشأت می‌گیرند، و از این رو به مرگ منجر می‌شود، آیه‌های ۴-۶) به خودی خود بد یا گناه‌آلود است، یا نه. پاسخ وی این است که شریعت به خودی خود چیزی بی‌فایده یا معیوب نیست؛ این گناه اوست که شریعت را بی‌فایده می‌سازد. شریعت بود که گناه وی را آشکار نمود؛ و گناه او بود که از شریعت استفاده کرد تا او را به ارتکاب گناه وادار سازد. چنانکه با خواندن: «طمع مورز»، درمی‌یابد که طمع کار است. چکیده حرف او این است: شریعت خوب است، اما من گناهکار هستم.

بعد، پولس با این پرسش ادامه می‌دهد که آیا شریعت می‌کشد و چنین پاسخ می‌دهد خیر، این گناه است که هلاک می‌سازد. اما در پاسخ دادن به این پرسش، ما را به جدالی درونی رهنمون

می‌نماید که هر مسیحی با آن دست به‌گریبان است، نبردی میان خود حقیقی‌اش که خدا را دوست دارد و می‌خواهد از خدا اطاعت کند، و خود گناه‌آلودش که او را به انجام کارهایی سوق می‌دهد که مایل به انجام‌شان نیست. صداقت او برای ما مسیحیان تسلی بخش است. ما نیز وقتی به رغم میل‌مان به اطاعت از خدا، گناه می‌کنیم، همین جدال و حس بیچارگی را تجربه می‌کنیم (یا باید بکنیم) و باید همان امیدی را داشته باشیم که پولس در آیه‌های ۲۴-۲۵ دارد؛ امید به اینکه مسیح ما را خواهد رهانید.

**توجه:** درباره این بخش، دو پرسش دشوار وجود دارد. اول، در آیه‌های ۷-۱۲ پولس دارد از چه کسی حرف می‌زند؟ وی در آیه ۹ می‌گوید: «من از قبل بدون شریعت زنده بودم». یک یهودی چطور می‌تواند «بدون شریعت» باشد، و چطور در جایی که رومیان ۱-۳ تصریح می‌کند که هیچ‌کس بدون انجیل نمی‌تواند رابطه درستی با خدا داشته باشد، می‌تواند «زنده» باشد؟ پاسخ احتمالی این است که پولس با این تعبیر که درک درستی از مطالبات شریعت نداشته، «بدون شریعت» بوده است. از نگاه وی شریعت یک قانون رفتاری ظاهری است، نه چیزی که صرفاً به نگرش‌های قلبی محدود باشد. پس او بنا به برداشت خودش «زنده» بوده، یعنی می‌پنداشته که خدا را خوشنود می‌ساخته و مورد پذیرشش بوده، در صورتی که نبوده.

دوم، آیا پولس در آیه‌های ۱۳-۲۵ دارد از خودش به عنوان یک بی‌ایمان حرف می‌زند، یا یک ایمان‌دار؟ در میان هواداران هر دو نظریه، اندیشمندان زیادی قرار دارند. برخی بر این

که تصمیم گرفته‌ایم از خدا اطاعت کنیم، ناطاعتی می‌کنیم.

۲- کار شریعت چیست (آیه ۷)؟ هدف اصلی شریعت این است که سرشت گناه را به ما نشان دهد. اگر پولس در شریعت نمی‌خواند، نمی‌توانست بفهمد که چه چیزی گناه‌آلود است. شریعت گناه ما را بر ملا می‌سازد.

۳- وقتی شریعت را می‌خوانیم، گناه چه می‌کند (آیه‌های ۸-۱۰)؟ گناه از شریعت استفاده می‌کند تا ما را به ارتکاب گناه ترغیب نماید. وقتی خدا به ما فرمانی می‌دهد، عملاً باعث تشدید و برانگیخته شدن گناه در قلبمان می‌شود. هر چه بیشتر شریعت را مطالعه کنیم، گناه هم بیشتر رشد پیدا می‌کند. منظور پولس از گفتن «بدون شریعت، گناه مرده است» (آیه ۸) همین می‌باشد. تا زمانی که درباره چیزی بد، فرمانی به ما داده نشده، کمتر احساس تمایل به انجامش می‌کنیم؛ اما وقتی فرمان را می‌شنویم، گناه فرصت جستجو (آیه ۸) زنده می‌گردد (آیه ۹). یک مثال: شاید شما از کوره راه کنار جنگل عبور می‌کنید و هیچ قصد وارد شدن به جنگل را هم ندارید. بعد تابلویی می‌بینید که رویش نوشته: «ورود به جنگل ممنوع» و ناگهان شروع به کنجکاوی می‌کنید که مگر چه چیزی در جنگل هست، و می‌خواهید یا به درون جنگل بگذارید و سرکی بکشید، و احساس می‌کنید که مردم نباید مانع از ورود دیگران به جنگل شوند. فرمان منع ورود، میل به وارد شدن را در شما برمی‌انگیزاند.

۴- به نظر شما، چرا طمع (یعنی حسد) باید حکمی باشد که پولس را بکشد؟ (اشاره: به یاد داشته باشید که پولس پیش از مسیحی شدن، ظاهراً روی مراعات ظواهر شریعت تمرکز کرده بود). پولس سابقاً فریسی بوده، یعنی شخصی که گناه را تنها در محدوده اعمال ظاهری تصور می‌کرد. این تصور باعث می‌شد که راحتتر احساس کند که انسان مطیع و شریعت‌مداری

اعتقادند که فرد مسیحی نمی‌تواند بگوید: «من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم» (آیه ۱۴)؛ و او اقرار می‌کند که به طور ناگزیر مرتکب گناه می‌شود (آیه‌های ۱۵ و ۱۸). اما شواهد مربوط به اینکه پولس دارد از تجربه مسیحی کنونی خویش حرف می‌زند، قوی‌تر است:

• در زمان افعال تغییری به چشم می‌خورد، افعال آیه‌های ۷-۱۳ گذشته هستند؛ افعال از آیه ۱۴ به بعد، زمان حال می‌باشند.

• آیه‌های ۷-۱۳ از گناهی حرف می‌زنند که او را «می‌کشد»؛ آیه‌های ۱۴-۲۳ از کشمکش مداومی که در درونش دارد، سخن می‌گویند.

• پولس از شریعت خدا خوشنود است (آیه ۲۲)؛ در ۷:۸ خواهد گفت که بی‌ایمانان نمی‌توانند از ته دل از شریعت خدا خوشنود باشند.

• پولس تشخیص می‌دهد که گناهکاری گم‌گشته است (آیه ۱۸)؛ آیه‌های ۷-۱۳ نشان می‌دهند که بی‌ایمانان از گم‌گشته بودن خویش آگاه نیستند.

• پولس امید خود را در نجات مسیح می‌یابد، نه در خودش (آیه‌های ۲۴-۲۵).

## راهنمایی برای پرسش‌ها

۱- آیا تا به حال کاری کرده‌اید که از قبل تصمیم گرفته بودید، انجامش ندهید؟ چه چیزی باعث شد آن کار را نکنید؟ از انجامش چه احساسی به شما دست داد؟ این موضوع می‌تواند بسیار جدی باشد (مثل خطرناک رانندگی کردن، یا آسیب زدن به کودکان) یا کمی جدی (مثل پوشیدن نوع خاصی از لباس، یا به کار بردن اصطلاحی که عصبانی‌تان می‌کند). این مقدمه‌ای است بر مضمون نیمه دوم رومیان ۷: مبنی بر اینکه در زندگی مسیحی، در می‌یابیم که ما نیز (به مانند پولس) آنچه را مایل به انجامش هستیم انجام نمی‌دهیم؛ و در جایی

کند (آیه‌های ۱۵ و ۱۸ ب). حقیقی‌ترین بخش وجودش «آن بخشی که در نهایت کنترل انگیزه‌ها و دیدگاه‌هایش را در اختیار دارد» انسانیتی است که خدا را دوست دارد و مشتاق پیروی از شریعت اوست.

• پس چرا نزاعی در جریان است؟ چونکه حتی ما مسیحیان هم در درون‌مان، طبیعتی گناه‌آلود داریم (آیه ۱۸). این جزیی از سرشت پولس است که دست به کاری می‌زند که وی از انجامش بیزار است (آیه ۱۵). پس وی حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند شریعت را نگاه دارد. وی از درون توانش را ندارد که آن‌طور زندگی کند که باید؛ قادر نیست مطابق خواست قلبی‌اش زندگی کند. پیوسته میان انسانیت جدید و حقیقی پولس، که خدا را دوست می‌دارد، و انسانیت کهنه و گناه‌آلود وی، که به ضد خدا عصیان می‌کند، جدالی مداوم در جریان است.

**توجه:** شاید درک این نکته که پولس واژه «شریعت» را به ۳ طریق متفاوت به کار می‌برد، به شما کمک کند:

۱- گاهی «شریعت» به معنای شریعت خداست (آیه‌ها ۱۴ و ۱۶ و ۲۲ و ۲۵).

۲- در آیه ۲۱، پولس واژه «شریعت» را برای دلالت بر یک اصل، به کار می‌برد: «این شریعت را می‌یابم [به این قاعده کلی پی می‌برم {مژده}]. منظور پولس این است: من این را یک اصل کلی می‌دانم، هرچه بیشتر برای انجام کارهای خوب تلاش کنم، شرارت بیشتری از من صادر می‌شود.

۳- در آیه‌های ۲۳ و ۲۵، پولس واژه «شریعت» را به معنای یک نیرو یا قدرت به کار می‌برد. «لکن شریعتی دیگر در اعضای خود میبینم ... شریعت گناه». حرف پولس این است: در ته قلبم، اعمال وجودم (آیه ۲۲)، ذهنم (آیه ۲۳)، به شریعت خدا خوشنودم. در حال حاضر، شریعت خدا اصلی‌ترین

است. پس می‌توانست بر اساس رفتار ظاهری خود به ده فرمان نگاه کرده، تک‌تک آنها را تیک بزند [چک کند] («خُب، من که هیچ مجسمه‌ای را نپرسیده‌ام؛ دروغ نگفتم‌ام و دزدی هم نکرده‌ام؛ و غیره»). اما فرمان «طمع موزز» به نگرش‌های درونی و موضوعات قلبی ربط کامل پیدا می‌کند، زیرا طمع نارضایتی و قانع نبودن به چیزهایی است که خدا به ما داده است. شما نمی‌توانید آن را به قاعده‌ای ظاهری تبدیل نمایید!

• زمانی که پولس در مورد حکم «طمع موزز» واقعاً فکر می‌کرد، چه اتفاقی افتاد (آیه ۱۱)؟ یا به وجود آوردن امیال طمع‌کارانه (آیه ۸) گناه زنده گشت و او متوجه شد که گناه‌کار است. پس خواندن شریعت و درک آن «مرا کشت» (آیه ۱۱).

۵- کاربرد: نمونه‌هایی از زندگی خودتان را با گروه در میان بگذارید. (به اعضای گروه کمی وقت بدهید تا در مورد این دو پرسش قدری فکر کنند. خوب است که شما هم از پیش پاسخ‌های خودتان را آماده کرده باشید تا با گروه در میان بگذارید.)  
موافقی که:

• خواندن شریعت خدا، گناه‌تان را بر شما آشکار ساخته؟

• گناه‌کار بودن‌تان از خواندن شریعت خدا بهره جسته، شما را به ارتکاب گناه تشویق کرده است؟

۶- پولس «حقیقی» در اعماق وجودش، چگونه انسانی است؟ جای مناسب برای آغاز پاسخ‌گویی به این پرسش، آیه ۲۲ است: «برحسب انسانیت باطنی، به شریعت خدا خوشنودم». مثل این است که بگویید: «ته قلبم» یا «در اعماق وجودم [من واقعی]». پولس متوجه شده است که همه ما از نزاعی که میان امیال‌مان در جریان است، خبر داریم؛ اینکه به تعبیری، انسانیت چندگانه‌ای در وجود ما حضور دارد. پولس حقیقی از شریعت خدا خوشنود است و می‌خواهد از آن اطاعت

نیروی در قلب و ذهن من است. اما در درون من نیروی دیگری هم وجود دارد، نیروی گناه. البته بر قلبم فرمان نمی‌راند، اما هنوز در درونم حضور دارد و بر ضد عمیق‌ترین تمایلات من برای مقدس زندگی کردن، می‌جنگد.

۷- پولس در مورد خودش چه نتیجه‌گیری می‌کند (آیه ۲۴)؟ «وای بر من که مرد شقی‌ای هستم!»

• آیا به نظر شما، این یک خودارزیابی منصفانه است؟ چرا بله؟ چرا نه؟ هرچند به مذاق ما خوش نیاید، بله، منصفانه است. اگر پولس با نگاه کردن به افکار و اعمال خودش، احساس بیچاره‌گی می‌کند، پس ما هم باید همین احساس را داشته باشیم. اما دیدگاه پولس درست است. او می‌داند که چه چیزی درست است و چه چیزی خدا را خوشنود می‌سازد؛ او برای انجام کار درست اشتیاق دارد؛ و با این حال کار غلط را انجام می‌دهد. او می‌داند گناه چیست و گناه توهین به چه کسی است؛ اما باز مرتکب گناه می‌شود.

۸- چگونه پولس می‌تواند نگون‌بخت [شقی] باشد، اما امیدش را از دست ندهد (آیه‌های ۲۴-۲۵)؟ زیرا با اینکه پولس از خودش قطع امید کرده، ولی می‌تواند از خودش و بدن گناه‌آلودش چشم برداشته، به کاری که خدا به واسطه عیسی مسیح انجام داده، چشم بدوزد. پولس نمی‌تواند خودش را نجات بخشد، اما نیازی هم به این کار ندارد، عیسی مُرده و برای رهایی مسیحیان باز خواهد گشت.

۹- کاربرد: تجربه پولس به عنوان یک مسیحی، چگونه می‌تواند برای ما هم هشدار دهنده باشد و هم تسلی بخش؟

• هیچ‌کس در زندگی مسیحی آن‌قدر پیشرفت نمی‌کند که دیگر گناه خود را نبیند. هشدار این است که اگر خودمان را «مسلط» بر گناه بیندازیم،

فریب خورده‌ایم.

• هیچ‌کس آنقدر پیشرفت نمی‌کند که دیگر با گناه نزاع نداشته باشد. خیلی مهم است که انتظار نبرد با طبیعت گناه‌آلود خود را داشته باشیم. در واقع، این آیه‌ها حاکی از آن هستند که هرچه در تقدس پیشرفت بیشتری داشته باشیم، جدال با طبیعت گناه‌آلودمان سنگین‌تر خواهد شد.

• با این حال، مایه تسلی است که می‌دانیم در هنگامه کشمکش، شخصیت مسیحی‌مان هم رشد پیدا می‌کند. جدال با گناه، و حتی لغزش‌های کوچک، تجربیات فرد مسیحی را تشکیل می‌دهند. کلنجار رفتن ما با گناه نشانه بی‌ایمانی‌مان نیست. بی‌چاره‌گی ناشی از عدم توانایی در اطاعت از خدا، به طور یقین نمی‌تواند دلالت بر نجات نیافتنمان کند.

• آیه‌های ۲۴-۲۵ تسلی عظیمی برای ما به ارمغان می‌آورند. مسیح برای شکست‌های ما مُرده است. و عاقبت روزی مسیح ما را از نزاع با گناه خواهد رهانید، و در آن روز ما در اطاعت کامل، در ملکوتش خواهیم زیست. این عیسی است که حرف آخر را می‌زند، نه گناه ما.

۱۰- کاربرد: این گفته چارلز سیمپسون، [نگاه کنید به ص ۵۰] از چه نظر می‌تواند چکیده مناسبی از دیدگاه پولس باشد؟ بدون پذیرش این حقیقت که ما انسان‌های بیچاره‌ای هستیم، یعنی گناهکارانی هستیم که می‌دانیم کار درست چیست و بدان رغبت داریم، اما باز کار غلط را انجام می‌دهیم، هرگز جلال انجیل را درک نخواهیم کرد. تنها زمانی که از ته دل به زشتی خویش بنگریم، می‌توانیم به راستی معنای این گفته را بفهمیم: «کیست که مرا ... رهایی بخشد؟ خدا را شکر می‌کنم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح». پس درک ما از ناتوانی خویش با حس قدرشناسی از نجات مسیح، دست در دست هم رشد می‌کنند.

فصل‌ها را بخوانید و به اعضای گروه فرصت دهید تا به سادگی فقط گوش دهند و روی حقایق بی‌نظیر انجیل، که در طی این هفت جلسه مطالعه کرده‌اید، فکر کنند.

• چه عاملی نمی‌گذارد در مورد فاسد بودن خود احساس “شقی [بدبخت]” بودن (آیه ۲۴) بکنیم؟ از اعضای گروه‌تان نظرخواهی کنید. برخی نظرات احتمالی عبارتند از:

• شریعت خدا را نمی‌خوانیم و در آن تعمق نمی‌کنیم، و از این رو نمی‌دانیم گناه چیست.

• جدیت و وخامت گناه را فراموش می‌کنیم؛ یا به جدیت آن واقفیم، اما خودمان را توجیه می‌کنیم (“اگر این قدر بد رانندگی نمی‌کرد، سرش داد نمی‌زدم”).

• مسیحیان دیگر بهانه به دست ما می‌دهند (“خب، همه با گناه دست به گریبان هستند” یا “تو در این لحظه زیر فشار زیادی قرار داری، این طور نیست؟”).

۱۱- کاربرد: این عبارت را در موارد زیر، چگونه مورد استفاده قرار می‌دهید:

• در به چالش کشیدن فرد مسیحی‌ای که از گناه خودش راضی است؟ اگر آیه ۲۴ الف، نتیجه‌گیری پولس درباره خودش است، پس آیا ما هم نباید چنین نتیجه‌گیری‌ای در مورد خودمان بکنیم؟

• در تشویق کردن فرد مسیحی‌ای که زیر بار گناهش، کمر خم کرده؟ اگر می‌دانی که بیچاره هستی، پس حالا می‌توانی فیض خدا را در مسیح درک کنی و قدردانش باشی! لازم نیست زیر بار شکست‌های کمر خم کنی؛ مسیح برای همین خطاها مُرد. و حالا می‌توانی خوشحال باشی که هر چند گناهکاری بزرگ هستی، اما مسیح نجات دهنده بزرگتری است.

## تکلیف اضافی اختیاری

کل رومیان ۱-۷ را دوباره بخوانید. شاید به نفع شما باشد که خود شما [سرگروه] همهٔ این







# رومیان ۱-۷

## نعمت خدا



آرزوی هر انسانی این است که همه چیز در موردش درست باشد.

ما دوست داریم از نظر قوانین کشورمان، در نظر دوستان و کسانی که مورد احتراممان هستند، و از دید همکاران خود افراد درستکاری باشیم. از این جهت سخت کوشش می‌کنیم تا این موضع را بدست آورده و آن را حفظ کنیم.

اما یک درستکاری یا عدالت دیگر نیز وجود دارد که بسیار مهمتر و بهتر از همه مواردی است که در بالا ذکر شد. این نوع درستکاری همه جوانب زندگی‌مان را از هر گونه بند آزاد ساخته و تبدیلی ابدی می‌بخشد ... به طوری که هیچیک از ما قادر نیست آن را برای خود تحصیل و یا در خود حفظ کند.

و آن، داشتن رابطه درست با خداست!

رومیان ۱-۷ درباره داشتن چنین رابطه‌ای است، رابطه درست با خدا. در این چند فصل درمی‌یابیم که چرا ما فاقد آن هستیم، چرا به آن نیازمندیم، و چگونه می‌توانیم آن را داشته باشیم. رومیان ۶:۲۳ آیه‌ای است که ما را به هیجان می‌آورد: «... نعمت خدا حیات جاودانی [است] در مسیح عیسی.»

مطالعه این ۷ درس شما را یاری خواهد داد تا یکی از بخش‌های کتاب مقدس را درک کنید که بیش از همه مورد مطالعه و نگارش قرار گرفته‌اند. در حینی که این ۷ درس کمک می‌کنند تا لایه‌های نعمت ارزنده داشتن رابطه درست با خدا را برای خود باز کنید، شما شاهد تبدیل قلب، زندگی، هویت، و دیدگاه خود خواهید بود.

برای استفاده شخصی و یا گروهی  
به همراه «راهنمای رهبر گروه»

راستی

Fact Ministries, Inc.

[www.factministries.org](http://www.factministries.org)



راستی  
**FACT**  
Farsi & Assyrian Christian Teaching Ministries